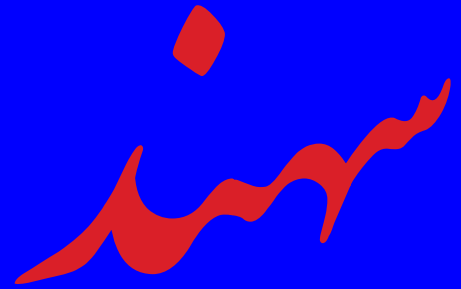


نشریه کمیته آذربایجان  
حزب کمونیست کارگری ایران  
سردبیر: فراز آزادی



دوره دوم شماره 11، بهمن 1396، ژانویه 2018



اعتراضات مردم در 8 و 9 و 10 دی ماه 1396

## در این شماره

اطلاعیه- تجمع اعتراضی کارگران کارخانه ماشین آلات  
صنعتی تراکتور سازی تبریز

اطلاعیه- اذیت و آزار شهروندان به "جرم" بهایی بودن  
ممنوع

اطلاعیه- تجمع اعتراضی کارگران راه آهن تبریز و  
جلوگیری از حرکت قطار تبریز - مشهد!

اطلاعیه- تجمع اعتراضی کارگران گروه فولاد ارومیه و  
کمیابین سازی تبریز

کالبد شناسی یک زلزله- فراز آزادی،

مصاحبه نشریه سهند با بابک شفق در مورد کمک  
رسانی به زلزله زدگان

جنبش علیه خشونت بر زنان دایمی است!  
شهلا خباززاده،

خشونت علیه زنان و روز جهانی رفع خشونت بر زنان-  
طاها حسینی،

بیکاری و حاشیه نشینی در آذربایجان بابک شفق،  
خلاصه ای از اخبار آذربایجان- شهلا خباززاده

ده امر فوری انقلاب،

بیانیه احزاب و سازمانهای چپ و کمونیست،

تمام زندانیان سیاسی باید آزاد شوند! بیانیه حزب  
کمونیست کارگری،

مردم قلب نظام را نشانه گرفته اند- اطلاعیه حزب  
کمونیست کارگری

قیام برای سرنگونی- محسن ابراهیمی،

قیام 96 و دخالت خارجی- محسن ابراهیمی،

فراخوان به تظاهرات- اطلاعیه کمیته آذربایجان،

میزگرد نشریه سهند در رابطه با اعتراضات اخیر علیه  
رژیم در ایران و آذربایجان

21 آذر- جدال ناسیونالیسم فارس و ترک و روایت ما-  
گفتگوی فراز آزادی با محسن ابراهیمی

زنده باد حزب- حمید تقوایی،

ناسیونالیسم- یک جنبش ارتجاعی- کاظم نیکخواه،  
ائتلاف نامیمون قوم پرستان و ناسیونالیستها-  
کاظم نیکخواه،

**یادداشت کوتاه سردبیر در رابطه با اعتراضات خیابانی مردم در دیماه**

در طول روزهای قیام دیماه 96، شهرهای مختلف آذربایجان نیز با مردم شهرهای مختلف سایر مناطق ایران همصدا شدند. گزارشاتی که در شبکه های مجازی بصورت عکسهای تظاهرات آنها انعکاس یافت، نشان از اعتراضات در شهرهای مختلف آذربایجان، از جمله اردبیل، ارومیه، مراغه، تبریز، خوی، میانه، ابهر و زنجان بود. مردم در این تظاهرات با شعارهایی مانند مرگ بر خامنه ای، مرگ بر روحانی، نترسید نترسید، ما همه باهم هستیم، زندانی سیاسی آزاد باید گردد! نشان دادند که عزم جزم کرده اند که رژیم جمهوری اسلامی را براندازند. مردم در ادامه روزهای پرشور اعتراضات خیابانی، در اشکال مختلف، از جمله تجمعات اعتراضی مالباختگان، تجمعات اعتراضی کارگری و جوانان و معلمین به رژیم معترض اند و دست از مبارزه برنداشته اند و امروزه دوست و دشمن بر این مهم اذعان دارند که رژیم جمهوری اسلامی در بن بست کامل اقتصادی و سیاسی قرار دارد و راه پس و پیش ندارد.

مردم هم چنان فضای مبارزه علیه رژیم را تغییر داده اند که یک توازن قوای مبارزاتی جدید به نفع خودشان بوجود آورده اند.

این مبارزه می رود که سرنوشتی تاریخی برای مردم ایران به ارمغان آورد. و در این مبارزه، حزبی مانند حزب کمونیست کارگری دخیل است که از راه به پیروزی رساندن انقلاب مردم بخوبی آگاه است و قادر است که سرنوشت قدرت سیاسی را به نفع مردم تغییر دهد. 25 ژانویه 2018

**ده امر فوری انقلاب**

۸- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و تحزب فوراً باید اعلام و برقرار شود.

۹- برابری حقوقی و مدنی همه شهروندان ایران مستقل از مذهب، زبان، و یا قومیت و ملیت فوراً باید عملی شود.

۱۰- یک زندگی مرفه و منطبق بر آخرین استانداردها و امکانات در پیشرفته ترین جوامع باید برای همه شهروندان تضمین شود. حداقل دستمزد باید بر مبنای این استانداردها افزایش پیدا کند و بیمه بیکاری مکفی برای همه بیکاران و افراد آماده به کار تامین شود. طب و بهداشت و تحصیل باید فوراً برای همگان رایگان شود.

اینها مهمترین و فوری ترین خواسته ها و در واقع ده فرمان انقلاب مردم علیه جمهوری اسلامی است. اعتراضات و تظاهرات و اعتصابات و اجتماعات برای تحقق این خواستها باید هرچه گسترده تر شود. تنها با سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری حاکمیت مستقیم همه زنان و مردان ساکن ایران است که این خواستها بنحو پیگیر و جامعی متحقق خواهد شد.

حزب کمونیست کارگری تمامی شما کارگران، زنان، و جوانان را به تلاش برای تبدیل این منشور به پرچم انقلابی که در حال شکل گرفتن است فرا میخواند.

**حزب کمونیست کارگری ایران**

۱۳ دیماه ۱۳۹۶، ۳ ژانویه ۲۰۱۸

انقلاب عظیمی آغاز شده است. فوری ترین اهداف مردمی که قهرمانانه برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی بپا خاسته اند از این قرار است:

۱- همه زندانیان سیاسی و دستگیر شدگان اعتراضات اخیر فوراً باید آزاد شوند.

۲- تمام آمرین و عاملین جنایات جمهوری اسلامی در چند دهه گذشته باید دستگیر و علناً محاکمه شوند.

۳- کلیه نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی باید فوراً منحل شوند.

۴- مجازات اعدام باید فوراً لغو شود. قوانین قصاص برچیده شود.

۵- کلیه اموال غارت شده مردم توسط مقامات و نهادهای مذهبی و دولتی باید فوراً بازپس گرفته شود و به صاحبان آن برگردانده و یا صرف کارهای عام المنفعه و رفاهی جامعه شود.

۶- حجاب تحمیلی و هر گونه جداسازی جنسیتی فوراً ملغی شود و آزادی پوشش برقرار گردد. کلیه قوانین ضد زن و تبعیض آمیز علیه زنان باید فوراً لغو شود و حقوق برابر زن و مرد در همه زمینه ها اعلام شود.

۷- مذهب از دولت، از سیستم قضائی، و از آموزش و پرورش باید کاملاً جدا شود. آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد باید تضمین شود.

## بیانیه احزاب و سازمانهای

### کمونیست و چپ:

فصلی تازه در مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی خیزش کارگران، جوانان، زنان آزاده و تهیدستان شهری علیه فقر و فلاکت اقتصادی، و علیه تبعیض و بیحقوقی و فساد حکومتی که با سرعت حیرت آوری صد شهر ایران را در بر گرفت فصل تازه ای در مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و به زیر کشیدن نظام سرمایه داری گشوده است. این خیزش انقلابی و سراسری که عمیقاً ریشه در شرایط قابل تحمل سیاسی و شرایط دشوار کار و زندگی کارگران و اقشار محروم جامعه داشت نشان داد که چه دگرگونی عظیمی در آگاهی عمومی و عزم جامعه برای عبور از جمهوری اسلامی به وقوع پیوسته است. توده های پیا خاسته در همان آغاز با سر دادن شعارهای "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "مرگ بر روحانی"، "اصلاح طلب، اصول گرا دیگه تمامه ماجرا" کلیت رژیم سیاسی را هدف گرفتند و نشان دادند که هیچ امیدی به بهبود وضعیت زندگی و معیشت خود و پایان دادن به شرایط اختناق سیاسی تحت حاکمیت رژیم جنایتکار اسلامی ندارند.

سران رژیم با به رخ کشیدن نقش نیروهای قهر و سرکوب خود در فروکش دادن تظاهرات و اعتراضات خیابانی، بیهوده وانمود می کنند که خطر خیزش توده ای را از سر

گذرانده اند. این در حالی است که اعتراض علیه اوضاع موجود، با تظاهرات خیابانی آغاز نشده است تا با فروکش کردن آن پایان بگیرد. خیزش سراسری اخیر در ادامه اعتصابات و مبارزات گسترده کارگران علیه شرایط مشقت بار زندگی، جنبش سراسری معلمان و بازنشستگان، اعتراضات پیگیر علیه بیحقوقی زنان، مبارزات دانشجویی، اعتراض عمومی علیه دزدی و فساد در دستگاه حاکم، اعتراضات مالباختگان و خشم و نفرت علیه تبعیض و نابرابری در عرصه های مختلف حیات اجتماعی و علیه دخالت مذهب در زندگی مردم، روی داد. این اعتراضات و تحولی که در آگاهی واراده توده ها بوجود آمده محصول تجربه عینی در دل این مبارزات و رویارویی آشکار با نظام حاکم بوده و رژیم اسلامی نمی تواند با تکیه بر قوه قهر و سرکوب جلو روند رو به گسترش و تعمیق آن را بگیرد.

جمهوری اسلامی که در بحرانی همه جانبه دست و پا می زند درمانده تر از آن است که پاسخیبه مطالبات توده های بجان آمده و بهبود معیشت آنان داشته باشد. از طرف دیگر تظاهرات برای آزادی زندانیان سیاسی در مقابل زندان اوین با شعار "بترسید، بترسید، ما همه با هم هستیم" و همچنین راهپیمایی، اعتصابات و اعتراضات کارگری در دو هفته اخیر و تاکیدت شکل های مختلف کارگری، بازنشستگان،

دانشجویان، زنان، نویسندگان و هنرمندان مترقی بر ادامه این اعتراضات درست در شرایطی که رژیم قوه سرکوب خود را به

رخ جامعه می کشد، نشان از آن دارند که حربه ارباب کارائی گذشته را از دست داده و خیزش های عظیم تر و بنیان کن تری در راهند.

در شرایط کنونی که درماندگی رژیم در پاسخگویی به خواسته های مردم و تغییر توازن قوا به زیان جبهه دشمن، گسترش اعتصابات و اعتراضات کارگری و توده ای را به امری اجتناب ناپذیر تبدیل کرده است، توده گیر شدن یک درک درست از معنای واقعی سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و شرایط و ملزومات آن در میان فعالین جنبش کارگری و دیگر جنبش های اجتماعی و توده ای می تواند نقش مهمی در تکامل مبارزات جاری داشته باشد.

ما امضا کنندگان این بیانیه اعلام می کنیم که سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی معنایی جز در هم شکستن ماشین دولتی، از جمله انحلال کامل سپاه پاسداران، ارتش، زندانها، نیروهای انتظامی و کلیه ارگانهای سرکوب و نهادهای تبلیغاتی و ایدئولوژیک جمهوری اسلامی، خلع ید از روحانیت و مذهب از کلیه حیات اجتماعی کشور و الغای قانون اساسی و سایر قوانین ضد انسانی جمهوری اسلامی ندارد. ما بر این باوریم که سازمانیابی و پیشروی طبقه کارگر در جریان اعتصابات و اعتراضات رو به گسترش جاری و همراهی و اتحاد جنبش های اجتماعی و اعتراضی پیشرو با چشم انداز و استراتژی سوسیالیستی است که می تواند سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی و مناسبات طبقاتی حاکم را تضمین کند و

آزادخواه در داخل و خارج از کشور را فرا می‌خوانیم که برای آزادی فوری و بی‌قید و شرط دستگیر شدگان اعتراضات اخیر و کلیه زندانیان سیاسی و جلب حمایت افکار عمومی پیشرو و مترقی در سطح جهان از مبارزات آزادیخواهانه و سرنگونی طلبانه مردم در ایران از هیچ تلاشی فروگذار نکنند.

**سرنگون باد جمهوری**

**اسلامی ایران**

**زنده باد آزادی، زنده باد**

**سوسیالیسم**

**۲۵ دی ماه ۱۳۹۶، ۱۵ ژانویه**

**۲۰۱۸**

**امضا کنندگان به ترتیب**

**حروف الفبا:**

حزب کمونیست ایران

حزب کمونیست کارگری ایران

حزب کمونیست کارگری ایران

- حکمتیست

سازمان راه کارگر

مبارزان کمونیست

مردم فریبکارانه سنگ حمایت از مطالبات مردم ایران را به سینه می‌زنند، ما امضا کنندگان این بیانیه تأکید می‌کنیم که تنها با تکیه بر یک افق روشن انقلابی و با اتکاء بر آگاهی و سازمانیابی جنبش کارگری و جنبش به پا خاسته مردم منکوب شده و آزادیخواه ایران می‌توان آن تلاش‌های ارتجاعی را خنثی کرد.

ما امضا کنندگان این بیانیه همه کارگران، زنان، جوانان و عموم انسانهای شرافتمند و آزادیخواه را که از نظام سرمایه داری و مذهبی جمهوری اسلامی بجان آمده‌اند؛ فرا می‌خوانیم که برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و به زیر کشیدن نظام سرمایه داری که برپائی جامعه ای مرفه و عاری از هر گونه ستم و استثمار و با گسترده ترین آزادی‌ها را نوید می‌دهد، صفوف خود را یکپارچه تر و متحد تر کنیم.

ما همه نیروها و انسان‌های

افق‌رهایی از کلیه مصائب نظام سرمایه داری را به روی جامعه بگشاید.

ما امضا کنندگان این بیانیه بر این باوریم که پیشروی مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و به زیر کشیدن نظام سرمایه داری در گرو فراگیر شدن شعارها، خواستها و اهدافی است که متضمن حقوق انسانی و جهانشمول همه شهروندان و تحقق آزادی و برابری و رفاه همه انسانها فارغ از هر گونه تبعیض جنسیتی، ملی و مذهبی و نژادی باشد.

امروز در شرایطی که دولت‌ها و نیروهای ارتجاعی مانند روسیه، عراق و سوریه و حزب الله آشکارا در برابر جبهه اعتراضات مردم از جمهوری اسلامی حمایت می‌کنند و از طرف دیگر از آمریکا تا پادشاهی عربستان و متحدین آن در منطقه و نیروهای رنگارنگ اپوزیسیون بورژوازی ایران به منظور به بیراهه بردن اعتراضات



## بیانیه حزب کمونیست کارگری ایران:

### تمام زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند!

خروش زندانی سیاسی آزاد باید گردد را امروز باید در سراسر ایران طنین انداز کرد. جمهوری اسلامی با بگير و بند و زندان و شکنجه و کشتار خود را در قدرت نگه داشته است. اما این اسلحه دیگر کارائی ندارد. امروز مردم ایران بپاخاسته اند. حقوق انسانی خود را میخواهند. به هزار زبان اعلام میکنند که "زیر بار ستم نمیکنیم زندگی". مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی فی الحال فعالانه در جامعه جریان دارد. خانواده ها و بستگان زندانیان در برابر زندانها تجمع و اعتراض میکنند و آزادی فوری عزیزان خود را که در اعتراضات اخیر دستگیر شده اند طلب میکنند. کارگران و معلمان و دانشجویان میجنگند و تلاش میکنند رهبران و همسنگران خود را از چنگ گرگان حکومتی نجات دهند. مردم هر جا میتوانند دستگیر شدگان را از چنگ ماموران حکومتی نجات میدهند. کارزارهای قدرتمندی برای آزادی زندانیان سیاسی در میان کارگران و معلمان و دانشجویان و بخشهای مختلف مردم در جریان است. در تمام اعتراضات و تجمعات یک شعار مردم آزادی زندانیان سیاسی است.

ابزار زندان و دستگیریها را میتوان و باید از دست حکومت اسلامی گرفت. این یک گام مهم در سرنگونی این حکومت است. جمهوری اسلامی حکومت کهریزک و اوین و

شکنجه و کشتار فرزندان مردم در زندانهاست. زندان ابزاری برای به بند کشیدن کل جامعه است. گشودن درب زندانهای دیکتاتوری اسلامی، یک امر فوری و مهم انقلاب مردم ایران است. شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد از انقلاب ۵۷ به عنوان شعار زیبای آزادی در قلب مردم ایران حک شده است. این شعار را باید بار دیگر وسیع تر و عمیق تر و پر طنین تر فریاد بزنیم. همه زندانیان سیاسی فوراً باید از شکنجه گاههای حکومت منفور اسلامی آزاد شوند.

انقلاب مردم ایران با سرنگونی حکومت اسلامی، بی تردید فصل نوینی را در تاریخ این کشور خواهد گشود. فرمان انقلاب ایران اینبار این است: "ابراز هر عقیده ای بدون قید و شرط آزاد است. تشکل و تحزب آزاد است. اعتصاب آزاد است. نقد مقدسات آزاد است. تجمع آزاد است. هیچ شخصیت و نهادی از انتقاد مصون نیست". این فرمان دوره نوینی را نوید میدهد که به تمام دورانهای دیکتاتور سالاری پیشین در تاریخ جامعه ایران پایان میدهد و جامعه ای نمونه وار از نظر آزادی بی قید و شرط سیاسی را پی

میریزد.  
کارگران و مردم  
ایران!

دنیا دارد اعتراف  
میکند که انقلاب  
علیه جمهوری  
اسلامی برگشت  
ناپذیر است.  
میتوانیم با قدرت  
مبارزات و  
اعتراضات خود

ابزار شکنجه و زندان را از دست این حکومت خارج کنیم. امروز وقت آنست که شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد را همه جا پرطنین تر فریاد بزنیم. میتوان و باید همگام با خانواده ها و بستگان زندانیان سیاسی جنبش آزادی زندانیان سیاسی را گسترش داد. حکومت اسلامی در تنگنای سیاسی و اقتصادی و تشنتت بالاییها، باید هرچه قدرتمندتر زیر ضرب خروش آزادی زندانیان سیاسی قرار گیرد و عقب رانده شود. میتوانیم عزیزانمان را آزاد کنیم. میتوانیم سرنگونی حکومت اسلامی را با شکستن در زندانها یک گام اساسی تر نزدیک کنیم. میتوانیم شکنجه گران و قاتلین را عقب برانیم. با عزم و تلاش همه ما مردم، انقلاب آتی در ایران با سرنگونی حکومت اسلامی سرمایه داران، به دوره زندان و زندانهای سیاسی برای همیشه پایان خواهد داد و آزادی را به قانون غیر قابل تخطی جامعه تبدیل خواهد کرد

### حزب کمونیست کارگری

#### ایران

30 دیماه 1396، 20 ژانویه  
2018





حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-Communist Party Of Iran

## مردم قلب نظام را نشانه گرفته اند

اطلاعیه شماره ۴:

تظاهراتی که از دیروز هفتم دیماه با شعارهای مرگ بر گرانی و بیکاری شروع شد، در تظاهرات امروز مردم قم، همدان و کرمانشاه به شعارهای مستقیماً سرنگونی طلبانه تبدیل شد. در قم مردم شعار میدادند جمهوری اسلامی نمی‌خوایم، مرگ بر حزب الله، سیدعلی حیا کن مملکتو رها کن. و در مرکز شهر همدان شعار میدادند مرگ بر خامنه‌ای و جمعیت دیگری در حالیکه به فرمانداری این شهر حمله میکردند شعار مرگ بر جمهوری اسلامی سر دادند. در کرمانشاه جمهوری اسلامی نابود باید گردد از جمله شعارهای مردم بود. شعار مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر روحانی نیز از جمله شعارهای سراسری مردم در اعتراضات امروز بود. طبق گزارش دیگری از قزوین و رشت، مزدوران حکومت با مردم درگیر شدند اما جوانان با شجاعت تمام با آنها مقابله کردند و به تظاهرات خود ادامه دادند. در قزوین مردم شعار میدادند توپ تانک فشفشه، آخوند باید گم بشه. جنبشی که در سطح کشور شروع شده، جنبشی برای سرنگونی حکومت است. مردم این حکومت را نمیخواهند. حکومت مшتی دزد و جنایتکار نمیخواهند، حکومت مذهبی و ضد زن نمیخواهند، حکومتی که میلیاردها دلار صرف مسجد و امامزاده میکند اما اکثریت عظیم مردم را در فقر و محرومیت نگاهداشته نمیخواهند. رژیم‌های که تنها با سرکوب و جنایت حکومت میکند نمیخواهند. مردم حکومتی که هر کارگر و معلم و دانشجو و جوان معترضی را به زندان می‌اندازد نمیخواهند، حکومت اعدام و سنگسار و شکنجه نمیخواهند، دخالت مذهب در زندگی شان را نمیخواهند.

مردم یک زندگی انسانی میخواهند، رفاه و عدالت میخواهند، آزادی و برابری میخواهند، حرمت و منزلت میخواهند، آزادی زندانیان سیاسی را میخواهند، محاکمه قاتلان مردم و دزدان حاکم را میخواهند و در یک کلام جامعه‌ای انسانی و حکومتی انسانی میخواهند.

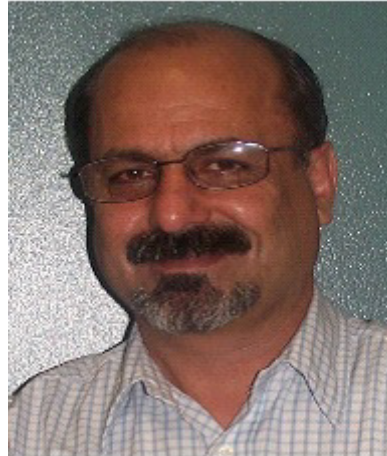
حزب کمونیست کارگری، کارگران و همه مردم در سراسر کشور را به گسترش اعتصاب و اعتراض علیه فقر و گرانی و بیکاری، علیه تبعیض و بیحقوقی، علیه حکومت مذهبی و برای سرنگونی جمهوری اسلامی فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران جمعه 8 دیماه 1396، 29 دسامبر 2017

## قیام برای سرنگونی قدرتمندتر باز خواهد گشت!

محسن ابراهیمی

ebahimi1917@gmail.com



قیامی که 7 دی شروع شد و به سرعت سراسر ایران را فرا گرفت، به حق در میان مردمی که برای پایان یافتن به سلطه حکومت اسلامی ثانیه شماری میکنند شور و شوق فراوانی برانگیخت.

جلوه اصلی این قیام یعنی تظاهرات گسترده خیابانی - به نظرم موقتا - فروکش کرده است و خامنه ای و روحانی که در روزهای اول این عصیان سراسری سرگیجه گرفته بودند، دارند از سوراخپایشان بیرون می آیند و ضمن مظلوم نمایی شاخ و شانه میکشند.

سران حکومت خودفریبانه تصور میکنند با فروکش کردن موقت شورش در خیابان، عزم مردم برای پایان دادن به عمر جمهوری اسلامی هم فروکش کرده است. این البته حالت روانی مشترک و مشابه همه دیکتاتورهاست. همه دیکتاتورها در اوج توهم به ثباتشان ساقط شده اند.

موضوع بسیار ساده است. قیام 96 رعدی در آسمان بی ابر نبود. و تا آسمان ابری است رعدهای غرنده تری در راه هستند.

تظاهرات و جنگ و گریز در خیابان ممکن است موقتا فروکش کند اما تا زمانیکه بنیادها و زمینه های خشم و نفرت و عصیان سرچاپیش باشند، خیابانها صحنه تظاهرات

سلطه حکومت اسلامی کوچکترین امیدی برای یک آینده انسانی ندارند جز رانده شدن به مفاک یاس و اعتیاد و تن فروشی!

قیام دختران و پسران جوانی است که کودکی و نوجوانیشان زیر تعرض قوانین ارتجاعی اسلامی تباه شده است و معنای جوانیشان چیزی جز جنگ و گریز دائمی با مزدوران و نیروهای نهی از منکر و امر به معروف نیست!

قیام زنانی است که نه تنها حاضر نیستند نیمه انسان محسوب شوند؛ نه تنها حاضر نیستند بی حرمتی قوانین اسلامی علیه حرمت و انسانیتشان را تحمل کنند؛ بلکه عزم جزم کرده اند به این حقارت و اسارت اسلامی پایان دهند!

قیامی مردمی است که میخواهند دستان خونین و چرکین اسلام از اتاق خوابشان، از مدرسه و دانشگاه و محیط تحصیلشان، از نحوه لباس پوشیدنشان، از کوچه و خیابان و مغازه و استادیوم و بیمارستان و اداره و هر گوشه ای از زندگی اجتماعیشان قطع شود!

این قیامی علیه نابرابری، فقر، بی عدالتی، تبعیض، دخالت مذهب است. این قیامی برای آزادی است. برای برابری است. برای رفاه است. برای حرمت انسانی است.

قیامی با این اهداف میتواند موقتا فروکش کند اما نمیتواند پایان یابد. باز میگردد و هر بار با قدرت بمراتب بیشتر.

19 دی 1396 - 9 ژانویه 2018

و قیامی حتی قدرتمندتر خواهد بود.

چرا نزدیک 100 شهر در فاصله بسیار کوتاهی به صحنه رویارویی با نیروهای سرکوب حکومت تبدیل شد؟ چه کسانی و چرا خیابانهای سراسر ایران را به صحنه رویارویی با نیروهای سرکوب حکومت اسلامی تبدیل کردند؟ صحبت از قیام چه کسانی است؟

قیام 7 دی، قیام کارگرانی است که حتی دستمزد زیر خط فقرشان را هم میدزدند و اعتراضشان را با شلاق اسلامی سرمایه پاسخ میدهند!

قیام کولبران پیر و جوانی است که با قامت خمیده زیر بار سنگین کیلومترها در برف و بوران کوههای کردستان بار میکشند تا لقمه نانی به سفره کودکانشان بیاورند و با گلوله پاسداران سرمایه و اسلام به خاک میافتند!

قیام بیکارانی است که سرمایه داران مورد حمایت دولتهای اصلاح طلب و اصولگرا به خیابانها پرتاب کرده اند!

قیام جوانانی است که زیر

## قیام در ایران و "دخالت خارجی"!

محسن ابراهیمی

ebrahimi1917@gmail.com

### خیزش علیه نظام اسلامی پایان نیافته است!

مطلب حاضر را هفته پیش آماده کرده بودم که هنوز تظاهرات خیابانی در سطح وسیع جریان داشت و بیش از پیش به تقابل با نیروهای سرکوب منجر میشد. ظاهراً تظاهرات و جنگ و گریز خیابانی با نیروهای امنیتی فروکش کرده است و این تصور را اشائه میدهند که گویا همه چیز به اتمام رسیده است و رژیم اسلامی خطر سرنگونی را پشت سر گذاشته است. میگویم ظاهراً چون خیزشی که در 7 دی شروع شده است هنوز هم در قالبها و اشکال مختلف ادامه دارد. علاوه بر گسترش اعتراضات کارگری در ابعادی حتی وسیعتر از گذشته، یک جلوه تداوم مبارزه، مقاومت و اعتراض در مقابل یکی از بدنامترین مراکز ارباب و قتل در جهان یعنی زندان اوین است.

وضع سیاسی ایران شبیه دیگ سربسته پر از آبی است که روی آتشی شعله ور میجوشد. قیامی که از 7 دی شروع شد فقط جلوه ای از آب در حال جوش و خروشی است که منفذی را برای خارج شدن پیدا کرده بود. حکومت اسلامی تصور میکند این منفذ را بسته است و انشاء الله "غائله" خوابیده است. اما همچنان

میتوانند ایفا کند؟ نقش آنها به نفع مردم است؟ به نفع تداوم عمر حکومت است؟ بهانه ای بدست رژیم نمیدهد که مردم بپاخاسته را سرکوب کند؟

اولاً، دخالت، نقش و تاثیر دول خارجی و چگونگی برخورد به آن همیشه روی میز هر جنبشی قرار میگیرد که برای عدالت و آزادی به صحنه سیاسی وارد شود. این یک واقعیت اجتناب ناپذیر است و با دعا و جادو و جنبل هم نمیشود دورش زد. باید در مقابلش هشیار بود و برای کاهش و خنثی کردن آثار مخربش علیه خیزش مردم راه پیدا کرد.

ثانیا، به دلیل موقعیت ایران در جغرافیای سیاسی منطقه هر تحولی در این کشور مخصوصاً برای غرب، روسیه و دول منطقه حیاتی است. نه تنها از نظر اقتصاد سیاسی ایران کشوری بزرگ با جمعیتی وسیع و با منابع نفت و گاز گسترده و نیروی وسیع کارگر متخصص است بلکه در منطقه ای قرار گرفته است که فعلاً مرکز تلاقی و تخاصم و رقابت به فرجام نرسیده دو اردوی بزرگ جهانی است. دو اردوی که در دنیای هنوز به فرجام نرسیده بعد از پایان جنگ سرد خرخره همدیگر را میجوند.

و بالاخره، جامعه بزرگ ایران در چنگال جمهوری اسلامی اسیر است که خود در راس یک طرف این تقابل منطقه ای و جهانی قرار دارد. تقابلی که در مقیاس جهانی اساساً توسط روسیه و آمریکا به پیش برده میشود.

دول سرمایه داری در جهان دیدند که رعد و برقی در

آتش زیر دیگ است و آب در حال جوشیدن. دیر یا زود این دیگ منفجر خواهد شد و بارگاه جمهوری اسلامی را ویران خواهد کرد. شاید سران حکومت دلشان را خوش کنند که خطر رفع شده است اما فراموش نکنیم همه دیکتاتورها در اوج توهم به ثباتشان ساقط شده اند.

همه میدانیم که ترکیب طبقاتی و اجتماعی مردمی که این بار علیه نظام اسلامی به خیابان ریختند اساساً توده های میلیونی به اعماق فقر رانده شده، کارگرانی که همه هستیشان به یغما رفته، بیکارانی که کوچکترین امیدی به آینده ندارند، جوانانی که همه دریچه ها به رویشان بسته شده است هستند. به این باید نسلی را اضافه کرد که کودکی و نوجوانی و جوانیشان مدام مورد تعرض قوانین اسلام و شریعت قرار گرفته است و تباه شده است. نسلی که از اسلام و حکام اسلامی منزجرند و میخواهند به حیات سیاسی اش پایان دهند.

با توجه به همه اینها تا زمانیکه بنیادهای خیزش مردم علیه حکومت اسلامی سرچایش هستند، رو در روی نهایی برای به پایین کشیدن حکومت اسلامی دیر یا زود فرا خواهد رسید.

### مساله "دخالت خارجی"!

این سؤال همه جا میچرخد که دول خارجی علی العموم و مشخصاً آمریکا و ترامپ چه نقشی در تقابل مردم و حکومت اسلامی میخواهند و

## قیام در ایران و "دخالت خارجی!" محسن ابراهیمی

جمهوری اسلامی توسط روسیه و به اصطلاح خصومت نوع ترامپی با آن توسط آمریکا هر دو اهدافی فراتر و جهانی تر دارند.

پس روشن است که دخالت خارجی حتی در قالب دفاع از اعتراضات مردم ایران انگیزه‌ها، اهداف و کارکردهایی دارد که هیچ ربطی به خواست برحق و انسانی مردم ایران در قیام اخیر ندارد. یا بهتر است بگوییم در نهایت و به صورت استراتژیک تلاشی برای اعمال نفوذ و تغییر مسیر جنبشی بسیار مدرن، بسیار آزادیخواهانه، اشکارا سکولار و عمیقا برابری طلبانه است.

### اداهای سمپاتیک ترامپ، اهداف سیاسی پشت آن!

مهمترین وجه دخالت دولتها در فعل و انفعالات سیاسی ایران همان است که در بالا اشاره کردم. اما این موضوع وجه دیگری هم دارد که قابل توجه است. کاراکتر سیاسی ترامپ معرف حضور همه است. ترامپ در خود آمریکا با یک دستور کار تماما ضد کارگری و راسیستی سرکار آمده است. اگر از همه فاکتورهای دخیل در سیاست

سوریه دارد. یک خاصیت مهم حفظ بشار اسد در قدرت اصولا مربوط به این است که سوریه یک عضو مهم در "محور مقاومت" شیعی محسوب میشود که در راسش حکومت اسلامی قرار دارد. تقویت شاخه شیعی اسلام سیاسی و در راسش جمهوری اسلامی توسط روسیه با هدف شکل دادن و تثبیت هژمونی سیاسی روسیه و قلمرو نفوذ سیاسی اش در دنیایی است که هنوز سیمای نهایی اش ترسیم نشده است.

نقش و دخالت آمریکا هم در متن همین تقابل جهانی قابل درک و توضیح است. اگر هیچ اتفاقی هم در ایران رخ ندهد، سیاست فعلی آمریکا پروار کردن شاخه دیگر ارتجاع اسلامی به رهبری عربستان سعودی است. آمریکا میخواهد با تقویت قطب عربستان شاخه شیعی اسلام سیاسی را کنترل و محدود کند و برعکس نقش هژمونیک شیوخ مرتجع و نهایتا خودش را در فرجام سیاسی منطقه شکل دهد و تثبیت کند. رقص شمشیر ترامپ و ملک سلمان مراسم وصلت مضحکی در این متن بود.

می بینیم که هم حمایت از

آسمان سیاسی ایران غرش کرد، بسرعت به سیلی در خیابانها تبدیل شد و نظام حاکم را هدف گرفت و قدرت سیاسی را به مصاف کشید. آنهم یک قدرت سیاسی که سقوطش زمینه تکانهای بسیار بزرگ در منطقه خواهد بود و نه تنها معادلات منطقه ای بلکه معادلاتی در سطح جهان را هم دستخوش تغییرات مهمی خواهد کرد.

اگر اتفاقات در ایران و نحوه انکشاف و بالاخره و مخصوصا نتایجش وزن سیاسی استراتژیک در منطقه و جهان دارد پس قاعدتا باید دولتها هر چه زودتر دست به کار شوند تا این جنبش سمت و سوی مورد دلخواهشان را به خود بگیرد. همانطور که انتظار میرفت این دست بکار شدن با سرعت آغاز شده است.

در باره نقش روسیه میتوان در فرصتی دیگر مفصلتر صحبت کرد اما اینجا در چند جمله باید گفت که جمهوری اسلامی در محاسبات استراتژیک روسیه جایگاهی بمراتب بیشتر از

نیروهای زیادی تلاش میکنند از "دخالت خارجی" مترسکی برای ترساندن قیام علیه جمهوری اسلامی درست کنند. صندلی اول در این صف را اتفاقا خود جمهوری اسلامی اشغال کرده است. صندلی بعدی در اختیار دولتهایی است که در تقابل و رقابت خونین منطقه ای در کنار جمهوری اسلامی هستند. و صندلی دیگر هم متعلق به انواع و اقسام فرقه های سیاسی است که از فرط "ضد امپریالیست بودن" همیشه بغل امثال حسن نصرالله و حماس و حتی خود جمهوری اسلامی غش میکنند.

## قیام در ایران و "دخالته خارجی!" محسن ابراهیمی

سازماندهی نیروهای سرکوب بعدی از روی ساماوا و دستگاههای امروز سرکوب هستند.

آیا در این راه موفق خواهند شد یا نه؟ چه امکاناتی دارند و چه موانعی در مقابلشان قرار دارد؟ به نظرم فاکتورهای زیادی در مقایسه با انقلاب 57 به نفع پیشروی مردم برای تغییرات بنیادی و خنثی کردن دسیسه های همیشگی طبقات حاکم تغییر یافته است که در فرصت دیگر به آن خواهیم پرداخت.

### "بوسه مرگ!"

سیاست هیئت حاکمه آمریکا در قبال برخورد با جمهوری اسلامی در طول 40 سال گذشته یکدست نبوده و نیست. البته علیرغم اختلافات در اغلب اوقات مهار و کنترل جمهوری اسلامی به نفع سیاستهای آمریکا در منطقه خط مشترک بوده است.

در متن قیام دی ماه، جناحهایی در طبقه حاکم آمریکا فرصت را از دست ندادند تا از سیاست ممانعت اوپاما در مقابل سیاست خصمانه ترامپ باصطلاح اعاده حیثیت کنند. اینکه گویا "مشتهای باز" اوپاما در قیاس با "مشتها گره کرده" ترامپ بیشتر توانست افسار جمهوری اسلامی را بکشد و به نفع منافع ملی وجهانی آمریکا بوده است.

نیویورک تایمز به قلم "فیل گوردون" هماهنگ کننده کاخ سفید در امور خاورمیانه در دوران ریاست جمهوری اوپاما تاکید میکند که "اظهارات ترامپ

تحرك سیاسی تلاشی آگاهانه و قابل انتظار از طرف راست جهانی و همتای ایرانیست است تا مسیر حرکت مردم را به سمت تحولات بنیادی سد کنند. در این تحرك "حمایت از مردم" فقط و فقط یک پوشش سیاسی است. هدف چیست؟ هدف آماده کردن ماتریال معنوی و سیاسی برای دخالت و اعمال نفوذ در شکل و محتوای تحولات و نهایتا شکل دادن به جایگزین سیاسی مطلوب راست برای بعد از حکومت اسلامی است.

تحرك و تلاش راست هم در جهان و هم در ایران از این نظر مضمون مشابهی دارند. هر دو نگران این هستند که قیام مردم از حکومت اسلامی فراتر برود و به بنیادهای طبقاتی جامعه دست ببرد. نگران این هستند که خیزش مردم دستگاههای امنیتی و سرکوب و همه ارگانهایی که بخشا از نظام سلطنتی به ارث رسیده است را در هم بکوبد و امکان بازسازی همین دستگاههای سرکوب برای ادامه چپاول کارگران حتی بعد از پایان حیات حکومت اسلامی را تضعیف کند.

همان جریانی که بعد از شکست انقلاب 57، ساواما را از روی ساواک با اتکاء به ماتریال، تجربه و حتی کادرهای ساواک سازمان دادند امروز هم به هر دسیسه ای برای شکست انقلاب مردم دست خواهند زد و همچنین از همین الان به فکر نگه داشتن دستگاههای سرکوب فعلی از تعرض قطعی مردم و

خارجی آمریکا هم صرفنظر کنیم، در یک نگاه ساده چنین شخصی در راس یک کشور قدرتمند سرمایه داری نمیتواند حامی جنبشی باشد که عدالت، برابری انسانی و آزادی موضوع مبارزه اش است.

این سؤال پیش میاید که پس دست تکان دادنهای ترامپ به مردم ایران چه انگیزه دیگری علاوه بر اهداف استراتژیک در متن تقابل منطقه ای دارد؟

به نظرم این دست تکان دادنها توسط رئیس جمهور یکی از راست ترین دولتهای آمریکا از جنبشی علیه ارتجاع در ایران همان است که به طور کلاسیک در هر انقلابی دیده ایم و اینجا هم دارد تکرار میشود.

حتی تحلیلگران راست در جهان هم اعتراف کرده اند که خیزش اخیر در ایران خیزش طبقات پایین است. خیزشی است بدون کوچکترین توهم به اصلاح از داخل حکومت، خیزشی است برای پایان دادن به کلیت نظام اسلامی. خیزشی است برای رهایی از چنگال میلیاردهای حاکم و نظام اسلامی پاسدارشان. و به این اعتبار این جنبش آشکارا مضمون و محتوای چپگرایانه دارد. چیزی که قطعا مایه نگرانی دول سرمایه داری خواهد بود. همین کافی است که راست در جهان و در خود ایران به تحرك بیافند. این

## قیام در ایران و "دخالت خارجی!" محسن ابراهیمی

در حمایت از اعتراضات ایران بیش از آنکه به نفع معترضین باشد به زیان آنهاست" و به ترامپ توصیه میکند که "بهتر است ساکت باشد و هیچ کاری انجام ندهد". دلیل؟ حمایت علنی مقامات ارشد دولت آمریکا بیشتر به آسیب منجر خواهد شد تا نتیجه مثبت.

نشریه فارین پولیسی (سیاست خارجی) هم تقریباً در همین خط از "مشغله بعضی ایرانیان" این تصویر را میدهد که بزعم آنان استقبال آمریکا از اعتراضات مردم شبیه "بوسه مرگ" است و اهداف مردم را بی اعتبار میکند. به همین خاطر بهتر است آمریکا ایرانیان را راحت بگذارد و علناً در حمایت از معترضین صحبت نکند و به جایش به ایرانیان "هدیه سکوت" تقدیم کند.

مساله "دمکراتها" در الیت سیاسی آمریکا قبل از اینکه

## هشیاری قیام در مقابل "دخالت خارجی!"

نیروهای زیادی تلاش میکنند از "دخالت خارجی" مترسکی برای ترساندن قیام علیه جمهوری اسلامی درست کنند. صندلی اول در این صف را اتفاقاً خود جمهوری اسلامی اشغال کرده است. صندلی بعدی در اختیار دولتهایی است که در تقابل و رقابت خونین منطقه ای در کنار جمهوری اسلامی هستند. و صندلی دیگر هم متعلق به انواع و اقسام فرقه های سیاسی است که از فرط "ضد امپریالیست بودن" همیشه بغل امثال حسن نصرالله و حماس و حتی خود جمهوری اسلامی غش میکنند.

اگر دنیای سیاست صفحه ساده ای باشد که در آن فقط یک یا حتی دو یا چند فاکتور جهت تحولات سیاسی رانندگی میکنند؛ اگر همه دنیای سیاست محدود به تویتهای دونالد ترامپ و رجزخوانهای علی خامنه ای و حسن روحانی باشد، حتماً دست تکان دادنهای ترامپ به خیزش

جنگ طلبی ترامپ و جمهوریخواهان باشد، توجیه سیاست ارتجاعی "مشتهای باز" اوپاما و جناح خودشان در مقابل دیکتاتورهای است که مورد یورش قیام 88 و انقلابات موسوم به بهار عربی بودند. اما تا آنجا که به کل منطقه و تقابل قطبهای ارتجاعی در منطقه مربوط است، "مشتهای باز" اوپاما در مقابل دیکتاتورهای منطقه روی دیگر سکه "مشتهای گره کرده" ترامپ در مقابل همین دیکتاتورهاست. هر دو یک هدف را دنبال میکنند: کنترل و مهار حکومت اسلامی در جهت منافع منطقه ای آمریکا. یک هدف با دو روش. اوپاما با هویج میخواست به حکومت اسلامی افسار بزند. ترامپ فعلاً چماق میچرخاند. هنوز البته ممکن است چماق و هویج دست بدست شود و حتی گاهی در یک دست هویج و در دست دیگر چماق ظاهر شود! قدرت قیام مردم و موقعیت جمهوری اسلامی در مقابل آن هنوز خیلی از معادلات را عوض خواهد کرد.

مساله این است که مردم به پاخاسته ایران در مقابل جمهوری اسلامی منبع عظیمی در جهان دارند که باید رویش حساب کنند. حامیان تهیدستان بیپاخاسته در ایران کارگرانی هستند که در ویسکانسن آمریکا به خیابانها ریختند و اسکات واکر فرماندار و نمایندگان کنگره و لایحه ضد کارگريشان را به چالش کشیدند؛ 99 درصدی هستند که جنبش اشغال وال استریت و اشغال میدانها در سطح جهان را راه انداختند؛ کارگران و جوانانی هستند که حماسه میدان تحریر را در تاریخ ثبت کردند؛ انسانهای دردکشیده و ستمکشی هستند که در قیامهای موسوم به "بهار عربی" دیکتاتورهای "مادام العمر" را بزیر کشیدند. زنان و مردان جسور در افغانستان و عراق هستند که زیر سرنیزه شیوخ مرتجع و جنگسالارن قسی القلب و گانگسترهای طالبان فریاد میزنند: "نه شیعی، نه سنی، مدنی، مدنی!"

## قیام در ایران و "دخالت خارجی!" محسن ابراهیمی

مردم به "بوسه مرگ" تبدیل میشود.

اما تمام مساله این است که دنیای سیاست معادله دو دو تا چهارتا نیست. دنیای سیاست فقط صحنه دیالوگها و رجزخوانیها و اشک تمساح ریختنها و دوز و کلکها و نیرنگها و فریبهها و مهندسیهای سیاسی تعطیل ناپذیر دولتها در میان خودشان نیست. زیر پوست چرکین این معادلات و معاملات جنبشها و احزاب و تجارب و آگاهی نسلهایی قرار دارد که امروز به خیابانها ریخته اند تا اتفاقا سرنوشت سیاسی خود را از چنگال یک در صد حاکم جهان رها کنند. خیزش مردم ایران هم یکی از مهمترین جلوه های همین تقابل در سطح جهان است.

جنبشی که عدالت و برابری میخواهد، جنبشی که تجربه انقلاب 57 و قیام 88 و قیام 96 را پشت سر دارد، جنبشی که توطئه های دولتها و پادوهای داخلیشان در انقلابات موسوم به بهار عربی را پشت سر دارد، باید تلاش کند تنش و تقابل هر بخشی از ارتجاع جهانی با جمهوری اسلامی را به فرجه ای برای پیشروی آگاهانه علیه جمهوری اسلامی تبدیل کند. دشمنی که در میان حامیان سابقش به هر درجه ای منزوی شود را میتوان با هشیاری سریعتر به عقب راند.

### توهم رژیم چینج!

جریانات راست قاعدتا باید خیلی هم خوشحال باشند که پرزیدنت ترامپ برخلاف پرزیدنت اوباما منطما میگوید در کنار مردم ایران است. کسانی که یک عمر در خماری رژیم چینج توسط آمریکا روزگار گذرانده اند، شاید هنوز هم این تصور را دارند یا میخواهند این تصور حقیقت پیدا کند که حتی در متن قیام مردم هم موضوع با رژیم چینج توسط آمریکا فیصله پیدا کند؛ پیشروی قیام مردم به تغییرات بنیادی قیچی شود؛ حضور قدرتمند چپ و نیروهای پیشرو و خواهان برابری و آزادی در ساختار قدرت بعدی تضعیف شود و در نتیجه بساط بچاپ بچاپ توسط کل طبقه سرمایه دار و البته نوکیسه های میلیاردی جدید مجددا پهن شود و بالاخره ادامه دهندگان کراواتی پرزیدنت روحانی بتوانند تحمیل ریاضت اقتصادی به طبقه کارگر ایران را در قالب جدید سازماندهی کنند!

اما "رژیم چینج" به همان معنایی که تا کنون از آن بدست داده شده است، در متن یک قیام سراسری یک توهم است. پوچ است. "رژیم چینج" به معنایی که مثلا قرار بود هواپیماهای قلابی هخا در فرودگاه تهران فرود بیایند جوک است. "رژیم چینج" به معنایی که در رجزخوانیهای شاه الهی ها در مقابل حزب الهی ها رایج است یک توهم نوستالژیک است. "رژیم چینج" به معنایی که قرار است به پادویی "اشرف نشانهای"

آلبانی که عمرعزیزشان ملعبه امامچه ای غایب است و انواع سرداران خودگمارده قوم پرست که دور و بر عبای بن سلمان می پلکند پوچ است.

رژیم چینج رویای نیروهای متعلق به گذشته است که به خاطر حضور گسترده کارگران، بیکاران، تهیدستان، زنان و جوانان پیشرو در تحولات جاری دریاچه ها به رویشان بیش از پیش بسته است. "رژیم چینج" در لحظات حضور گسترده مردمی آگاه در میدان سیاست یک خودفریبی کهنه و مهجور است.

### نوع دیگری از "دخالت خارجی!"

دنیا به هم پیوسته است. منظوم پیوند تکنولوژیک و اینترنتی دنیا فقط نیست. منظوم فقط شبکه قدرتمند ارتباطی میان شهروندان جهان نیست که خوشبختانه قدرت انحصاری فاسد رسانه های جهان سرمایه داری را در هم نوریده است و مهندسی افکار عمومی توسط رسانه های سر به قدرتهای حاکم را با چالشی جدی مواجه کرده است.

فراتر از این و به یمن ارتباط گسترده توده های به فقر رانده شده و تحت ستم در جهان دیگر حتی قدرتمندترین شبکه های مهندسی افکار عمومی قادر نیستند حقایق سیاسی و اجتماعی جهان را وارونه کنند و مغز و روح و روان انسانها را یکه تازانه مسموم کنند.

مساله این است که مردم به پاخاسته ایران در مقابل

## قیام در ایران و "دخالت خارجی!" محسن ابراهیمی

میزنند:

"نه شیعی، نه سنی، مدنی، مدنی!"

میتوان سرنگون کرد. هر چقدر آن نیروهای جهانی که زمانی زیر بال جنبش اسلامی را گرفتند و کمکش کردند انقلاب 57 را شکست دهد بیشتر به هیولای مخلوق خودشان پشت کنند همانقدر این هیولا ضربه پذیرتر میشود. اما خوشحالی از تنش میان دوستان سابق میتواند بسیار گمراه کننده باشد. جنبشی که قصد رها شدن از جمهوری اسلامی و دست بردن به ریشه های فقر و ستم و تبیض طبقاتی، دست بردن به بنیادهای طبقاتی فقر و محرومیت چهل ساله را دارد باید هشیار باشد که در عین پیشروی به سمت پایان دان به حیات سیاسی حکومت، نقشه ها، دسیسه ها و توطئه های دولتها را هم بشناسد و خنثی کند.

این نقشه ها، دسیسه ها و توطئه ها چه ها میتوانند باشند؟ این سئوالی است که در فرصت بعدی به آن خواهیم پرداخت. ■

16 ژانویه 2018 - 26 دی 1396

ممکن است راست در ایران برای دخالت ترامپ و مثلاً رژیم چینج بدون دخالت مردم و یا با آرزوی حذف دخالت مردم کیسه دوخته باشند، اما مردمی که قیام 96 را آغاز کرده اند با اتحاد و تشکل و شعارهای روشن و هشجاری و با اتکا به حامیان جهانیان در جنبشهای حق طلبانه میتوانند تبلیغات در باره مترسک خارجی و انواع توطئه ها را خنثی کنند و اراده خود را بر سرنوشت خود حاکم کنند.

جمهوری اسلامی هر چقدر در سطح جهانی - چه در میان نهادهای بین المللی و سازمانهای طرفدار حقوق بشر و چه حتی در میان دولتها - منزوی تر بشود همانقدر زمینه برای پایان دادن به عمرش هم فراهم تر است. حکومت اسلامی منزوی تر را آسانتر

جمهوری اسلامی منبع عظیمی در جهان دارند که باید رویش حساب کنند. حامیان تهدستان بپاخاسته در ایران کارگرانی هستند که در ویساکنسن آمریکا به خیابانها ریختند و اسکات واکر فرماندار و نمایندگان کنگره و لایحه ضد کارگیشان را به چالش کشیدند؛ 99 درصدیهای هستند که جنبش اشغال وال استریت و اشغال میدانها در سطح جهان را راه انداختند؛ کارگران و جوانانی هستند که حماسه میدان تحریر را در تاریخ ثبت کردند؛ انسانهای دردکشیده و ستمکشی هستند که در قیامهای موسوم به "بهار عربی" دیکتاتورهای "مادام العمر" را بزیر کشیدند. زنان و مردان جسور در افغانستان و عراق هستند که زیر سرنیزه شیوخ مرتجع و جنگسالارن قسی القلب و گانگسترهای طالبان فریاد



## میزگرد نشریه سهند در رابطه با اعتراضات اخیر علیه رژیم در ایران و اذربایجان

شرکت کنندگان در میزگرد:  
فراز آزادی - پرستو داوری  
- جلیل جلیلی - بابک شفق

### 1- به نظر شما چرا مردم به خیابانها ریختند و با شعارهای تند علیه رژیم اعتراض کردند؟

**فراز آزادی** - مردم از زندگی جهنمی در ایران، که نتیجه 39 سال حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی بر آن جامعه بوده، به تنگ آمده اند. مردم از بیکاری، فقر، محرومیت، تبعیض و نابرابری و زندگی در چهار پنج برابر زیر خط فقر خسته شده اند. مردم به خیابان آمدند که بگویند: مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر بیکاری، مرگ بر خامنه ای، مرگ بر روحانی و مرگ بر جمهوری اسلامی، تا نفرت خودشان را از این حاکمیت نشان داده و خواهان بزیر کشیده شدن آن شوند.

**پرستو داوری** - خیزش مردم نتیجه ی طبیعی و منطقی و انقلابی علیه شرایط عینی جامعه، اعم از گرانی و بیکاری و فقر و فقدان آزادیهای فردی و اجتماعی و سیاسی و به طور کلی مجموعه شرایطی بود، که به آن، کارد به استخوان

سرکوب میکنند، انتظار اینکه مردم این جامعه در هر فرصتی به خیابانها سرازیر شوند و برای بزیر کشیدن مصیبت این وضعیت قیام کنند، طبیعی ترین انتظار است. ایران چنین کشوری است و مردمانش در چنین شرایطی زندگی میکنند و بهمین خاطر مردم این کشور به خیابانها ریختند و علیه سیستم حاکم دست به اعتراض زدند.

**بابک شفق** - واقعیت امر این است که اعتراضات سراسری اخیر در ایران حرکتی ابتدا به ساکن نبود که یک شبه بوجود آمده باشد، یا مثلا تحت تاثیر و تحریک یک کشور خارجی شکل گرفته باشد (چنانکه رسانه های حکومتی جمهوری اسلامی سعی در القای آن به جامعه دارند)، این اعتراضات معلول شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم در ایران بود، که ناشی از سیاست های نئولیبرالی بود که سالها فشار مضاعف و فقر و بدبختی را بر مردم تحمیل کرد. طوریکه کارگران را از ابتدایی ترین حقوق محروم کرده و به روز سیاه نشانده اند و حقوق یک چهارم خط فقر را بر آنها تحمیل کرده و هر اعتراض مسالمت آمیز را با زندان و شکنجه پاسخ دادند. در کنار اینها، جوانان را از شادی محروم نمودند، زنان را نه تنها نصف مرد به حساب شان آوردند، بلکه به زور سرنیزه حجاب بر سرشان کردند، تا آنجا پیش روی کردند که حق شرکت زنان در استادیوم ورزشی جرم

رسیدن توده ی عظیم مردم در سراسر ایران می توان گفت واز طرفی نمایان گر رشد آگاهی طبقاتی کارگران و زحمتکشان و طبقات فرودست جامعه بود. این خیزش برآیند جنبش های اعتراضی موجود در یکی دو سال اخیر بود که نیروهایشان بطور مجزا، اما مداوم، برای احقاق مطالبات خود به خیابانها آمده بودند، اما نتیجه ای نگرفته بودند. این خیزش پیوند جنبش کارگری، دانشجویی، زنان، مالباختگان، بیکاران و گرسنگان، و آزادیخواهی بود. از انسجام و پایداری بی نظیری برخوردار بود. سراسری بود و وحدت عمل و وحدت محتوا و وحدت زمانی داشت. پیگیر و مقاوم بود و تاریخی شد و در تاریخ مبارزات جامعه از لحاظ عمق مبارزه ی طبقاتی بی نظیر بود و ریشه های اصلی سیستم طبقاتی سرمایه داری را زیر سوال برد.

**جلیل جلیلی** - در کشوری که حد اقل دستمزد و حقوق کارگران یک چهارم زیر خط فقر است و این حقوق ها نیز ماه ها پرداخت نمیشود، در کشوری که حقوق زنان در قوانین نصف مردان است، در کشوری که نان آور اغلب خانواده ها باید برای تامین حداقل مایحتاج زندگی چند شیفته کار کنند، در کشوری که جوانانش هیچ امیدی برای آینده خود ندارند، در کشوری که حاکمین و اداره کنندگانش ثروت آن جامعه را آشکارا میدزدند و میچاپند و هرگونه اعتراضی را با انگ ضد امنیتی

## میزگرد نشریه سهند در رابطه با اعتراضات اخیر علیه رژیم

محسوب شد. کودکان کار و خیابان و بازمانده از تحصیل را بوجود آوردند که در میان زباله ها به دنبال پر کردن شکم شان هستند. یا جوانان و فارغ التحصیلان دانشگاهی که شغلی ندارند.

این قصه سردرازی دارد که کهریزک ها، قتل های زنجیری، کوی دانشگاهها، را رقم زده اند و در مقابل اختلاس های میلیاردی آیت الله ها و آقازاده هایشان سکوت کردند.

همه عوامل فوق باعث شده جامعه به حالت انفجاری برسد و این اعتراضات نتیجه این وضعیت حاکم در ایران بوده و خواهد بود.

## 2- مردم در این اعتراضات چه شعارهایی را مطرح کردند و منظورشان از این شعارها مطرح کردن کدام خواستها بود؟

**فراز آزادی** - مردم عملا برای اولین بار در 39 سال گذشته، با قامت واقعی یک جنبش سرنگونی طلبانه به میدان آمدند و با طرح این شعارها مستقیما سینه رژیم را نشانه رفتند و خواهان سرنگونی رژیم شدند. شعار محوری مرگ بر خامنه ای، مرگ بر دیکتاتور، خامنه ای حیا کن حکومت را رها کن، و شعارهایی نظیر اصلاح طلب اصولگرا، دیگه تمامه ماجرا، همگی نشاندهنده هدفی به غیر از بزیر کشیدن رژیم نیست. مردم در ابعاد هزاران نفره در بیش از صد شهر به خیابان آمدند و با طرح شعارهایی همچون مرگ بر بیکاری، یک اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه!

اعتراض شان را به فقر و بیحقوقی و حقوقهای چندین برابر زیر خط فقر ابراز داشتند و بحق ریشه این وضعیت را در رژیم جمهوری اسلامی یافتند و به کل جامعه راه نشان دادند، بزیر کشیدن رژیم!

**پرستو داوری** - وجه غالب شعارها منعکس کننده ی خواست مردم برای خاتمه دادن به حاکمیت منحوس ج.ا (یعنی حکومت سرمایه داری، حکومت مذهبی اسلامی، حکومت ضد زن، حکومت چپاول و اختلاس، حکومت جنگ و اعدام، حکومت جهل و خرافات، و...) از هر جناح و بانندی چه اصلاح طلب، چه اصولگرا بود. در همان ساعات اولیه تظاهرات مردم مشهد، شعارهای علیه گرانی و بیکاری و مرگ بر روحانی به سرعت به شعار مرگ بر دیکتاتور و نفی کل نظام تبدیل شد. همانطور که قبلا ذکر کردم این خیزش با شعار های



### میزگرد نشریه سهند در رابطه با اعتراضات اخیر علیه رژیم

اساسی کل سیستم سرمایه داری و تبعات زشت آن را از گرانی و بیکاری و فقر و اختلاس و دزدی و صنعت دین گرفته تا نمایندگان آن را در هر لباس و موقعیتی با هر رنگ و لعابی چه اصلاح طلب چه اصولگرا و... را زیر سوال برد و خواهان نان، کار، آزادی برای همه گردید.

**حلیل جلیلی** - شعارهایی که در این تظاهرات مطرح شدند عمدتاً متمرکز بودند بر محکوم کردن و بزیر کشیدن مسببین این شرایط، یعنی سران حکومت و قوانین اش. "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "مرگ بر خامنه ای"، "حکومت اسلامی نمیخواهیم"، حکومت ضد زن نمیخواهیم" و "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" از جمله شعارهایی بودند که در این اعتراضات مطرح شدند. خواست مردم برقراری یک جامعه آزاد، برابر و انسانی است. جامعه ای که قوانین اش برابری کامل زن و مرد را در همه عرصه های اجتماعی اعلام کند، استثمار انسان از انسان را منع کند، برابری کامل شهروندی را حق تمام آحاد جامعه اعلام کند، داشتن یک زندگی مرفه طبق استانداردهای بین المللی را برای همه تامین و تضمین کند، دین را امری خصوصی و آنرا جدا از دولت اعلام کند، تامین مسکن و بهداشت مناسب و آموزش مجانی در همه سطوح برای همه شهروندان را وظیفه

دولت اعلام کند. جامعه ای که در آن کار مناسب با حداقل دستمزدی برابر با حقوق نمایندگان مجلس برای همه افراد آماده به کار و بیمه بیکاری مکفی برای همه بیکاران تامین شود. و بطور خلاصه جامعه ای که نه بوسیله یک عده مفت خور و انگل و میلیاردر بلکه با دخالت مستقیم همه شهروندان اش اداره شود.

**بابک شفق** - در این اعتراضات شعار های گوناگونی مطرح شد که آمال و خواست های مردم را نشان می داد. من بطور کلی به شعارهای کلیدی مهم اشاره می کنم از جمله اینکه "حکومت اسلامی نمی خواهیم"، چون طی سالهای حاکمیت اسلامی، ارمغانی جز زندگی زیرخط فقر برای اکثریت مردم نبوده، بخاطر همین مردم تکلیف خود را با اسلام یکسره کردند. در کنار این، شعار دیگری که مهم بود "اصول گرا، اصلاح طلب دیگه تمومه ماجرا". این نشانگر آن است که مردم نه تنها فریب جناحهای حکومتی را نمی خورند و از آنها عبور کردند، بلکه فهمیده اند که هر دوی اینها، دو روی یک سکه اند که حاکمیت اسلامی را حفظ می کنند و به بقای آن یاری می رسانند. شعار دیگری که به نظر من مهم بود شعار "مرگ بر خامنه ای" است که مستقیماً کلیت جمهوری اسلامی را به چالش گرفتند و مشروعیت آن را در سطح داخلی و جهانی زیر سوال بردند و اقتدار پوشالی اش و ادعای های توخالی اش را عیان ساختند.

### 3- معترضین به حکومت از کدام طبقات و بخشهای اجتماعی بودند؟

**فراز آزادی** - مردمی که در این اعتراضات شرکت داشتند را نمیشود با دقت ریاضی در رابطه با اقشار و طبقات اجتماعی شان آمار داد. ولی کاملاً روشن است که اینبار بخش فرو دست جامعه، از کارگر و معلم و دانشجو، دانش آموز و زن و مرد و هر انسانی که از این وضعیت جهنمی در عذاب است، شرکت کردند. و علی رغم فضای سرکوب، با قدرت بینظیری خیابانها را از آن خود کردند. از خواستها پیدا بود که کارگران و زحمتکشان شهری و روستائی، جوانان و زنان علیه گرانی و اختلاس و فضای اختناق به میدان آمده اند که برای بدست آوردن حق زندگی دست باعتراض زده است.

**پرستو داوری** - اکثر معترضین در تهران و کلان شهرها و شهرستانها و برخی از روستاها از کارگران و زحمتکشان شهری و معلم ها و حاشیه نشینان و بیکاران بودند و از همان اوایل شروع اعتراضات دانشجویان اکثر دانشگاهها مشخصاً در تهران به مردم پیوستند و شعار اتحاد دانشجو و کارگر را سر دادند. بطور کلی همان طور که در سوال قبلی هم گفتم این خیزش برآیند تمامی جنبش های اعتراضی اعم از کارگری، کشاورزان، دانشجویی، زنان، مالباختگان، بیکاران و گرسنگان، کولبران بود که از

## میزگرد نشریه سهند در رابطه با اعتراضات اخیر علیه رژیم

یکی دوسال پیش بطور مداوم اما مجزا به خیابانها آمده بودند و نتیجه نگرفته بودند .

**جلیل جلیلی** - شرکت کنندگان در اعتراضات اخیر، بطور کلی از بخشهای مختلف طبقه کارگر بودند. این را هم تحلیلا و هم تحقیقا میتوان اثبات کرد. اغراق نیست اگر بگوئیم که در جامعه امروز ایران ۹۰ درصد مردم نه از طریق خرید و استثمار نیروی کار، بلکه از طریق فروش نیروی کارشان گذران زندگی میکنند. این بخش از مردم این جامعه مدام زیر ستم بوده اند؛ از ستم اقتصادی گرفته تا ستم جنسی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، زبانی و غیره و غیره. دستمزدش خورده شده، هر وقت اعتراض کرده شلاقش زدند و از کار اخراجش کردند، بچه اش از تحصیل محروم شد، هر وقت خواست شهروند متساوی الحقوق به حساب آید رویش اسید پاشیده شد، مریض اش از بیمارستان بیرون انداخته شد، برای گذران زندگی و بخاطر لقمه نانی مجبور به کلیه فروشی و تن فروشی اش کردند. بخشی که هیچ وقت هیچ نفعی در ادامه حیات رژیم جمهوری اسلامی در آن کشور نداشته است. طبیعی است که این بخش جامعه در هر فرصتی به خیابانها بریزند و خواهان سرنگونی حکومتی شوند که مسبب و تشدید کننده چنین شرایطی بوده است. و تحقیقا

هم که همه شاهد بودیم که کارگران شاغل، کارگران بیکار، زنان، پرستاران، معلمین، جوانان و دانشجویان آن بخشهایی از جامعه بودند که به خیابانها ریختند.

**بابک شفق** - در جواب این سوال باید بگویم این اعتراضات یک حرکت توده ای و میلیونی بود که اکثریت آنها طبقه زحمت کش جامعه را تشکیل می داد. طبقه ای که قربانی نابرابری تحمیلی جامعه است و از یک زندگی ابتدایی محروم است. در کنار اینها، زنان و جوانان معترض حضوری پررنگ داشتند. تمام ویدیو کلیپهای تظاهرات ها، این واقعیت را نشان می دهد که زنان دخالت گر بودند .

**4- در بیش از 100 شهر ایران و از جمله در شهرهای آذربایجان، مردم به کلیت رژیم اعتراض کردند. به نظر شما شرکت مردم شهرهای آذربایجان در این اعتراضات چگونه بود؟**

**فراز آزادی** - مردم در



## میزگرد نشریه سهند در رابطه با اعتراضات اخیر علیه رژیم

گدائی میکند - آقا خدائی میکند" در ارومیه و "مرگ بر دیکتاتور" در مراغه نشان دادند که درد آنها با درد مردم سراسر ایران یکی است و راه برون رفت از این وضعیت ایجاد صف متحدانه همه مردم برای خلاص شدن از شر جمهوری اسلامی است.

**بابک شفق** - به نظر من اعتراضات در بعضی شهرها خوب بود اما بعضی شهرها ضعیف بود و این از دو علت ناشی می شد. علت اول این بود که فضای بشدت پلیسی و پادگانی در کل شهرها حاکم بود. خصوصا در تبریز، این فضا خیلی سنگین بود.

## 5- برخورد ناسیونالیستهای ترک به این اعتراضات چگونه بود؟

**فراز آزادی** - ناسیونالیستها ابتدا مانند سال 88 و اعتراضات سالهای گذشته، تلاش کردند مردم را قانع کنند که این اعتراضات به مردم آذربایجان ربطی ندارد و اینها مسائل مردم فارس زبان است و از این نوع شانتاژهای ضد انسانی و تفرقه افکنانه. ولی خیلی زود متوجه شدند که مردم به این نوع ترهات وقتی نمینهند و کار خودشان را انجام میدهند و فکر میکنم روز دوم و سوم اعتراضات ابتدا ارومیه و سپس اردبیل و مراغه به اعتراضات سراسری پیوستند و متعاقب آن زنجان و میانه و خوی و اهر.

توجه به تفاوت‌های قومی و ملی با مردم سایر مناطق ایران هم سرنوشت هستند و پیوندی ناگسستی دارند.

## 6- جریان‌ات ناسیونالیستی کوشش کردند که اعتراضات در شهرهای آذربایجان از جمله اردبیل، مراغه، زنجان، ارومیه، میانه، اهر و ... را کم‌رنگ جلوه دهند، به نظر شما هدف این جریان‌ها با این نوع تبلیغات منفی چیست؟

**فراز آزادی** - سیاست کم‌رنگ نشان دادن اعتراضات مردمی در شهرهای آذربایجان، در روزهای اول بیشتر از روزهای بعدی بود. همانطور که در سوال قبلی اشاره کردم، ناسیونالیستها دوست نداشتند که مردم آذربایجان در این اعتراضات شرکت کنند، ولی وقتی دیدند که این سیاستشان مورد توجه مردم نیست و اعتراضات در آذربایجان شروع شد، ابتدا شروع به کم‌رنگ نشان دادن آن کردند و بعد از آن بود که چاره‌ای جز حمایت از این اعتراضات و انهم مشروط بر اینکه باید شعارهای ناسیونالیستی بدهند، نداشتند. بد نیست اینجا به نکته مهمی اشاره کنم و آن همسوئی تبلیغی و سیاسی اطلاعات رژیم با ناسیونالیستهاست. رژیم همیشه روی این مهم سرمایه‌گذاری کرده است که باید از تفرقه بین ترک و فارس بهره‌برد. ما در کمیته آذربایجان همیشه بر این نکته تاکید کردیم و داریم که سیاستهای تفرقه افکنانه قومی و ملیتی

ولی واقعیت اجتماعی این دوره نشان داد که مردم آذربایجان، آن مردمی نیستند که ناسیونالیستها فکر میکردند و میکنند.

**پرستو داوری** - ناسیونالیسم ترک از همان ابتدا تصمیم خود را گرفته بود و با تبلیغات خود مردم را به یک نوع بی تفاوتی و انفعال و بی‌اعتنایی نسبت به این اعتراضات دعوت می کرد.

**جلیل جلیلی** - تا آنجا که به ناسیونالیستها و در اینجا به ناسیونالیست های ترک برمیگردد آنها طرفدار چنین اعتراضاتی نیستند. آنها طرفدار چنان اعتراضات و نمایشاتی هستند که هدفش نه زیر ضرب گرفتن علل و عوامل اصلی و واقعی نارضایتی مردم از شرایط زندگی شان، بلکه مخدوش کردن و پوشاندن این عوامل باشد. آنها نه جمهوری اسلامی را بلکه مردمی که بزبانهای دیگر تکلم میکنند را دشمن مردم آذربایجان معرفی میکنند. نقش و تلاش ناسیونالیست های ترک در تظاهرات های اخیر و اعتراضات جاری عبارت بود از تشویق مردم برای شرکت نکردن در اعتراضات سراسری، انداختن شعارهای انحرافی به دهان مردم و یا عوض کردن زمان و مکان تظاهرات.

**بابک شفق** - ناسیونالیست های ترک اعتراضات سراسری بایکوت خبری کردند وقتی اعتراض گسترش پیدا کرد مجبور به انعکاس آن بصورت کم رنگ شدند. به نظر من این اعتراضات سیاستهای ناسیونالیستی را به چالش گرفت و نشان داد مردم بدون

## میزگرد نشریه سهند در رابطه با اعتراضات اخیر علیه رژیم

ناسیونالیسم ترک بهترین حربه برای رژیم جمهوری اسلامی است. از نظر رژیم، برای جلوگیری از اتحاد مردم آذربایجان با مردم سایر مناطق ایران، که میتوان چنین تبلیغ کرد که اعتراضاتی که در تهران و اصفهان و شیراز و اهواز و سایر شهرها اتفاق میافتد، به مردم آذربایجان ربطی ندارند. ناسیونالیسم هم دقیقا همین را میگوید. و دقیقا از این رو بود که در مسابقه تیم تراکتورسازی با پرسپولیس در استادیوم آزادی تهران درست در کوران روزهای اعتراضات سراسری مردم، یکی از شناخته شده ترین مزدوران رژیم، یک سرپاسدار کثیف، در قامت لیدر تماشاچی تیم پرسپولیس، در استادیوم آزادی تهران شعارهای تفرقه افکنانه و ضد ترک علیه مردم آذربایجان داد. تلاش وزارت اطلاعات رژیم با این سیاست، دقیقا دامن زدن به تفرقه قومی بوده و با این کار متقابلا به ناسیونالیستها در تبریز راه نشان میداد که شما هم در بازی تیم تراکتور و استقلال بر علیه فارسها شعار دهید. امام جمعه مزدور تبریز نیز در نماز جمعه تبریز، دقیقا با اشاره به این تحرک ناسیونالیستی و با دامن زدن به تفرقه بین ترک و فارس، علیه فارسها گلو پاره کرد که فیلمش در مدیای اجتماعی وسیعا پخش شده است.

**پرستو داوری** - واکنش

منفی علیه اعتراضات مردمی و منفی آن و منفی همبستگی سراسری، بار دیگر و در عمل ثابت کرد که هر جا صدای مردم آگاه بلند است، ناسیونالیسم خواهی خواهی برای حفظ منافع خود به مردم پشت خواهد کرد و دست در دست حاکمیت، مبارزات مردم را تخطئه کرده و به انحراف خواهد کشاند.

اعتراضات اخیر نه تنها شکست بزرگی برای جمهوری اسلامی، بلکه برای همپالگی هایش در حد و اندازه ی ناسیونالیسم ترک نیز بود .

**حلیل جلیلی** - از آنجا که هدف جریان ناسیونالیستی نه از میان برداشتن مشکلات مردم بلکه گرفتن امتیازات بیشتر برای بورژوازی آذربایجان و یا حداکثر، بقدرت رساندن بورژوازی در آذربایجان است، و از آنجا که تظاهرات های اخیر حرکتی علیه نظام و سیستم سرمایه داری هست، طبیعی است که ناسیونالیست ها تلاش کنند که این اعتراضات را، بقول شما کم رنگ جلوه دهند و علیه این اعتراضات دست به تبلیغات منفی بزنند. چرا که اتحاد مردم آذربایجان با مردم جمهوری اسلامی بقدرت انقلاب مردم، مسلما سرمایه داران آذربایجان را در این منطقه حاکم نخواهد کرد بلکه دست آنها را از امکان انباشت سرمایه های نجومی به قیمت محروم نگه داشتن تولید کنندگان ثروت از نعمات اجتماعی اگر بطور کامل هم قطع نکند، مسلما محدود خواهد کرد.

ناسیونالیسم ترک در اعتراضات اخیر چیزی جدا از ماهیت واقعی ناسیونالیسم به طور کلی نیست در آذربایجان ابتدا سعی کردند صورت مساله را پاک کنند. در این راستا در حالی که سایر نقاط در تب و تاب اعتراضات می سوختند، با خوشحالی تبلیغ می کرد که یک کلیپ از اعتراضات آذربایجان وجود ندارد. علیرغم آنکه همان زمان کلیپی از میدان ساعت تبریز نشان از قبضه ی میدان توسط نیروهای سرکوبگر را داشت و با پیشدستی رژیم با نوعی حکومت نظامی، مردم عملا نمی توانستند وارد کارزار شوند. اما طولی نکشید که مردم در شهرهای مختلف آذربایجان در قیام علیه ج.ا به میدان آمدند. دانشجویان دانشگاههای تبریز و هنر به اشکال گوناگون تحصن کردند و به تظاهرات مردم پیوستند .

این بار گزینه ی دیگری پیش ناسیونالیسم ترک قرار گرفت حالا که مردم آمدند، پس منم میام و شعارهای انحرافی خودم را میدم. از هر فرصتی استفاده کرد، از فضای مجازی گرفته تا بازی فوتبال و تظاهرات که با شعارهای قومی و فحاشی علیه فارس، اما تو دهنی محکمی از زحمتکشان و کارگران خورد. این بار نیز ناسیونالیسم ثابت کرد که هیچ وپوچ است و پتانسیلی برای احقاق حقوق مردم ندارد. او تا جایی مبارزه می کند که از قدرت جمهوری اسلامی به نفع خود و طبقه ی بورژوازی با استفاده از شانناژ قومی و ملی سهم خواهی کند. ناسیونالیسم ترک با تبلیغات

## میزگرد نشریه سهند در رابطه با اعتراضات اخیر علیه رژیم

**بابک شفق** - به نظر من واکنش ناسیونالیست ها در کم رنگ کردن اعتراضات در شهر های آذربایجان دو علت عمده داشت علت اول اینکه این اعتراضات سراسری، اتحاد و هم سرنوشتی همه مردم ایران را به نمایش می گذاشت و توهم جدایی خواهی در میان مردم را زیر سوال می برد. علت دوم سیاست نفرت پراکنی های قومی را نقش بر آب می کرد و مطالبات واقعی و اساسی مردم را به میدان می آورد و بی ریشه گی شانتاژهای ناسیونال فاشیستم ترک را بر ملا میکرد.

## 7- به نظر شما خواستهای مردم در شهرهای آذربایجان تا چه حدی با خواستهای ناسیونالیستی مطابقت دارد؟

**فراز آزادی** - مردم آذربایجان مانند همه مردم ایران در جهنمی بنام جمهوری اسلامی زندگی میکنند. آتش این جهنم در همه جای ایران به یک اندازه زندگی میلیونها انسان را سوزانده و نابود میکند. بیکاری، بیحقوقی، تبعیض بین انسانها، از تبعیض جنسی گرفته تا تبعیض عقیدتی، حقوقهای 5 برابر زیر خط فقر و دهها مشکل دیگر، در سرتاسر ایران، درد مشترک همه این 85 میلیون انسان است. اعتراضات اخیر نشان داد که خواستهای

مردم مشترک است. دشمن مشترک همه رژیم جمهوری اسلامی و خواست مشترک همه اول از همه سرنگونی رژیم بدست مردم متحد در سرتاسر ایران است. این راهی است که مردم آذربایجان هم در آن دوش بدوش مردم سایر مناطق قدم نهادند، راه مبارزه متحدانه و شرکت در جنبش سرنگونی مردم علیه جمهوری اسلامی!

**پرستو داوری** - ببینید اگر خواسته های مردم آذربایجان با ناسیونالیسم ترک منطبق بود که اصلا مردم این مناطق با سایر نقاط ایران اعلام همبستگی نمی کردند، تظاهرات شرکت نمی کردند، تراکتور سازی اعتصاب نمی کرد، دانشگاههای تبریز و غیره به مردم نمی پیوستند. مردم ترک زبان در سایر شهرهای دیگر با مردم به میدان نمی آمدند. بنا براین، خواسته های واقعی مردم علیه گرانی، بیکاری، بی حقوقی، استثمار و... نهایتا سرنگونی ج.ا است که با خواست ناسیونالیستها فاصله ی زیادی دارد. اینکه مردم آذربایجان از تبعیض ملی رنج می برند، جای شکی نیست، اما با حل این مسایل، مشکلات طبقاتی برطرف نخواهد شد و ناسیونالیسم می کوشد ریشه دردهای اساسی مردم را با شعارهای پر طمطراق علیه فارس و کرد و غیره لاپوشانی کند و آنها را تخلیه ی روانی بکند و از این رهگذر از مردم نردبانی برای پیشبرد مقاصد خود که همانا سهم خواهی از قدرت است بنماید. اما زحمتکشان

آذربایجانی خواهان حل ریشه ای مشکلات طبقاتی خود هستند تا بتوانند در سایه ی آزادی و برابری، دنیای بهتری برای خود بسازند.

**جلیل جلیلی** - اهداف و خواستهای واقعی مردم در این اعتراضات نه سنخیتی با خواستها و اهداف ناسیونالیستها دارد و نه بر اهداف ناسیونالیستها منطبق است. مردم آذربایجان، همانطور که مردم سایر نقاط ایران، کار می خواهند، درآمد و معیشت مناسب می خواهند، بهداشت مناسب، مسکن مناسب و محیط زیست مناسب می خواهند، احترام و حرمت انسانی می خواهند، خواهان برابری کامل حقوق زنان و مردان در تمام شئون زندگی اجتماعی، خواهان جدایی کامل مذهب از دولت و عدم دخالت مذهب در امورات روزمره زندگی شان هستند، خواهان آموزش و تحصیل مجانی با استانداردهای مناسب برای فرزندان شان هستند و خواهان آزادی عقیده و آزادی بیان هستند. و سراسر ترین و سریعترین راه تحقق این خواستها و اهدافشان را در اتحاد محکم و سراسری با مردم سایر نقاط ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی جستجو میکنند.

**بابک شفق** - خواسته ها و شعار های مردم در اعتراضات اخیر در شهرهای آذربایجان نه تنها هیچ سنخیتی با خواسته های تنگ نظرانه قوم پرستانه ناسیونالیستی نداشت بلکه آنرا به کلی و در ماهیت نفی میکرد و اتحاد سراسری مردم

## میزگرد نشریه سهند در رابطه با اعتراضات اخیر علیه رژیم

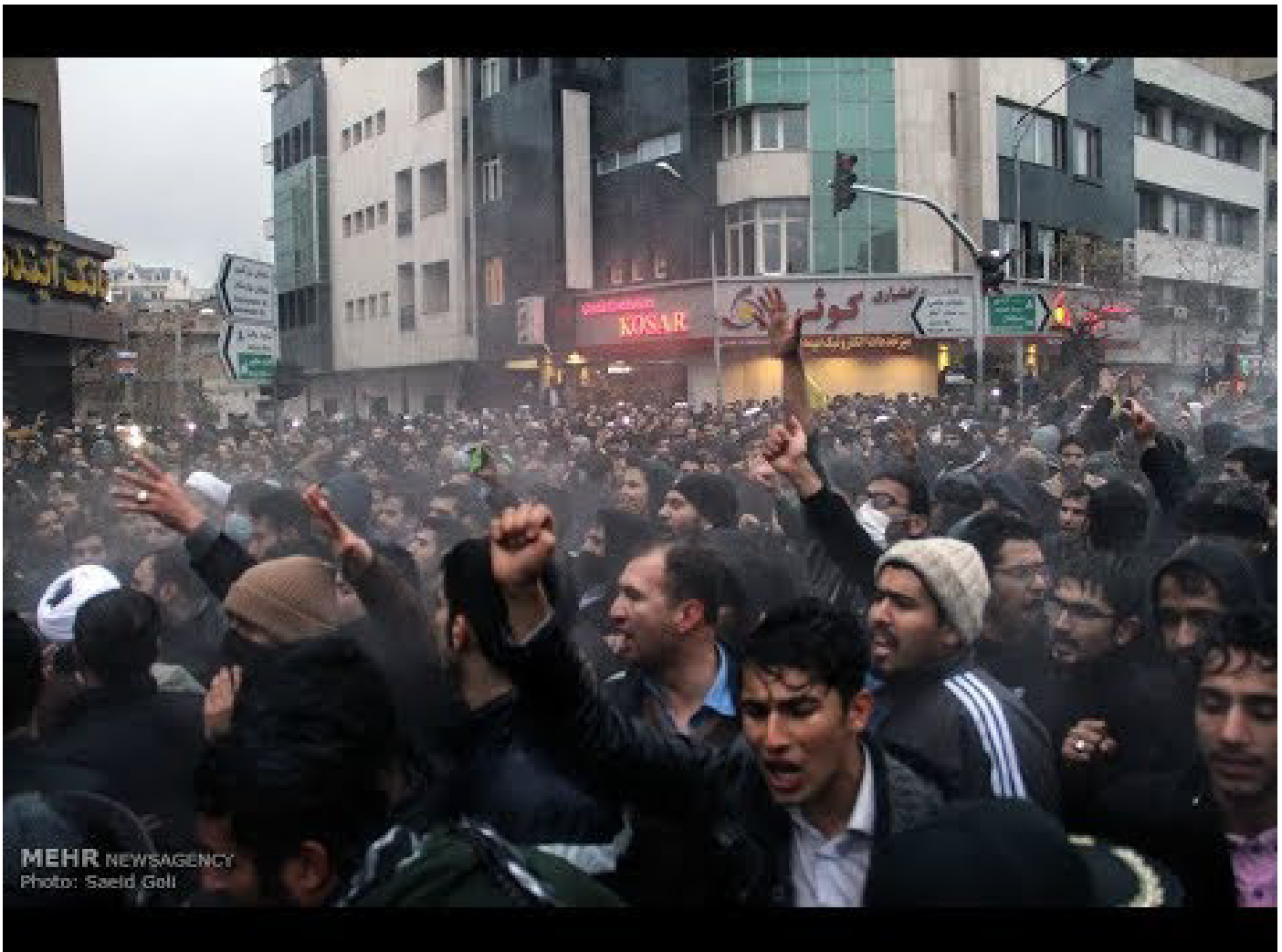
ایران را به نمایش میگذاشت خصوصا شعار مهم " نترسید ، نترسید ما همه باهم هستیم " اتحاد مردم جدا از ملیت، نژاد و جنسیت بود .

**8- برخورد رژیم با اعتراضات مردم، سرکوب در اشکال مختلف، از تیراندازی تا دستگیری و زندانی کردن و شکنجه و کشتن بوده، به نظر شما آیا این سرکوبها تاثیری در روند اعتراضات داشت و آیا این**

## نوع برخوردها خواهد توانست اعتراضات را کلا متوقف کند و آینده این جنبش را چگونه میبینید؟

**فراز آزادی -** به نظر من اعتراضات خیابانی اخیر مردم ایران، فاز اول یک انقلاب بزرگی است که می‌رود رژیم را سرنگون سازد. هنوز در ابتدای راهی سترگ قرار داریم. تا همینجا در فضای سیاسی جامعه ایران تغییر خوبی صورت گرفته است. رژیم، چاره ای جز برخورد سرکوبگرانه نداشت. ولی خیلی دست به عصا راه رفت که وضعیت از دستش خارج نشود که شد. رژیم با تمام تشبثاتش تا به همینجا در برابر این قیام قافیه را باخته

است. دیگر فضای سیاسی جامعه به شرایط قبلی باز نخواهد گشت . اینرا دوست و دشمن هم میدانند. چه در گفتارهای سران رژیم و چه در رسانه ها و مدیای اجتماعی و اعتراضات همین مهم نهفته است. آینده این جنبش دقیقا در تقابل با آینده رژیم رقم خواهد خورد. این انقلاب راهی جز پیشروی در مقابل اش نیست. اینبار مردم تا رسیدن به خواسته‌هایشان از پا نخواهند نشست. اگر بقول حمید تقوایی لیبر حزب ، ضرورت انقلاب از زندگی برمیاید، ( نقل به مضمون )، مردم تا رسیدن به یک زندگی انسانی از پا نخواهند نشست. ممکن است



## میزگرد نشریه سهند در رابطه با اعتراضات اخیر علیه رژیم

انقلاب تا رسیدن به همه اهداف اش راهی پر پیچ و خم را طی کند ولی کارگران ، جوانان و زنان در ایران با وجود چپ قوی مانند حزب کمونیست کارگری با احتمال زیاد خواهند توانست انقلاب پیروزمندی را به سرانجام رسانده و جامعه ای انسانی را بسازد.

**پرستو داوری** - اگر در جامعه ای ما آزادی وجود داشت، اگر مطلقا سرکوبی نبود، این حاکمیت با این درجه از عقب ماندگی و واپس گرایی وضد مردمی بودنش یک روز هم در حکومت باقی نمی ماند و خیلی سریع کله پا می شد. بنابراین بطور کلی سرکوب همیشه در روند اعتراضات و کند سازی ویا توقف جریانات تاثیر دارد. وبه همین دلیل از زمان طبقاتی شدن جوامع انسانی ورفته رفته پیدایش دولت، دولتها سالانه بخش هنگفتی از درآمد ملی خود را صرف تولید و باز تولید نیروهای سرکوبگر می کنند وهزینه های سرسام آوری را متحمل می شوند تا مردم خود را ساکت نگه دارند. از این موضوع که بگذریم مساله ی مهم مقاومت وپایداری مردم مبارز در برابر این سرکوب هاست .خیزش انقلابی مردم ایران در دو هفته ی پیش پایداری جانانه ای از عنصر شهامت ودلیری در برابر سرکوب تمام عیار ج.ا از ریز ودرشت شان را به نمایش گذاشت که در طول تاریخ

عديده ای که رژیم مسبب اصلی شان است، بوجود آمده وچون هنوز این فجایع به قوت خود باقی هستند، پس مبارزات علیه آن هم نمی تواند خاموش شود ودوباره فوران خواهد کرد. با این تفاوت که مردم تجربه ی این دوهفته را دارند وکاملا مسلح به عنصر خودباوری و آگاه به قدرت خویش هستند واز موضع بالائتری برخوردار خواهند کرد وتا احقاق کامل خواسته های خویش پیش خواهند رفت.

**حلیل جلیلی** - اعتراضات و تظاهراتهای گسترده چند هفته گذشته نه صحنه پایانی جنگ مردم ایران علیه جمهوری اسلامی، بلکه فقط صحنه ای از شروع این جنگ بوده است. صحنه شروع جنگ آخر. واضح است که هر جنگی با دوره هایی از حمله و ضد حمله روبرو میشود. طرفین دعوا در هر مرحله از جنگ نیروهای خود را برای حملات بعدی بازسازی و سازماندهی میکنند. واضح است که هدف جمهوری اسلامی از اعمال خشونت علیه مردم معترض به عقب راندن و متوقف کردن انقلابی است که تازه شروع شده است. ولی حتی از بالاترین مقامات رژیم گرفته تا پائین ترین صفوف نیروهای سرکوبگرش میدانند و به اشکال مختلف اذعان میدارند که دیگر دوره آنها به پایان رسیده و رفتنی هستند. آنها با ادامه این خشونتها فقط رفتن خود را به عقب میاندازند و خشم مردم علیه خود را متراکم تر میکنند. مردمی را که منزلت و معیشت را حق مسلم خود میدانند و به امکان

## میزگرد نشریه سهند در رابطه با اعتراضات اخیر علیه رژیم

تحقق آن باور دارند، با هیچ درجه ای از خشونت نمیتوان به عقب نشینی و انکار انسانیتشان واداشت. موج انقلاب این بار سازمان یافته تر و با قوت بیشتری باز خواهد گشت.

**بابک شفق** - مشخصا رژیم جمهوری اسلامی سالها با سرکوب به حیات ننگین خود تداوم بخشیده است. امروز در موقعیتی بسیار ضعیف نسبت به گذشته قرار دارد. بخاطر این، سرکوب های عریان را تشدید کرده است و خصوصا در اعتراضات اخیر با چنین حربه ای کوشش کرد اعتراضات را مهار کند، اما عملا به گسترش اعتراضات انجامید و به شهرهای دیگر سرایت کرد. شاید رژیم بتواند بصورت مقطعی فضا را تحت کنترل خود در آورد، ولی این وضع پایدار نخواهد بود و همان آتش زیر خاکستر بار دیگر شعله ور خواهد شد و کلیت رژیم به چالش خواهد گرفت. این اعتراضات سرنگونی طلبانه، نه تنها تداوم پیدا خواهد کرد بلکه در آینده به کابوس جنایت پیشه گی جمهوری اسلامی پایان خواهد داد.

## 9- نقش زنان در این اعتراضات چگونه بود؟ و به نظر شما دلائل حضور زنان در این اعتراضات چیست؟

**فراز آزادی** - زنان در اعتراضات اخیر نقش بسزائی داشتند.

همه فیلمها و عکسهای منتشر شده در مدیای اجتماعی، حاکی از حضور زنان و دختران در این اعتراضات است. باعتقاد من در هیچ دوره ای از مبارزات اجتماعی ایران، زنان مانند امروز در قامت واقعی خودشان حضور نداشتند. این دوره از تاریخ جامعه ایران نشان میدهد که انقلاب جاری، انقلابی زنانه است. دختری که در کوران مبارزات اعتراضی در خیابان انقلاب حجاب از سر برداشته و بر سر چوبی کرده و اعتراض میکند، بیدلیل به نماد انقلاب تبدیل نگردید. این دختر با این حرکت سمبلیک اش جهانی شد، مبارزات زنان و انقلاب زنانه را نمایندگی کرد. دلیل حضور زنان در این اعتراضات بیحقوقی مفرط زنان در طول حیات این حکومت ضد زن است. کیست که نداند حکومت اسلامی با تکیه بر قرون وسطائی ترین قوانین اسلامی تلاش نمودند زنان را کاملا به بند بکشند، ولی زنان در ایران از همان روزهای اول روی کار آمدن رژیم، یک لحظه از مبارزه دست برنداشتند و میروند که با انقلاب شکوهمندی که در راه است، برای همیشه ریشه تبعیض علیه زنان را از جامعه ایران جارو کنند.

**پرستو داوری** - زنان مثل همیشه در مبارزات اخیر شرکت فعال داشتند. همه جا پر تعداد و پیر انرژی ظاهر شدند و حتی در بعضی از شهرها تعدادشان بیشتر از مردها نیز بوده است، زیرا زنان ذینفع ترین بخش این خیزش ها ی

انقلابی بودند و از طرفی با هویتهای شغلی کارگری، معلمی، پرستاری، دانشجویی و کارمندی مدافع و نماینده ی مشاغل گوناگون خود بودند و خواسته های طبقاتی خود را خواستار شدند و از طرفی به خاطر زن بودن، علیه تبعیض جنسیتی و مناسبات ضد زن دینی و اسلامی، علیه حجاب و... به میدان آمدند. بنابراین از این دو زاویه شعارهای سرنگونی طلبانه در هر دو عرصه به نفع زنان میباشد. شعار "حکومت ضد زن نمی خواهیم نمی خواهیم!" در این خیزش ها، منعکس کننده ی خواست تمامی زنان اعم از شاغل و غیر شاغل، مرفه و فقیر، تحصیل کرده و بیسواد، مجرد و متاهل می باشد که طنین انداز فضای تظاهرات ها بود.

**حلیل جلیلی** - نصف جمعیت ۸۰ میلیونی ایران زنان هستند. زنان در آن جامعه میتوان گفت بیشتر از مردان زیر فشار بوده اند و شاید هم بهمین خاطر نقش زنان و نقش مطالبات آزادیخواهانه و برابری طلبانه زنان، در همه این اعتراضات ها بر جسته بود. اگر جمهوری اسلامی به این افتخار میکرد که توانسته قوانین ۱۴۰۰ سال پیش را بر جامعه ایران تحمیل کند، زنان ایران توانستند این افتخار را بی اعتبار کنند. آنها به برخورداری از حقوق برابر با مردان پای فشردند و مطالبه برابری کامل حقوق اجتماعی با مردان را در تمامی این تظاهراتها طرح کردند. "جمهوری ضد زن نمیخواهیم، نمیخواهیم"، بعنوان یکی از

### میزگرد نشریه سهند در رابطه با اعتراضات اخیر علیه رژیم

شعارهای برجسته تظاهراتهای چند هفته گذشته ثقل و نقش زنان در این اعتراضات را بطور برجسته بنمایش میگذارد.

**بابک شفق** - زنان و دختران جوان در اعتراضات حضور گسترده و پررنگ داشتند. بخاطر این که ستم مضاعفی طی سالها بر آنها اعمال شده است و زنان همیشه در حکومت اسلامی بیشترین مشقتها را تحمل کرده اند. بیشترین تبعیض و نابرابری ها در حق شان روا داشته است، اما اینک با قدرت به خیابان آمدند تا قوانین ضد زن جمهوری اسلامی را با کلیت اش به زیر بکشند.

### 10- نیروهای سیاسی مختلفی برای دخالت در امر رهبری پا به میدان گذاشتند. به نظر شما این نیروها کدام اند و کدامیک از نیروهای سیاسی دخیل میتوانند خواستههای واقعی مردم را نمایندگی کنند؟

**فراز آزادی** - در پروسه تحركات انقلابی و قیامهای توده ای در هر جامعه ای، نیروهای سیاسی مختلفی تلاش میکنند که بدنال اهداف سیاسی و طبقاتی خود وارد میدان عمل مبارزه شوند. جامعه ایران نیز مشخصا از این قانونمندی اجتماعی مستثنی نیست. در اعتراضات اخیر نیز نیروهای سیاسی مختلفی تلاش نمودند که با دخالت

مردم را نمایندگی میکنیم و در این مسیر حرکت میکنیم.

**پرستو داوری** - بحث رهبری بحثی است که کم و بیش همیشه مطرح بوده است. از بعد از انقلاب با توجه به ماهیت ضد انقلابی وضد مردمی رژیم، نیروها و جریانات متعددی در اپوزیسیون قرار گرفتند که عمدتا هیچ پایگاهی در بین مردم ندارند و اکنون سران این جریانات رهبری خود را در بوق و کرنا کرده با زد و بند های سیاسی با امریکا و ارتجاع منطقه، یعنی عربستان و غیره سعی در خاک پاشیدن به چشم توده های زحمتکش را دارند. اما واقعیت این است که مردم ما آگاهتر از همیشه زیر بار تفکرات سیاسی و عملکرد این قبیل جریانات نخواهند رفت. وجود یک نیروی قوی چپ اجتماعی و آگاه ورشد یافته در کوران مبارزه مطالباتی\_طبقاتی در جامعه ی امروز ما و در خیزش کنونی خط بطلانی را بر روی همه ی این جریانات کشیده است. این نیروی واقعا موجود که خصلتا چپ است در فضایی می خواهد نفس بکشد که کلیه ی حقوق انسانی اش محقق شود. بنابراین رهبری نیرویی را می پذیرد که اولاً تا تحقق کامل خواسته هایش یعنی سرنگونی ج.ا و استقرار مناسبات برابری طلبانه و محو استثمار، رفاه عمومی، آزادی های بی قید و شرط، صلح دائمی، برابری زن و مرد، و..... پیش برود، ثانيا در کوران مبارزات خود شاهد مدیریت ورهبری عملی فعالین آن جریان در میان مردم از طریق سازمان دهی ها نیز باشد.

فعالین شان، مهر سیاسی جنبش خودشان را به این اعتراضات بزنند. یکی دو هفته اعتراضات مردم در خیابانهای بیش از صد شهر ایران، دوره کوتاهی بود که بتوان با دقت تشخیص داد که کدام نیروهای سیاسی در این اعتراضات دخیل هستند. ولی آنچه که میتوان با اتکا به واقعتهای سیاسی - اجتماعی ایران و نیز شعارهای داده شده در اعتراضات گفت اینست که با توجه به ترکیب طبقاتی معترضین یعنی اقشار پایین دست جامعه، کارگران و زحمتکشان و جوانان و زنان، این اعتراضات در نوع خود چپ بوده و شعارهای اولیه داده شده، مانند مرگ بر بیکاری، و شعارهای تند سرنگونی طلبانه مانند مرگ بر خامنه ای، خامنه ای حیا کن، حکومت را رها کن، و اصلاح طلب اصولگرا، دیگه تمامه ماجرا نشان از جنس انقلاب در این دوره است. آنچه روشن است، اینست که راست هیچ وقت طرفدار انقلاب نیست، آنها همیشه چشم به تحولات از بالا دارند و اصولا راست دخالت مستقیم توده ها برای انقلاب سرنگونی طلبانه را به نفع خود نمیبیند. به همین دلیل با اعتقاد من نیروهای چپ در این اعتراضات دخالت دارند. آنچه روشن است، اینست که اعتراضات توده ها برای دست زدن به انقلاب یک عمل اجتماعی چپ است و شیب زمین به نفع چپ است و ما کمونیستهای کارگری بیشترین امکان را برای زدن مهر خودمان بر این تحولات داریم. و ما خواستههای واقعی

### میزگرد نشریه سهند در رابطه با اعتراضات اخیر علیه رژیم

آنچه که مسلم است تنها نیرویی که قابلیت و ظرفیت و توان تاریخی تحقق این خواسته ها را به نفع طبقه ی کارگر و سایر زحمتکشان ( که نیروی اصلی چپ اجتماعی است) را دارا می باشد، همانا حزب کمونیستی است که در پیوند کامل با این چپ اجتماعی است. دور نیست زمانی که این هستی اجتماعی با خواستگاه چپ اش نماینده ی واقعی خود در جایگاه رهبری را تمام و کمال بپذیرد و با آن یکی شود.

**حلیل جلیلی** - نیروهای سیاسی دخیل در این اعتراضات را میتوان به اشکال مختلف طبقه بندی کرد. نیروهای برانداز و نیروهای طرفدار رژیم. در کمپ نیروهای طرفدار رژیم میتوان به "اصول گرایان" و "اصلاح طلبان" اشاره کرد. در کمپ نیروهای برانداز میتوان به نیروهای چپ و راست اشاره کرد. در بین نیروهای راست میتوان به راستهای اسلامی و راستهای غیر اسلامی اشاره کرد. و در کمپ نیروهای چپ میتوان به نمایندگان و چهره های علنی جنبش کارگری و سایر جنبشهای مترقی اجتماعی و طیف وسیعی از

مجاهدین را می توان نام برد، که هیچ کدام از اینها مطالبات مردم را نمایندگی نمی کنند.

سلطنت طلب ان که امروز دموکرات شدند، یا در کنار این ها مجاهدین که در روی کار آمدن جمهوری اسلامی سهمی اساسی داشتند و پسر عموهای جمهوری اسلامی بودند و در واقع آخوند های ریش تراشیده کراوات زده هستند، تلاش کردند و خواهند کرد که در هدایت اعتراضات ضد رژیمی مردم نقش ایفا کنند ولی اینها ماهیت اعتراضات را نمایندگی نمیکنند. تنها جریانی که به نظر من مطالبات مردم را نمایندگی میکند، جریان حزب کمونیست کارگری است. حزب کمونیست کاری با برنامه دنیای بهترش، کلیت جامعه و منافع اکثریت مردم را نمایندگی میکند. خواست برابری زن و مردم، لغو اعدام، لغو حجاب اجباری، تعیین حداقل حقوق برای داشتن یک زندگی مدرن و انسانی، جدایی دین از دولت و آموزش پرورش، تحصیل رایگان، بهداشت رایگان، برابری انسانها بدون توجه به ملیت، نژاد و جنسیت را اساس قرار داده و میخواهد متحقق کند و برای رفاه و آزادی برنامه شفاف دارد. ■

2018/1/21 برابر با 1/11/1396

احزاب و سازمانهای سوسیالیست و کمونیست اشاره کرد. آنچه که به حزب ما برمیگردد، میتوانم بگویم که ما خود را بخشی از طبقه کارگر ایران و بخش پیشرو این طبقه میدانیم و آزادی طبقه کارگر را در آزادی کل جامعه و آزادی جامعه را در آزادی طبقه کارگر میدانیم. حزب ما تمام تلاش خود را برای هدایت این اعتراضات و منعکس کردن صدای اعتراض مردم در دنیا و جلب پشتیبانی جهانی از مبارزات مردم ایران بکار برده است. ما با اعلام ۱۰ خواست فوری انقلاب تلاش کردیم خواستهای مردم معترض را بطور روشن فرموله بکنیم. با پخش دقیقه به دقیقه اخبار مبارزات و اعتراضات مردم و با پخش برنامه های تلویزیونی و ترتیب مصاحبه با رهبران شناخته شده جنبش کارگری و سایر جنبشهای مترقی تلاش کردیم که انقلابی که شروع شده، با کمترین تلفات، راه خود را بطرف پیروزی انکشاف دهد. طبعاً این انقلاب رهبری خود را در ادامه و در انکشاف خود انتخاب خواهد کرد. به امید پیروزی

**بابک شفق** - در این اعتراضات اخیر جریان های مختلفی سعی کردند این حرکت ها را به خود اختصاص دهند و رهبری آنها بدست گیرند، از جمله سلطنت طلبان و

## زنده باد انقلاب انسانی برای جامعه انسانی

### اساس سوسیالیسم انسان است



**حزب کمونیست کارگری ایران**

**Worker-Communist Party Of Iran**

## زنده باد اعتراضات سرتاسری مردم ایران علیه حکومت اسلامی!

از روز پنجشنبه 7 دیماه اعتراضات توده ای علیه حکومت اسلامی دور جدیدی را شروع کرده است. مردم دیگر تاب تحمل گرانی، فقر، بیکاری و بیحقوقی و اختلاس و دزدیها را ندارند!

مردم، کارگران، معلمین، بازنشستگان، جوانان و زنان، همه و همه دیگر تاب تحمل شان بسر رسیده و به اشکال مختلف اعتراض میکنند. مردم بلند شده اند و با صدای بلند فریاد میزنند: مرگ بر روحانی، مرگ بر جمهوری اسلامی، مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر خامنه ای و دهها شعار سرنگونی طلبانه دیگر!

مردم تحت ستم تبریز و ارومیه امروز 8 دیماه اعلام کردند به خیابان خواهند آمد و در جنبش اعتراضی سراسری نقش خواهند داشت. اما نیروهای سرکوبگر انتظامی و امنیتی در تبریز، میدان ساعت و سایر میادین اصلی را قرق کرده و تلاش کردند مانع عملی شدن و گسترش این اعتراضات سراسری در تبریز شوند.

### مردم تبریز، ارومیه و همه شهرهای آذربایجان!

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران، ضمن حمایت از اعتراضات مردم در سراسر ایران، از همه مردم آذربایجان میخواهد که به این اعتراضات سراسری طبقات زحمتکش و میلیونها مردم تحت ستم بپیوندند.

امروز لازم است که همه در این اعتراضات شرکت کنند و هر چه بیشتر رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی را در حلقه محاصره اعتراض و مبارزه خود قرار دهند. مردم آذربایجان، همان مشکلاتی را دارند که مردم در سرتاسر ایران، گرانی، بیکاری و فقر و محرومیت و تبعیض، همه معضلاتی سرتاسری هستند و فقط با اتحاد و یکپارچگی و اعتراضات همگانی کارگران و توده های محروم و تحت ستم میتوان این رژیم را بزانو درآورد.

ما کارگران، ما زنان و جوانان و میلیونها مردم تحت ستم میتوانیم با اتحادمان رژیم اسلامی را سرنگون کرده و بر ویرانه هایش جامعه ای آزاد و برابر بسازیم. جامعه ای که در آن از تبعیض و نابرابری و فقر و استثمار اثری نباشد. جامعه ای که در آن سرنوشتمان را خود بدست بگیریم و یک زندگی شایسته انسان را مستقر کنیم.

اعتراضات خیابانی که از استان خراسان شروع شده است میتواند آغازی بر پایان حیات نکبت بار حکومت اسلامی باشد. باید به این اعتراضات بپیوندیم، باید با پیوستن به این اعتراضات در سراسر ایران از جمله در آذربایجان متحدانه حکومت اسلامی را به زیر بکشیم و زندگی انسانی را برای همه شهروندان در ایران مستقر کنیم.

**زنده باد اعتراضات کارگران، جوانان و زنان و میلیونها مردم تحت ستم ایران**

**کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران**

**8 دیماه 96 برابر با 29 دسامبر 2017**

## 21 آذر، فرقه دمکرات و پیشه وری جدال ناسیونالیسم ایرانی و ترک و روایت ما!

در خدمت منافع امروزشان چیزی دست و پا کنند. حتی اگر یک واقعه تاریخی ماتریالی برای حقانیتشان نداشته باشد، آنرا تحریف میکنند، روایت وارونه از آن اتفاق تاریخی میدهند تا تصویر و تعبیر خود ساخته امروزشان را به جای واقعیات تاریخی جا بزنند.

در مورد واقع 21 آذر هم همین صادق است. 21 آذر یکی از اتفاقات مهمی است که در هر سالگردش جنبشهای سیاسی سراغش میروند تا برای مقاصد امروزشان مورد استفاده قرار دهند.

**فراز آزادی: این تبیین شما در باره استفاده سیاسی از تاریخ در رابطه با موضوع فرقه دمکرات و "حکومت ملی آذربایجان" چگونه صدق میکند؟**

**محسن ابراهیمی:** در باره پیشه وری، فرقه دمکرات و "حکومت ملی آذربایجان" روایتهای متنوع و مختلف و در اغلب موارد متضاد و مخالف وجود دارند. این البته بسیار طبیعی است. پیشه وری و "حکومت ملی آذربایجان" در مقطع حساسی از تاریخ ایران نقش حساسی ایفا کردند و قابل درک است که حساسیت جریانات سیاسی مختلف و

ایفا میکنند و تا زمانیکه جامعه طبقاتی است در بر همین پاشنه خواهد چرخید.

یک خط قرمز اتفاقات قرنهای پیش را با اتفاقات قرن بیست و یک به هم ربط میدهند. بخش اعظم گذشته انسان تاریخ تلاش بشر، تلاش طبقات و توده های تحت ستم برای عدالت، برای آزادی، برای رهایی از تنگدستی و فقر و محرومیت بوده است. طبقات حاکم و محکوم 700 سال پیش البته با طبقات حاکم و محکوم امروز فرق میکنند اما این تفاوت نافی این حقیقت نیست که علیرغم این تمایزات مساله همیشه بر سر مبارزه توده های تحت ستم علیه ستمگران حاکم و برای عدالت اقتصادی و اجتماعی بوده است.

تاریخ مبارزه سیاسی و کشمکش طبقات سرشار از تجربیات ارزنده هم برای طبقات حاکم و جنبشها و احزابشان و هم برای طبقات محروم و ستمدیده مثل کارگران و سایر اقشار تهیدست مردم است. بی دلیل نیست که همه جنبشهای سیاسی امروز - علیرغم ادعای ریاکارانه بیطرفی - وقتی دست به انبان تاریخ میبرند، معمولا میخواهند

گفتگوی فرار آزادی، سردبیر نشریه "سهند" با محسن ابراهیمی دبیر کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران

**فراز آزادی: 21 آذر سالگرد دو اتفاق است. هم تاسیس "حکومت ملی آذربایجان" و هم پایان یافتن حیات سیاسی این حکومت. در 21 آذر 1324 حکومت ملی آذربایجان به رهبری پیشه وری اعلام شد. یکسال بعد در 21 آذر 1325 ارتش شاهنشاهی به آذربایجان یورش برد و حکومت مرکزی اوضاع را بدست گرفت. 72 سال از این اتفاق گذشته است. ضرورت پرداختن به این موضوع بعد از بیش از 70 سال از طرف کمیته آذربایجان حزب چیست؟**

**محسن ابراهیمی:** 70 سال سهل است، حتی اتفاقات 700 سال پیش هم به امروز و جنبشهای امروز مربوط است. تاریخ محل دائمی کشمکش میان جنبشهای سیاسی است که هر کدام منافع اقتصادی و سیاسی طبقات معینی را پیش برده اند. جنبشهای سیاسی همین امروز هم دقیقا همین نقش را

## گفتگوی فراز آزادی با محسن ابراهیمی

تحلیل نکنند، رهایی جامعه را در زیر و رو کردن بنیانهای طبقاتی جامعه نبینند، نمیتواند خود را از ایدئولوژی ناسیونالیستی رها کند. به این معنا قطعا ته تفکر سیاسی پیشه وری هم بسته به شرایط میتوان درجاتی از تقدس تمامیت ارضی یا تقدس استقلال را یافت.

با این توضیح پایه ای، به نظر من پیشه وری 1324 در کاتگوری ناسیونالیسم عظمت طلب و تقدس تمامیت ارضی و یا ناسیونالیسم استقلال طلب و تقدس استقلال جای نمی گیرد. در این مقطع او نه ناسیونالیست عظمت طلب آریایی است که برایش تمامیت ارضی کل ایران مقدس باشد و نه استقلال طلب قوم پرست آنچنانکه ناسیونالیستهای پان ترکیست مطرح میکنند. (همینجا در پراتز بگویم که محمد امین رسولزاده رهبر حزب مساوات و رئیس "دولت مساواتها" در سال 1918 به اهداف و آرمانهای ناسیونالیسم پان ترکیست نزدیک است که میتوان در فرصت دیگر این موضوع را بازکرد).

برعکس، پیشه وری یک اصلاح طلب سیاسی است که خواهان اصلاحات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به نفع توده های وسیع مردم (دهقانان، زارعین و کارگران و

سیاسی ناسیونالیست قوم پرست ترسیم کند که گویا تمام هدفش جدا کردن "قوم ترک" و آذربایجان و احتمالا یکپارچه کردنش با آذربایجان شمالی و تشکیل یک آذربایجان بزرگ بود. و هدف هر دو برای توجیه تاریخی تراشیدن برای ایدئولوژیهای ارتجاعی امروزشان است.

میخواهم بگویم که جدا از محتوای طبقاتی و سیاسی این اتفاق، جنبشهای سیاسی از عینک خودشان این واقعه را تحلیل میکنند و خود واقعیات را هم دقیقا بر اساس نیاز امروزشان رنگ آمیزی میکنند.

از نظر من هر دو روایت به یک اندازه از حقیقت دور هستند. هر دو در باره مضمون تاریخی و سیاسی این اتفاق و نقش و آرمان سیاسی پیشه وری حقایق را وارونه میکنند.

**فراز آزادی: اگر این روایتها حقایق را وارونه کرده اند، پس روایت حقیقی چیست؟ آیا پیشه وری یک میهن پرست تمامیت ارضی چی بود یا یک استقلال طلب که رهایی مردم را در استقلال جستجو میکرد؟ یا هیچکدام؟ تبیین شما از شخصیت سیاسی پیشه وری چیست؟**

**محسن ابراهیمی:** به نظر من هر شخصیت سیاسی که جامعه را از نگاه نقد مارکس

متضاد را برانگیخته است. اما یک چیز روشن است. تاریخ "فراز و فرود" فرقه دمکرات آذربایجان را معمولا کسانی نوشته اند که به نحوی در صف فاتحین جنگ علیه فرقه دمکرات و توده های تحت ستم قرار داشته اند. منظوم اساسا مورخینی هستند که در خدمت ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی سخن میگویند و هنوز هم ادامه میدهند.

کافیست مثلا سری به بی بی سی و رادیو فردا و رسانه های مشابه بزنید و خواهید دید که چگونه پرفسورها و پژوهشگران مورد علاقه این رسانه ها حقایق تاریخی را وارونه میکنند تا سرکوب خونین حق طلبی طبقات محروم جامعه توسط نظام سلطنتی را توجیه کنند و برای ایدئولوژی ارتجاعی ناسیونالیسم ایرانی اعتبار تاریخی کسب کنند.

از نظر ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی، 21 آذر 1324 یک غائله بود که توسط وابستگان به شوروی اجرا شد و باید سرکوب میشد. به این اعتبار، 21 آذر 1325 هم روز "نجات آذربایجان" محسوب میشود. در نقطه مقابل، روایت ناسیونالیسم قوم پرست ترک را داریم که تلاشش این است از پیشه وری یک شخصیت

## گفتگوی فراز آزادی با محسن ابراهیمی

مردم محروم شهر و روستا) در چهارچوب قانون اساسی و در کل ایران است.

وقتی او از تبریز به عنوان نماینده اول برای مجلس 14 انتخاب شد و اعتبار نامه اش توسط مرتجعین مجلس با 50 رای در مقابل 47 رای رد میشود، خشمگین از این اتفاق تهدید میکند که پاسخ مردم در این مورد "مرگبار" خواهد بود و به آذربایجان برمیگردد و با تاسیس فرقه دمکرات و اعلام "حکومت ملی آذربایجان" هدف اصلاحات را این بار در جغرافیای آذربایجان دنبال میکند.

**فراز آزادی: در مورد موضع پیشه وری در قبال ناسیونالیسم یا حضور رگه های ناسیونالیستی در دیدگاه و گرایش پیشه وری بیشتر توضیح دهید:**

محسن ابراهیمی: اجازه بدهید این موضوع را با دو مثال بیشتر روشن کنیم.

همچنانکه گفتم پیشه وری بعد از رد اعتبارنامه اش در مجلس چهاردهم، همان موقع در مقابل اتحاد ارتجاعی دار و دسته سید ضیاء طرفدار انگلیس و احمد قوام طرفدار آمریکا با خشم اعلام میکند که:

"آذربایجان ترجیح می‌دهد به جای اینکه با بقیه ایران به شکل هندوستان اسیر درآید، برای خود ایرلندی آزاد باشد".

همچنین اعلام میکند: "چنانچه تهران راه ارتجاع را انتخاب کند، خداحافظ. راه در پیش. بدون آذربایجان به راه خود ادامه دهد. اینست آخرین حرف ما".

می بینیم که که همان پیشه وری که در تمام مقالاتش از اصلاحات در چهارچوب تمامیت

ارضی ایران صحبت کرده است به طور ضمنی تهدید به جدایی میکند. اما در همین تهدید هم از صرف جدایی و استقلال تئوری رهایی درست نمیکند بلکه به نحوی اعلام میکند که این جدایی را ارتجاع حاکم در ایران ممکن است تحمیل کند و این جدایی احتمالی برای رها شدن از ارتجاع سیاسی است. یا میتوان به مقاله ای اشاره کرد تحت عنوان "آری ما پاتریوت هستیم" که تقریباً دو سال پیش از بیانیه مشهور 12 شهریور 1324 در آژیر شماره 39 منتشر شده است.

وقتی در این مقاله دقت میکنیم می بینیم که حتی وقتی خودش را میهن پرست مینامد تلاش سیاسی برای عدالت و آزادی در چهارچوب نظم موجود را برجسته میکند و دغدغه اش اساس حقوق مردم تهدیدست در مقابل حکومت و طبقات مورد حمایت

**در بیانیه ۱۲ شهریور که در واقع مرامنامه و پلتفرم فرقه دمکرات است تصریح شده است که:**

"ضمن حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران، باید به موازات آن برای خلق آذربایجان آزادی داخلی و خودمختاری مدنی داده شود که بتواند در راه احیای فرهنگ خود و آبادانی آذربایجان و هم سو با حفظ قوانین عادلانه برای کل مملکت، سرنوشت خود را تعیین کند."

همچنین میتوان به قطعنامه کنفرانس ۲۹ شهریور ۱۳۲۴ فرقه دموکرات اشاره کرد که سند معتبر دیگری است که تصویر روشنی از اهداف سیاسی فرقه دمکرات بدست میدهد:

"می‌خواهیم که ضمن برقراری اصول دموکراسی در سراسر ایران به مردم آذربایجان آزادی داخلی و خودمختاری ملی داده شود تا بتواند سرنوشت خود را به دست خود تعیین نمایند."

این حکومت است.

در این مقاله میگوید:

"یک نفر پاتریوت، یک نفر میهن پرست حقیقی ناچار است سوسیالیست باشد. طرف اکثریت ملت را - که توده دهقان و زارع و روشنفکر و پیشه ور و سایر عناصر زحمتکش است - نگهدارد".

جالب است که در همین مقاله او لنین را "بزرگترین پاتریوتیستها و روشنفکرترین میهن پرستان روسیه" قلمداد میکند. چرا لنین؟ "زیرا از روی پرنسیپهای بزرگ او بود که بالاخره ملل شوروی پارازیتها و انگلهای اجتماعی را از بین برده یک دولت نیرومند و یک ملت جدید و یک رژیم سالم و یک مرکز بسیار متشکل بوجود آوردند."

جالب است که تفاوت لنین با میهن پرستان بورژوا را مورد تاکید قرار میدهد و میگوید: "فرقی که لنین و سایر رهبران انقلاب اکتبر، با پاتریوتهای دروغی داشتند این بود که آنها با دوست داشتن ملت و میهن خود به ملل و کشورهای دیگر دشمنی نورزیدند و می خواستند ملل دیگر را هم در مبارزه با انگلهای و پارازیتهای اجتماعی خود یاری و مساعدت کرده باشند."

ایدئولوژیک جدانشدنی همه نظامهایی است که بنیادشان استثمار طبقاتی در چهارچوب یک کشور است. در مقطع مورد بحث ما پیشه وری طرفدار خلق و از طبقات حاکم - فئودالها و زمینداران و اربابان صنایع و سرمایه - نیست. خواهان محدود کردن قدرت این طبقات، خواهان "توزیع عادلانه ثروت" به نفع طبقات و اقشار محروم و محکوم جامعه است.

اجازه بدهید اینجا به دو مثال دیگر هم اشاره کنم.

در بیانیه ۱۲ شهریور که در واقع مرامنامه و پلاتفرم فرقه دمکرات است تصریح شده است که:

"ضمن حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران، باید به موازات آن برای خلق آذربایجان آزادی داخلی و خودمختاری مدنی داده شود که بتواند در راه احیای فرهنگ خود و آبادانی آذربایجان و هم سو با حفظ قوانین عادلانه برای کل مملکت، سرنوشت خود را تعیین کند."

همچنین میتوان به قطعنامه کنفرانس ۲۹ شهریور ۱۳۲۴ فرقه دموکرات اشاره کرد که سند معتبر دیگری است که تصویر روشنی از اهداف سیاسی فرقه دمکرات بدست میدهد:

"میخواهیم که ضمن برقراری

و بالاخره از این نوع تبیین از میهن پرستی خودش این استنتاج سیاسی را میکند که "وظیفه ماست که با این پاتریوتهای دروغی و ملاکین و متنفذین و پارازیتها جدا مبارزه نموده نگذاریم بنام میهن و ملت، آقایی و غارتگری خود را که خود یکنوع میهن فروشی و ضد میهن پرستی است، ادامه بدهند."

خوب وقتی آرزوی ایرلند آزاد شدن در مقابل هندوستان اسیر را در متن این تبیین از میهن پرستی قرار میدهید به چه نتیجه ای میرسید؟ من به این نتیجه میرسم که پیشه وری یک اصلاح طلب است که میخواهد در چهارچوب نظم طبقاتی موجود اصلاحاتی به نفع طبقات محروم جامعه انجام دهد.

پیشه وری 1324 بر خلاف پیشه وری دو دهه قبلتر که در حزب کمونیست ایران فعالیت میکرد، آرمانهای سیاسی اش را در چهارچوب نظم موجود تعریف میکند و به این اعتبار نمیتواند منتقد جدی ناسیونالیسم در هر شکل آن باشد. رادیکالترین اصلاحات در چهارچوب نظم موجود هم مستلزم نقد طبقاتی از ناسیونالیسم نیست. ناسیونالیسم البته نه در شکل صلب و منجمد بلکه در اشکال مختلف و متغیر یک وجه

## گفتگوی فراز آزادی با محسن ابراهیمی

اصول دموکراسی در سراسر ایران به مردم آذربایجان آزادی داخلی و خودمختاری ملی داده شود تا بتواند سرنوشت خود را به دست خود تعیین نمایند."

به اینها باید مقالات و سخنرانیهای متعدد پیشه‌وری را اضافه کرد که در تمام آنها با صراحت تمام همین خط را دنبال میکند. و مهمتر از اینها اصلاحات و اقداماتی را باید در نظر گرفت که در یکسال حاکمیت فرقه دمکرات در دستور گذاشتند و اجرایش کردند.

## فراز آزادی: منظورتان مشخصاً کدام اقدامات هستند؟

**محسن ابراهیمی:** اصلاحات فرقه دمکرات ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی وسیعی را در بر میگرفت. به طور خلاصه به این موارد میتوان اشاره کرد:

**در زمینه اقتصادی:** تقسیم املاک خالصه دولتی میان دهقانان (برای مثال در حدود ۸۱۰ روستا قریب ۳۸۰ هزار هکتار زمین بین کشاورزان تقسیم شد)؛ مصادره املاک اربابان فراری؛ ملی کردن بانکها و کاهش بهره بانکی؛ افزایش سهم مردم در آذربایجان از مالیاتها؛ کنترل و کاهش ۴۰

در مینه مسایل اجتماعی و عرصه قانونی: حق رای برای زنان؛ برابری زن و مرد در تمام قوانین؛ ممنوعیت تنبه بدنی در مدارس و منازل؛ جلوگیری از رشوه خواری و اعلام آن به مثابه یک جرم جنایی.

**و سایر اصلاحات** از قبیل تاسیس بیمارستانها و کلینیکهای پزشکی مجانی برای روستاییان و مردم فقیر؛ حفر چاههای عمیق و اسفالت جاده‌ها و غیره.

**فراز آزادی: ناسیونالیسم ایرانی بسیار روی این تاکید میکند که همه اتفاقات آذربایجان در این مقطع در مسکو برنامه ریزی شده بود و پیشه‌وری هم تماماً وابسته به شوروی بود. این تاکیدات چه هدفی را دنبال میکند؟**

محسن ابراهیمی: از جانب ناسیونالیسم ایرانی این تاکید یک جانبه و قلم گرفتن زمینه‌های اجتماعی و سیاسی داخلی در شکل گرفتن فرقه

درصدی قیمتها؛ تاسیس خواروبار فروشی دولتی به نفع مردم فقیر؛ حذف مالیات از مواد غذایی و اقلام ضروری زندگی؛ اختصاص مالیات به سودهای تجاری، ثروتهای مستغلاتی و درآمدهای حرفه‌ای.

**در زمینه خواسته‌های کارگری:** تعیین حد اقل دستمزد و حداکثر ساعات کار؛ حق مذاکره دسته جمعی؛ رفع بیکاری؛ حق بیمه برای اولین بار.

**در زمینه مسائل فرهنگی:** اعلام زبان ترکی به عنوان زبان آموزشی و اداری. اجباری بودن زبان ترکی تا سوم ابتدایی و ترکی و فارسی بعد از سوم ابتدایی؛ تاسیس دانشگاه تبریز و طرح ریزی تاسیس مدارس برای تمام روستاها (۲۰۰۰ مدرسه). انتشار روزنامه‌های مختلف؛ تاسیس تئاترها و ...

**در زمینه سیاسی:** نظارت شوراهای محلی بر کار حکام نواحی و شهرداران و ادارات.



## گفتگوی فراز آزادی با محسن ابراهیمی

دمکرات و اعلام "حکومت ملی آذربایجان" یک تصمیم سیاسی آگاهانه برای توسل به "جرم" تجزیه طلبی برای تخطئه تلاش فرقه دمکرات است.

به این برمیگردیم که فاکتور شوروی در کل این ماجرا چه جایگاهی دارد. اما همینجا لازم است بگویم که کسی باید در مقابل ناسیونالیسم ایرانی "وطن پرست" و پروفیسورهای "وطن پرست" نان به نرخ روزش در دانشگاههای جهان بگوید که شما که شب و روز در باب وابستگی پیشه وری به مسکو صفحه سیاه میکنید و در بی بی سی و رادیو فردا دروغ به هم می بافید، معلوم نیست چرا در باره "وطن فروشی" رضا خان و سید ضیاء دست نشانده انگلیس و قوام السطنه پرو آمریکا سکوت میکنید؟

آیا روشن نیست که این وطن وطن کردن اینها یک پروپاگاندا سیاسی است که برای توجیه نظام سرکوبگر سلطنتی و "نمایندگان" مجلسش که اساسا شامل ملاک و صاحبان صنایع مفتخور بودند هست؟ آیا روشن نیست که این وارونه سازیهای تاریخی اساسا برای توجیه سرکوب خونین نظام سلطنتی در آن مقطع و آبرو خری برای نظام حاکم در

این مقطع است؟ آیا روشن نیست که اینها به عنوان مورخین و ژورنالیستهای دست به سینه نوکر صفت طبقات حاکم و ناسیونالیسم ایرانی دارند تاریخ دیروز را در خدمت منافع امروز به خدمت میگیرند؟ وقتی اینها را در نظر داشته باشید آنگاه میتوان به جایگاه واقعی نقش شوروی در کل ماجرای 21 اذر و فرقه دمکرات پرداخت.

در ضمن اینجا باید به یک نکته مهم دیگر هم اشاره کرد:

در مقطع مورد بحث ما، شوروی یک قطب سیاسی قابل اتکاء برای مردم تحت ستم در آفریقا و آسیا و اقصی نقاط دنیا در مقابل امپریالیسم و استعمار جهانی است که سالهاست به کمک این مردم تحت ستم آمده است و پشتوانه مهمی برای رهایی این مردم از استعمار و امپریالیسم است. انقلاب اکتبر و حکومت ناشی از آن در میان مردم تحت ستم جهان معتبر و محبوب است که در مقابل سرمایه داری جهانی مخصوصا در مقطع انقلاب 1917 نشان داده است که علیه اسارت "ملل" تحت ستم است.

در این مقطع هیچ جنبشی را نمیتوان پیدا کرد که میخواهد از ستم امپریالیستی و استعماری رها شود و به نحوی روی پشتگر می معنوی،

سیاسی، مالی و لجستیگی شوروی به مثابه یک حکومت ناشی از یک انقلاب بزرگ تاریخی حساب نکند. در این مقطع هنوز تصویر روشنی از این حقیقت وجود ندارد که بعد از مرگ لنین حکومت شوروی به دست ناسیونالیسم عظمت طلب روسی به رهبری استالین افتاده است. هنوز کسی از تصفیه های خونین سرمایه داری دولتی به رهبری استالین خبر ندارد. پیشه وری هم مثل همه شخصیتهای سیاسی آن مقطع که به هر معنایی منتقد نظم حاکم و خواهان اصلاحات به نفع توده های تحت ستم است طبعاً روی اتحاد جماهیر شوروی حساب میکند. همچنانکه در نقطه مقابل، تمام مرتجعین خواهان حفظ موجود روی امپریالیسم انگلیس و امپریالیسم تازه پای آمریکا حساب میکنند.

### فراز آزادی: با توجه به همه اینها نقش شوروی در کلا این ماجرا را چگونه توضیح میدهید؟

**محسن ابراهیمی:** مساله این است که در مقطع تشکیل "حکومت ملی آذربایجان"، کل ایران هنوز در اشغال ارتشهای شوروی در شمال و انگلستان و آمریکا در جنوب بود. دول پیروز در جنگ جهانی دوم داشتند جغرافیای سیاسی

## گفتگوی فراز آزادی با محسن ابراهیمی

جهان را ترسیم میکردند و به معنایی غنایم جنگی را بین خود تقسیم میکردند.

شوروی که یک فاکتور بسیار مهم و حیاتی در شکست فاشیسم هیتلری بود همانقدر دنبال غنایم جهانی بود که انگلستان و آمریکا. بی تردید شوروی که شمال ایران در اشغالش بود میخواست از این موقعیت بیشترین استفاده سیاسی را ببرد. به این معنا در حالیکه دولت مرکزی و مجلسش محل جولانگاه سیاستمداران طرفدار انگلیس یا آمریکا بود، شوروی هم سیاستمداران نزدیک به خود و حضور سیاسی و نظامی اش در شمال ایران و مشخصا در آذربایجان را امکانی برای خود در کشمکش و معاملات سیاسی پسا جنگ جهانی تلقی میکرد.

از این نقطه نظر وجود یک دولت طرفدار شوروی در آذربایجان یک امکان سیاسی بسیار مهمی تلقی میشد. یک کارت سیاسی برای امتیازگیری از رقبا بود.

حتی اگر آرشیوهای محرمانه بعد از فروپاشی شوروی هم در دسترس نبود، تحلیلا میتوان گفت که شوروی در این مقطع در سطح جهانی دنبال

بیشترین امتیازگیری از رقبای جهانی (آمریکا و انگلیس) در جهان بود و روشن است حضور شوروی در شمال ایران برای رسیدن به این هدف برای شوروی جایگاه حیاتی داشت همچنانکه برای انگلیس و آمریکا هم حضور در جنوب ایران همین نقش را ایفا میکرد.

کنفرانس مشهور یالتا که چند ماه پیش از پایان جنگ جهانی دوم در شبه جزیره کریمه با حضور استالین، چرچیل و روزولت برگزار شد اساسا برای ترسیم نقشه جهان بعد از پایان جنگ، روشن کردن قلمرو نفوذ اقتصادی و سیاسی قدرتهای پیروز و تقسیم غنایم جنگی بود. اساسا ایجاد بلوک شرق و غرب در این کنفرانس رسمیت دیپلماتیک و سیاسی پیدا کرد.

فرمان 13 ماده ای استالین مورد تایید دولت وقت شوروی برای کمک به جنبشی در آذربایجان و تشکیل حکومت خودمختار توسط فرقه دمکرات و بعدا عقب نشینی کامل از این تصمیم را باید در متن این تحولات جهانی مورد تحلیل قرار داد. منظورم ماجرای مذاکره و معامله قوام و با دولت شوروی و قول امتیاز نفت شمال به شوروی توسط قوام و قول خروج نیروهای شوروی از شمال ایران است که اسنادش برای همه قابل دسترس است

و لازم نیست اینجا مفصل به آن بپردازیم.

همینجا کوتاه بگویم که به نظر من تلاش شوروی برای گرفتن امتیاز نفت شمال اگر چه به خودی خود مهم بود اما در مقایسه با معاملات جهانی میان شوروی از یکطرف و انگلیس و آمریکا از طرف دیگر برای تقسیم قلمرو نفوذ در جهان فرعی بود.

برای شوروی حتی موضوع امتیاز نفت شمال - همچنانکه موضوع یک حکومت خودمختار طرفدار شوروی در آذربایجان - اساسا کارت سیاسی برای معاملات و امتیازگیریهای بزرگتر و جهانی تر بود.

برای شوروی تحت حاکمیت استالین این مهم بود که در متن پیروزی متفقین بر نیروهای محور، قلمرو نفوذش در جهان مشخصا در اروپای شرقی تضمین شود و بعد از تضمین این قلمرو دیگر نفت شمال و آذربایجان ادا مهم نبود.

بی دلیل نیست که همان حکومتی که قاطعانه پشت حکومت خودمختار آذربایجان بود یکدفعه بعد از معامله با قوام نخست وزیر وقت و قول قلابی امتیاز نفت شمال، این خط را دنبال میکند که در ایران شرایط انقلابی وجود ندارد و به قول استالین هر انقلابی فراز و نشیب دارد و الان در ایران شرایط نشیب است و باید

## گفتگوی فراز آزادی با محسن ابراهیمی



جنگ جهانی دوم و در شرایطی که هنوز ایران تحت اشغالشان بود از هر فرجه و امکانی استفاده میکردند تا قلمرو نفوذ سیاسیشان در جهان و از جمله ایران را بسط بدهند، نیروهای چپ علی العموم هم از این فرصت برای شکل دادن به خودشان و حضور سیاسیشان استفاده میکردند. تشکلهای کارگری شکل گرفته بودند و رشد میکردند. حزب توده شکل گرفته بود و داشت جا باز میکرد. فرقه دمکرات هم در این شرایط شکل گرفت. پیشه‌وری همراهانش اختلافات میان شوروی و انگلیس و آمریکا را مورد استفاده قرار دادند تا در مقابل دولت مرکزی امتیازاتی را برای اهدافشان بگیرند. همانطور که شوروی تلاش میکرد از امکان تشکیل یک دولت طرفدار شوروی بیشترین استفاده سیاسی را بکند، پیشه‌وری هم از موقعیت و امکانات و قدرت جهانی شوروی برای پیش بردن اهدافش که ظاهر شدن به مثابه یک قدرت

بر طبق اسناد تاریخی فقط یک قسمت از چهار قسمت محصول رنج و زحمت کشاورزان به خودشان برمیگشت و بقیه به اربابان زمین تعلق داشت که نمایندگانشان در مجلس و دولت قوانین مملکت را به نفع چپاول بیشتر توده‌های محروم تصویب میکردند و اجرا میکردند.

وثانیا یک طبقه کارگر در حال رشد در بیحقوقی کامل مشغول تولید ثروت اجتماعی بودند اما از ابتدایی‌ترین حقوق اقتصادی و سیاسی محروم بودند.

بعد از شهریور 1320 که ایران توسط ارتش متفقین اشغال شد و رضاشاه تبعید شد و وارثش محمد رضا شاه را بر تخت سلطنت گماردند، دیگر از اختناق دوران رضاشاهی خبری نبود و فضا برای اعتراض و فعالیت سیاسی و سازمانی باز شده بود. در این مقطع در آذربایجان اعتراضات و شورشهای مردم تهیدست مخصوصاً "رعیت" تحت ستم و کارگران تحت ستم گسترده بود. فعالیتهای سیاسی برای حقوق طبقه کارگر رشد میکرد. احزاب سیاسی چپ علی العموم امکان شکل گرفتن و گسترش و نفوذ توده‌ای را پیدا کردند.

همانطور که شوروی و انگلیس و آمریکا در متن پیرویشان در

فرقه دمکرات نشیب را قبول کند و با قوام‌راه بیاید و خود را برای فراز آماده کند!

اما این فقط یک وجه اتفاق 21 آذربایجان است که آگاهانه هیچ توجهی به شرایط داخلی، کشمکشهای طبقاتی و سیاسی داخل ایران در این مقطع نمیکند. به این توجه نمیکند که جامعه‌ای به بزرگی آذربایجان که از لحاظ سیاسی نقش مهمی در جنبش مشروطیت داشت چرا پذیرای سازمان و دولتی میشود که گویا دست‌نشانده همسایه شمالی بود و این سازمان و دولت در فاصله کوتاهی تغییرات مهمی در زندگی مردم مخصوصاً کارگران و دهقانان و توده‌های فقیر بوجود میآورد و محبوب مردم میشود!

## فراز آزادی: منظورتان مشخصاً از این شرایط داخلی و کشمشکها چیست و همه اینها چه حقانیتی به فرقه دمکرات و پیشه‌وری میدهد؟

**محسن ابراهیمی:** در این مقطع اولاً، میلیونها دهقان و زارع زحمتکش در منگنه یک نظام فئودالی و ارباب و رعیتی له و لورده میشدند. ظلم و ستم بی حد و حصری بر این جمعیت وسیع تحمیل میشد.

## گفتگوی فراز آزادی با محسن ابراهیمی

سیاسی بود استفاده میکرد. جالب است که در جنوب هم این نوع رابطه میان رهبران ایلات و عشایر با انگلیس در جریان بود. هر دو طرف سعی میکردند از امکانات هم استفاده کنند. انگلیس سران عشایر را علیه دولت قوام بسیج میکرد که ظاهراً با شوروی نزدیک شده بود و عشایر هم از امکانات این کشور برای مسلح تر کردن خود و ابراز وجود سیاسی قدرتمند و سهم خواهی و سهم گیری از اوضاع بعد از پایان جنگ جهانی استفاده میکردند.

مورخین و ژورنالیستهای راست آگاهانه چرغ قوه شان را روی یک وجه تمام این اتفاقات می اندازند تا وجوه دیگر را در تاریکی نگه دارند. آن وجه هم رابطه شوروی و فرقه دمکرات و رابطه باقراوف و پیشه وری است. و البته در این میان بیشرمانه به تنشها و درگیریهای پیشه وری و نمایندگان دولت شوروی در کل این ماجرا، اعتراض پیشه وری به "خیانت" شوروی و استالین و باقراوف اشاره نمیکنند. به این اشاره نمیکنند که پیشه وری حتی وقتی بعد از مقاومت برای ترک ایران مجبور میشود به باکو برود همانجا هم با

سران دولت آذربایجان و شوروی درگیر میشود که به خاطر منافع جهانی ناسیونالیسم عظمت طلبانه شوروی به رهبری استالین به جنبش عدالت طلبانه در آذربایجان پشت کردند.

**فراز آزادی: با این حساب از نظر شما پیشه وری و فرقه دمکرات و 21 آذر به چه جنبشی تعلق دارند؟ اگر به هیچکدام از جنبشهای ناسیونالیستی تعلق ندارند پس به کدام جنبش مربوط میشوند؟ نقد شما به پیشه وری چیست؟**

1- ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی پیشه وری را تجزیه طلب معرفی میکند که خوب روشن است از نقطه این نظر این ناسیونالیسم یک گناه و جرم قابل سرکوب است. از نظر این جنبش "جرم" او این بود که تجزیه طلب بود. جدا از اینکه پیشه وری اساساً دنبال استقلال آذربایجان نبود اما برای ما که تمامیت ارضی مقدس نیست، این نقد در بهترین حالت نقد یک شاخه جنبش ناسیونالیستی از شاخه دیگرش است. هیچ ربطی به نقد ما به عنوان کمونیست طرفدار زیر و رو کردن بنیادهای طبقاتی نظام سرمایه داری حاکم و به این اعتبار ایدئولوژیهای حاکم مثل مذهب و ناسیونالیسم ندارد. ایدئولوژی ناسیونالیستی یک

**محسن ابراهیمی:** برای پاسخ به این سؤال مهم است که بگوییم که ما چه تمایزی با تبیینها و روایتهای جریانات راست و ناسیونالیست داریم که مشخصاتش اینها هستند:



## گروهی از فداییان آذربایجان

## گفتگوی فراز آزادی با محسن ابراهیمی

وجه جدایی ناپذیر همین بنیاد طبقاتی سرمایه داری است و مثل بنیادهای اقتصادی نظم موجود و در کنار و به موازات آن موضوع مبارزه ما است.

2- ناسیونالیسم قوم پرست استقلال طلب سعی میکند از پیشه وری یک قهرمان جدایی طلب درست کند که میخواست آذربایجان را جدا کند و از هویت "قوم ترک" پاسداری کند و گویا همین استقلال طلبی از کسی قهرمان میسازد.

علیرغم اینکه پیشه وری قوم پرست به معنایی که امروز از آن استنباط میشود و دنبال جدا کردن جغرافیایی برای به اصطلاح "قوم ترک" نبود، اما روشن است که ما این نوع قهرمان سازی از شخصیتها به عنوان "نماینده ملت مظلوم" را یک ترفند ارتجاعی قوم پرستانه میدانیم که تنها "دستاوردش"

برای بشریت کینه و نفرت و خصومت میان مردم و خونریزی از مردم به نام قوم و نژاد و ملت است.

برای ما صرف استقلال و جدایی نه تنها مقدس نیست بلکه مخصوصا در دهه های اخیر محمل ارتجاعی ترین تمایلات سیاسی جنبشهای ارتجاعی است. ما طرفدار حق مردم برای تصمیم بر جدایی بر مبنای یک فراندم آزاد هستیم در صورتیکه ناسیونالیستها توانسته باشند ستم ملی در جامعه ای را به مساله ملی تبدیل کنند. به این معنا که با جنایاتشان به نام یک "ملت" یا یک "قوم" میان بخشهای مختلف مردم آنچنان خصومت و کینه و نفرت بوجود بیاورند که امکان همزیستی آن مردم با هم و در کنار هم امکانپذیر نباشد.

در رابطه با ادعاهای ناسیونالیسم قوم پرست همچنین لازم است به

سخنرانی پیشه وری در سالن شیر و خورشید تبریز در جریان تشکیل فرقه دموکرات اشاره کنم که صریحا میگوید: "حرف ما و خوسته های ما در خارج از این نقشه نیست. بحث ما درون مرزهای ایران است."

یا میتوان به برخورد او به سخنان میزرا کوچک خان اشاره کرد که گفته بود "برای آباد کردن تهران، همه ایران را ویران کرده اند. برای آباد کردن ایران باید تهران را ویران کرد." و پیشه وری در مقابل این موضع گیری اعلام میکند که "من قصد تایید این حرف را ندارم و ویران کردن تهران را توصیه نمیکنم."

اینجا مایلیم به یک مساله مهم تاریخی هم اشاره کنم که برای ناسیونال- فاشیسم ترک یک مساله "ناموسی" است.

میدانیم که تاریخ تخاصمات میان ناسیونالیسم ارمنی و ترک پر از مقاطع بسیار خونینی است. هر دو طرف پرونده

**اینجا مایلیم به یک مساله مهم تاریخی هم اشاره کنم که برای ناسیونال- فاشیسم ترک یک مساله "ناموسی" است.**

میدانیم که تاریخ تخاصمات میان ناسیونالیسم ارمنی و ترک پر از مقاطع بسیار خونینی است. هر دو طرف پرونده جنایات دهشتناکی را زیر بغل دارند. و میدانیم که یکی از مشخصات مشترک هر دو طرف برجسته کردن جنایات طرف مقابل و انکار جنایات خودشان است. همانطور که برای یک ناسیونالیست ارمنی داشناک کودکان مثله شده "ترک" توسط آدمکشان این جریان احساسی را بر نمی انگیزد، کودکان مثله شده "ارمنی" هم هیچ احساسی از ناسیونالیستهای ترک را بر نمی انگیزد.

## گفتگوی فراز آزادی با محسن ابراهیمی

جنايات دهشتناكى را زير بغل دارند. و ميدانيم كه يكى از مشخصات مشترك هر دو طرف برجسته كردن جنايات طرف مقابل و انكار جنايات خودشان است. همانطور كه براى يك ناسيوناليسم ارمنى داشناك كودكان مثله شده "ترك" توسط آدمكشان اين جريان احساسى را بر نمى انگيزد، كودكان مثله شده "ارمنى" هم هيچ احساسى از ناسيوناليستهائى ترك را بر نمى انگيزد.

براى مثال، بعد از انقلاب اكتوبر، در مدت زمانى کوتاه كه هنوز انقلاب اكتوبر نتوانسته است در آذربايجان حكومت شورايى مستقر كند و حكومت ارتجاعى مساواتيها به رهبرى محمد امين رسول زاده در آذربايجان مستقر هست، از هر دو طرف ناسيوناليسم ارمنى به رهبرى داشناكها و ناسيوناليسم ترك جنايات وسيعى عليه مردم ترك زبان و ارمنى مرتكب ميشوند. هنوز هم مورخين و پژوهشگران دو طرف به هر ترفندى متوسل ميشوند تا جنايات طرف خودشان را زير خاك كنند و جنايات طرف مقابل را برجسته كنند.

در اين ميان، پيشه وري هم به مثابه يكى از شخصيتهاى ترك

زبان كمونيست دهه اول قرن 14 شمسى وقتى در حزب كمونيست ايران نقش رهبرى داشت و هم به مثابه يك اصلاح طلب دهه دوم همين قرن در فرقه دمكرات صريحا جنايات هر دو طرف را محكوم ميكند. اين يك تابو شكنى ضد ناسيوناليسم ترك است كه بايد به آن ارج گذاشت.

پيشه وري در مقاله اى در در جريان دست به دست شدن قدرت در آذربايجان در سال 1918 كه در جريان آن يك بار مردم ترك زبان آذربايجان از جمله كارگران مهاجر اهل آذربايجان ايران توسط داشناكها قتل عام شدند و بار ديگر آرامنه توسط سربازان نورى پاشا قتل عام شدند، هر دو را به يك اندازه محكوم ميكند.

او در مقاله اى تحت عنوان "مقصر كيست" كه در حریت شماره 67 آوريل 1920 منتشر شده است به تحليل "مسئله ميان ارمنى و مسلمان" ميپردازد و 72 سال پيش رهبران هر دو طرف يعنى حزب داشناك و مساوات را مسبب اين كشتارها ميداند و هر دو طرف را شديداً محكوم ميكند.

پيشه وري در اين رابطه راه حل خودش براى حل "مسئله قومى و مى" ميان "تركها و ارمنيها" را به اين صورت مطرح ميكند كه "فقراى كاسبه هر مملكت (ارمنستان و آذربايجان)

را است كه به خاطر استقرار حاكميت خود داشناكهاى مبلغ هاسستان بزرگ و مساواتيهاى ستايشگر توران بزرگ را از ميان بردارند. زيرا كه براى انسانهاى امروز نه هاسستان (ارمنستان) بزرگ و توران بزرگ، بلكه دولتهاى آذربايجان و ارمنستان كوچك شوروى لازم است كه ساكنان قلمرو خود را به جنگهاى مى و دىنى سوق ندهند..."

در برخورد پيشه وري به مذاهب مختلف هم همين نگرش را ميتوان ديد.

براى مثال در سخنرانى تاريخى پيشه وري در مجلس شوراي مى وقت او صريحا ميگويد كه: "يك نفر ارمنى، يك نفر تبعه ي خارجه، وقتى كه رجوع مى كند، شما بايد حق او را حفظ كنيد. شما با عقیده ي او چكار داريد. شما بايد حق او را بدهيد...."

و در جايى ديگر پيشه وري از شهروند متساوى الحقوق بودن ارمنيها، آسوريها و کردها در "حكومت مى آذربايجان" صحبت ميكند. و حتى او در جريان كشتار ارمنيها در سال 1918 در حكومت ارتجاعى مساواتيه دو شهروند ارمنى را شخصا نجات ميدهد.

با توجه به همه اينها بايد تاكيد كنم كه پيشه وري 1324 يك اصلاح طلب بود. خودش هم اين را صريحا گفته است و در



## گفتگوی فراز آزادی با محسن ابراهیمی

دوره ای که در راس "حکومت ملی آذربایجان" بود همین اصلاحات را عملی کرد. اقدامات حکومت آذربایجان در این مقطع تماما شاهد این مدعاست و حتی جریان‌های ناسیونالیست راست ایرانی هم این را نمیتوانند انکار کنند.

در آخر مایلیم به یک نکته هم اشاره کنم که مربوط به گذشته ای است که در آن مقطع پیشه وری یکی از رهبران صف کمونیسم در حال شکل گیری در ایران بود.

میدانیم که پیشه وری دو دهه جلوتر از تشکیل فرقه دمکرات از بنیانگذاران حزب عدالت در باکو و بعدا حزب کمونیست در انزلی بود. اتفاقا در این حزب هم در صف جناح رادیکال این حزب یعنی خط سلطانزاده قرار داشت. جناحی که معتقد بود ایران برای یک انقلاب سوسیالیستی آماده است و توهمی به مترقی بودن بورژوازی ملی ایران نداشت.

حاضر نبود که به آن پشت کند. او همچنانکه گفتم یک اصلاح طلب رادیکال در چهارچوب نظم حاکم بود. شاید بتوان گفت او در این مقطع در نقش شخصیت سیاسی جناح چپ بورژوازی ظاهر شد که میخواست از جناح چپ در مدرن کردن جامعه به نفع اقشار تحت ستم نقش ایفا کند.

در چند جمله پیشه وری یک شخصیت برجسته اصلاح طلب سیاسی، یک ناسیونال-رفرمیست در مقابل طبقات حاکم، جنبشها و احزاب و شخصیت‌های این طبقات و این جنبشها بود. اصلاح طلبی رادیکال و طرفدار رفاه توده های وسیع مردم تهیدست در ایران و آذربایجان در چهارچوب نظم موجود بود و همه زندگی را در این راه گذاشت. ■

21 آذر 1396 - 12 دسامبر 2017

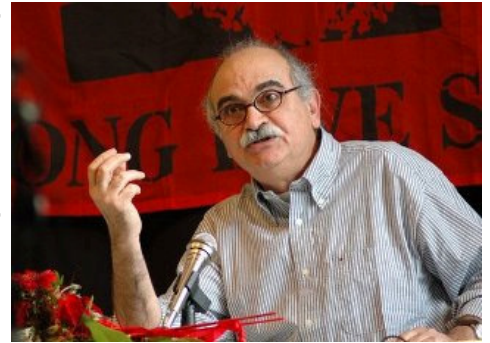
اما پیشه وری بعد از آزادی از زندان رضا شاه دیگر در آن صف نیست و در بهترین حالت یک اصلاح طلب رادیکال طرفدار تغییرات و اصلاحات در چهارچوب قانون اساسی مشروطه است. پیشه وری در این مقطع دیگر پیشه وری ایران نیست. به این معنا پیشه وری کمونیست مقطع 1300 شمسی با پیشه وری مقطع 1324 اساسا متفاوت بود. او دیگر در صف جنبش کمونیستی نبود.

نقد من به عنوان یک کمونیست خواهان زیر و رو کردن نظام طبقاتی سرمایه داری به پیشه وری این نیست که گویا او به کمونیسم و مبارزه برای زیر و رو کردن بنیاد اقتصادی فقر و نابرابری یعنی سرمایه داری و مبارزه برای رهایی از نظام طبقاتی و طبقات فئودال و سرمایه دار و استقرار یک جامعه آزاد و برابر پشت کرد و یا مثلا خیانت کرد. پیشه وری 1324 شخصیتی از یک جنبش کمونیستی حی و

**ما مخالف سرسخت هر نوع حکومت مذهبی، قومی و ملی هستیم.**

**راه حل عمومی ما برای رفع ستم و تبعیض در سراسر ایران برقراری نظامی است که در آن برابری حقوقی کلیه اهالی و ساکنین کشور، مستقل از قومیت، جنسیت، نژاد، مذهب، و اعتقادات، به عنوان شهروندان آزاد و متساوی الحقوق تضمین شده باشد..**

## زنده باد حزب!



### حمید تقوائی

شنبه، ۱۸ آذر، ۱۳۹۶

سخنرانی حمید تقوائی لیدر حزب به مناسبت بیست و ششمین سالروز تشکیل حزب کمونسیت کارگری در شهر کلن آلمان:

من هم به سهم خودم به همه شما خوشامد میگویم و همچنین بیست و ششمین سالگرد تشکیل حزب را به همه شما، به همه اعضا و کادرهای حزب، و به همه مبارزین راه آزادی و سوسیالیسم تبرک میگویم.

در این جا فرصت نیست که حتی به معرفی نسبتاً جامع حزب پردازم. فقط در این فرصت میخواهم به چند خصیصه حزب کمونسیت کارگری اشاره کنم که فکر میکنم ترسیم کننده چهره واقعی حزب ماست.

های مردمی که بعداً نود و نه درصدیها نامیده شدند، یعنی اکثریت عظیم مردم دنیا که منافعی در ادامه و بقای سیستم سرمایه داری ندارند و آزادی و رهای از این سیستم را میطلبند، و حزب تمام کسانی است که قلبشان برای انسان و انسانیت میطپد. حزب کمونسیت کارگری ایران اگر در آن زمان تشکیل نمی شد کمونسیم رادیکال و معترض به قرن بیست و یکم پا نمیگذاشت. تقریباً هیچ رگه ای از آن باصطلاح کمونسیم قرن بیستمی وجود نداشت که بتواند بایستد و به پیش برود.

حزب کمونسیت کارگری نفس تشکیلش تعرضی بود به آن دنیای در هم ریخته و افسار گسیخته سرمایه داری پسا جنگ سرد. ما دیدیم که در آن دوران از یک طرف انواع دولت های اسلامی و نیروهای تروریستی اسلامی و از طرف دیگر دولت آمریکا و متحدیش بعنوان ژاندارم منحصر به فرد دنیای جدید در مقابل هم قرار گرفتند. آنچه ما بعنوان جنگ تروریستها به دنیا شناسانیدیم و در مقابل هر دو قطب ایستادیم و تا امروز ایستاده ایم و مبارزه میکنیم. تمام پیش بینی های منصور حکمت در "طلوع خونین نظم نوین جهانی" به وقوع پیوست. هم جنبه های منفی اش و هم

اولین خصیصه این است که حزب کمونسیت کارگری حزب دنیای معاصر است، حزب اواخر قرن بیست و حزب گذار به هزاره دوم. حزب زمانی تاسیس شد که بورژوازی جهانی پایان کمونسیم را اعلام کرده بود. حزب در مقطعی تشکیل شد که شوروی در حال فرو پاشی بود و سرمایه داری بازار آزاد داشت پیرویش را جشن میگرفت. این دوره در خاورمیانه با جنگ خلیج و حمله نیروهای غربی به منطقه شروع شد و شرایطی پیش آمد که همانطور که منصور حکمت پیش بینی کرد انواع نیروهای اسلامی و قومی و مذهبی و نژادی نه تنها آن منطقه بلکه بعداً کل دنیا را به جولانگاه و میدان افسار گسیختگی خودشان تبدیل کردند. آن دنیای تحت فشار این توحش، توحش بورژوازی که از دوران جنگ سرد بیرون آمده بود و میخواست دیوار برلین را بر سر کمونسیتها خراب کند، بر سر ایده آلهای آزادیخواهانه و برابری طلبانه کمونسیتی خراب کند، این دنیا به حزبی احتیاج داشت که در برابر این هجوم نه تنها بایستد بلکه تعرض کند و در این مقطع بود که حزب کمونسیت کارگری متولد شد.

حزب کمونسیت کارگری، حزب تمام کارگران دنیا، حزب توده

## زنده باد حزب! حمید تقوائی

جنبه های مثبتش.

جنبه منفی به این معنی که به گفته منصور حکمت این هیاهو که قرار است بعد از فروپاشی شوروی در خیابانها شیر و عسل روان بشود و همه آزاد و مرفه باشند به سرعت فرو میریزد و عقب مانده ترین، ارتجاعی ترین و جنایتکارترین نیروها و دولتها جلو می آیند و میدان دار میشوند. عینا این اتفاق افتاد. و مثبت به این معنا که منصور حکمت میگفت این موقت است، این دوره سیاه گذرا است این تمام خواهد شد و جهان متمدن به حزبی احتیاج دارد که در مقابل این دنیا بایستد و پرچم رهائی و آزادی و برابری و انسانیت را بلند کند. حزب کمونیست کارگری ایران این نقش را ایفا کرد. این ضرورت، این نیاز پایه ای نه تنها ایران و منطقه بلکه نیاز کل دنیا

را کمونیست مینامید. معترضی که میخواست چین صنعتی شود و دست امپریالیسم را قطع کند و نظام نیمه مستعمره و نیمه فئودال را بهم بریزد بخودش میگفت کمونیست. کسی که در جهان سوم میخواست در مقابل امپریالیسم آمریکا بایستد بخودش میگفت کمونیست، کسی که در ایران میخواست صنایع مادر داشته باشد و بتواند سوزن بسازد و صنعت پیش برود به خودش میگفت کمونیست. کمونیست کارگری نام کارگری بر خودش گذاشت چون کمونیسم ضد سرمایه بود. اگر در ایران دیکتاتوری شاه جای خودش را به جمهوری اسلامی داد که با جنایت هایش رژیم شاه را رو سفید کرده است، اینسلطه مذهب دوران فئودالی، مذهب دوران قاجار و صفوی نیست، این دیکتاتوری سرمایه داری در اواخر قرن ۲۰ و اوایل قرن ۲۱ است. بورژوازی جهانی پشت

به چنین حزبی بود که اجازه داد حزب کمونیست کارگری در آن دنیای سیاه قد راست کند، جلو بیاید، قوی شود و نفوذ پیدا کند و به موقعیتی برسد که حزب ما امروز پیدا کرده است.

به یک معنای دیگر هم، این حزب، حزب کمونیسم عصر ما است. به این معنا که باصطلاح کمونیسم های قرن بیستمی، کمونیسم های ضد امپریالیسم، ضد فئودالیسم، ضد استعماری، ناسیونالیست و ملی مذهبی، "کمونیسم" های فرهنگ و صنعت خودمان، همه به هر جنبشی متعلق بودند بجز جنبش ضد سرمایه داری طبقه کارگر.

شرایط سیاسی- اقتصادی قرن بیست این وضعیت را ایجاد کرده بود. انقلاب اکتبر چنان کمونیسم را محبوب کرده بود که هرکسی در هر گوشه جهان به هر گوشه ای از وضع موجود اعتراضی داشت خودش

**خصوصیت دیگر حزب ما که میتوان نتیجه ویژگیهایها که اشاره کردم دانست، اینست که این حزب، حزب عمل است. حزب کمونیسم عملی است. از این ویژگی منصور حکمت به عنوان مهمترین خصیصه حزب نام میبرد: حزب "پراکتیکال"، حزب "ماتریالیسم پراتیک". حزبی که امرش تغییر جهان است، تغییر فوری جهان همین امروز و برای همین نسل حاضر. ما حزب تکامل تاریخی و نگران اینکه مراحل تاریخی چطوری پشت سر هم می آیند نیستیم. رسالت ما ماتریالیسم دیالکتیک و تاریخی نیست. ما حزب سیاست کمونیستی هستیم، حزب "ماتریالیسم پراتیک" هستیم. حزب تغییر در زندگی انسانهای همین امروز و همین نسل حاضر. این هم یک خصلت ویژه حزب ماست.**

## زنده باد حزب! حمید تقوایی

خمینی آمد تا بتواند این نوع دیکتاتوری را اعمال کند.

انقلاب ۵۷ بنظر من اولین انقلابی بود که روشن و سر راست و صریح علیه سرمایه داری بود. جنبش ملی کردن صنعت نفت تمام شده بود، جنبش صنعتی کردن به نتیجه رسیده بود، اصلاحات ارضی شده بود و طبقه کارگری به میدان آمده بود که دیگر انتقادهای نیم بندی مثل صنعت نداریم و عقب مانده هستیم و صنایع مونتاژ و کالاهای بنجل و غیره دردش را بیان نمیکرد، هدف و آرزوهایش را بیان نمی کرد و نطفه های کمونیسم کارگری از همان دوره بسته شد. انقلاب ۵۷ اولین انقلابی معنی اخص و

دقیق کلمه ضد سرمایه داری در کشورهای جهان سوم است و حزب کمونیست کارگری ریشه اش اینجاست. به این معنا هم حزب کمونیست کارگری، حزب دوران معاصر است. دوران معاصر یعنی دهه های آخر قرن بیست و آغاز قرن بیست و یک. دوران گذار از نظامهای ماقبل سرمایه داری در قرن گذشته به سلطه کامل سرمایه داری بازار آزاد بر جهان قرن بیست و یکم.

اینکه چرا این حزب در ایران شکل گرفت، اینهم تصادفی نبود. از یک طرف جمهوری اسلامی ستون فقرات آن اسلام سیاسی بود که بعد از جنگ خلیج و به اصطلاح در نظم نوین جهانی تازه افسار گسیخت و بر روی مردم منطقه تیغ کشید. جمهوری اسلامی در محور و مرکز تروریسم اسلامی بود که در دنیا افسار گسیخته شد. آن شرایط

کمونیسمی را ایجاب میکرد که ماهیت ضد انسانی و سرمایه دارانه این حکومت را بتواند افشا کند و درمقابلش بایستد و جوابش را بدهد. چپ های آندوره، کمونیسم ها غیر کارگری، اهل اینکار نبودند و میدان را خالی کردند. بخصوص بعد از فروپاشی شوروی هر کس به این فکر افتاده بود که لابد دموکراسی شکم بوده و باید کمی حقوق بشری و دموکراسی پناه بشود که بتواند به بقای سیاسی خودش ادامه دهد. در نقطه مقابل این هزیمت چپ سنتی، حزب کمونیست کارگری اعلام کرد جواب دنیای پسا جنگ سرد پافشاری بر خصلت کارگری کمونیسم و خصلت سوسیالیستی کمونیسم است. و دقیقا این ضرورتی بود که دنیا میطلبید. نه فقط کارگران ایران و مردم ایران بلکه مردم دنیا اینرا میطلبیدند. خصوصیت دیگر حزب ما که



## زنده باد حزب! حمید تقوائی

مبارزه با اسلام سیاسی در سطح جهان و مبارزه با نسبیت فرهنگی در سطح جهان و مبارزه با هر عقب ماندگی که میخاهد این تبعیضات و تمایزات را تثبیت و به بشریت تحمیل کند.

حزب ما حزب گذار به هزاره سوم است به این دلیل که سرمایه داری در این هزاره بر همه دنیا حاکم شده است. زمانی، در نیمه قرن گذشته، سرمایه داری میتوانست ادعا کند که اگر ایران عقب مانده است به این دلیل است که هنوز فئودالیسم در ایران بیداد میکند، خود شاه و دربار یکی از زمین دارهای بزرگ ایران بودند، بیسوادی و فقر و فلاکت بیداد میکرد و اکثریت عظیم مردم روستاها از کمترین امکانات زندگی محروم بودند. در چنین شرایطی یک لیبرال یا یک دمکرات میتوانست بگوید من ضد سرمایه داری نیستم ولی میخواهم اصلاحات ارضی بشود، میخواهم مملکت دانشگاه داشته باشد و زن حق رای داشته باشد و صنعت رشد کند و غیره. اما وقتی بعد از اصلاحات ارضی همه اینها حاصل شد ولی هنوز جامعه در فقر و بی حقوقی بسر میبرد کارگر ایران بلند شد و به جنگ شاه و حکومتش رفت و انقلاب ۵۷ اتفاق افتاد.

هست بایستیم و مبارزه کنیم، آن کوره از این واقعیت ناشی میشود که ریشه همه مسائل دنیای ما سرمایه داری است. برای ما مبارزه طبقاتی فقط مبارزه کارگر علیه سرمایه داری در کارخانه نیست، این یک محور مبارزه است ولی مبارزه طبقاتی خیلی وسیعتر و همه جانبه تر است. جواب کارگر به مذهب، جواب کارگر ناسیونالیسم، جواب کارگر به بی حقوقی زن، به جنگ تروریستها، جواب کارگر به سرکوب و عدم آزادی های سیاسی، جواب کارگر به مشکلات میلیونها مردمی که آواره و پناهنده میشوند، جواب کارگر به تخریب محیط زیست، جواب کارگر به این مساله که حقوق همجنسگرایان به رسمیت شناخته نمی شود، جواب کارگر به میلیونها کودکی که زیر پا له میشوند، این جواب ها را یک حزب میتواند بدهد: حزب طبقاتی طبقه کارگر. حزب کمونیست کارگری به اعتبار برنامه یک دنیای بهتر و همه سیاستهایش این جواب هست. تجسم این جواب است. به این دلیل است که مبارزه ما علیه سرمایه داری به همه عرصه ها بسط پیدا میکند. در عرصه فرهنگی و اقتصادی در عرصه حقوق مدنی انسانها و در عرصه

میتوان نتیجه ویژگیهایها که اشاره کردم دانست، اینست که این حزب، حزب عمل است. حزب کمونیسم عملی است. از این ویژگیمنصور حکمت به عنوان مهمترین خصیصه حزب نام میبرد: حزب "پراکتیکال"، حزب "ماتریالیسم پراتیک". حزبی که امرش تغییر جهان است، تغییر فوری جهان همین امروز و برای همین نسل حاضر. ما حزب تکامل تاریخی و نگران اینکه مراحل تاریخی چطور می آیند نیستیم. رسالت ما ماتریالیسم دیالکتیک و تاریخی نیست. ما حزب سیاست کمونیستی هستیم، حزب "ماتریالیسم پراتیک" هستیم. حزب تغییر در زندگی انسانهای همین امروز و همین نسل حاضر. این هم یک خصلت ویژه حزب ماست.

چرا؟ این از کجا میاید؟ اینکه ما خیلی آکتیو هستیم، خیلی انرژی داریم، خیلی فعال هستیم، اینها ممکن است بروز و تجلی قضیه باشد ولی آن کوره ای که آن زیر میسوزد و انرژی به ما میدهد و مارا ملزم میکند که در هر عرصه ای و در هر جا که کوچکترین تبعیض و بی حقوقی و نابرابری

## زنده باد حزب! حمید تقوائی

این واقعیت که سرمایه داری ریشه همه بدبختیها و مسائل دوره ماست آن تقسیم بندی کلاسیک مسائل به دموکراتیک و سوسیالیستی را تمام کرد. امروز هر مسئله ای هست ریشه اش سرمایه داری است و هر آزادیخواهی ناگزیرست سوسیالیست باشد. لنین اینرا در انقلاب اکتبر میگفت که هر دموکراتی باید سوسیال دموکرات باشد. این گفته صدها درجه بیشتر و به معنای جامعتری برای عصر ما صادق است. هر آزادیخواهی، هر دموکراتی، هر معترضی به هر گوشه ای از رنج و بدبختی و مشکلات جامعه، باید سوسیالیست باشد. راه دیگری نیست چون ریشه همه مسائل و بدبختیهای عصر ما سرمایه داری است.

این نقطه عزیمت عملگرائی حزب ما است. ما در هر ظلمی چهره کریه سرمایه را میبینیم و در برابرش راه حل نجات بخش طبقه کارگر را قرار میدهیم. به همین خاطر است که ما در عرصه مبارزه علیه اعدام هستیم، در عرصه مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی هستیم، در عرصه مبارزه علیه نسبت فرهنگی در همه جهان

هستیم، در عرصه مبارزه علیه سنگسار و مذهب و دفاع از حقوق همجنسگرایان هستیم، و در عرصه مبارزه پناهندگان و دفاع از حق و حقوق کودک و علیه تخریب محیط زیست هستیم. در تمام اینها نقش سرمایه داری را میبینید. برای آزادی و رهائی بقول مارکس باید دست به ریشه برد و حزبی میتواند دست به ریشه برد که با نقد سوسیالیستی به جنگ این مصائب برود و این راز عمل گرائی ماست.

یک بُعد دیگر عمل گرائی ما این است که انقلابیگری ما و اعتراض ما از تئوری در نمی آید. لازم نیست کسی بیاید مارا قانع کند که باید علیه حجاب بجنگیم، لازم نیست کسی مارا قانع کند که علیه اعدام و یا برای آزادی زندانیان سیاسی مبارزه کنیم، ما دردمان این است و حقانیت مارکسیسم برایما این است که جواب اینها را دارد نه برعکس. مارکسیسم ما را به حقانیت مبارزه برای آزادی زن یا مبارزه علیه تخریب محیط زیست یا دفاع از حقوق کودک نرسانده است، اینها درد و امر ماست. امر هر انقلابی واقعی که ممکن است قبلا حتی یک کتاب و نوشته مارکسیستی و کمونیستی ورق زده باشد.

انقلابیگری ما بر تئوری پیشی میگیرد. برای ما که این دنیا را نمیپذیریم و میخواهیم از بنیاد تغییرش بدهیم آن تئوری و آن خط و بینشی که راه نشان میدهد و آن جهت و آن افقی که هدف مان را تعیین میکند مارکسیسم و کمونیسم و سوسیالیسم است.

ما اعتبار و حقانیت ایدئولوژی و تئوری مان را از عملگرائیمان میگیریم و این عمل گرائی ما جزو تعریف ماست. هر آدمی که به هر گوشه از این نظام اعتراض داشته باشد امروزه ناگزیر است سوسیالیست باشد، برای اینکه رها شود باید سوسیالیست باشد، و برای اینکه واقعیات را عمیقا بشناسد و بتواند ریشه ای تغییرش بدهد باید مارکسیست باشد. این مبانی حزب کمونیست کارگری است. ما با عمل شروع میکنیم و به تئوری دست میبریم نه برعکس. بر خلاف بسیاری از چپ هائی که برای اینکه به آنها ثابت کنید باید علیه حجاب جنگید میبایست از مارکس و لنین و تزه‌های فویرباخ دهها نقل قول بیاورید، ما به این نقل قولها احتیاجی نداریم. اگر مارکس و کمونیسم جواب ما را نمیداد حتما تئوری دیگری پیدا میکردیم. آنچه مسلم است این دنیا انسانی نیست، آنچه

همه جانبه اش، این دستاوردها و این موقعیت را امروز حزب ما نداشت. منصور حکمت زود از میان ما رفت، جای او در میان ما خالی است ولی تئوریهایش، نظراتش، متدش، جهتش، خطش و سیاستش و استراتژییش زنده است، با ماست و همیشه با ما خواهد بود.

### زنده باد منصور حکمت

### زنده باد حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال ۷۴۱

سکینه محمدی ها و کبرا رحمان پورها و ریحانه جباریهاست، حزب ما حزب اول ماه مه سنندج است، حزب ما حزب جشن آدم بر فیها در کردستان است، حزب ما حزب کولبران مریوان است، حزب ما حزب بیحقوق ها، حزب داغ لعنت خوردگان است. حزب ما حزب کمونیسم کارگری ضد سرمایه داری است.

اجازه بدهید صحبت هایم را با یاد منصور حکمت تمامکنم. بدون منصور حکمت، بدون ژرف نگری تئوریکش، بدون رادیکالیسم و تیز بینی سیاسی، بدون انقلابیگری

مسلم است در این دنیا انسان آزاد نیست. انسان باید آزاد شود، باید رهاشود، این دنیا دون شان انسانیت است.

اینرا ما در تجربه زندگی هر روزه مان دیده ایم. و بر مبنای تجربه خود زندگی است که مارکسیسم برای ما بعنوان تئوری زنده، رهایبخش، امید بخش و پیشرو مطرح میشود. امر ما انقلاب است امر ما تغییر انقلابی وضع موجود است. به این خاطر است که حزب مارا در همه جا می بینید.

امروز حزب ما حزب محمد جراحی ها است، حزب جنبش کارگری در ایران است، حزب



شهبلا دانشفر

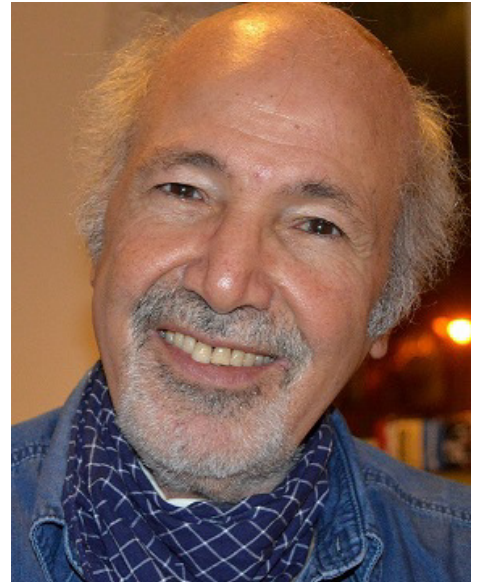
پفش زنده

گزارش دبیر کمیته سازمانده مزب به کنگره دهم مزب کمونیست کارگری ایران - ۲۱ اسفند ۱۳۹۵ - ۱۱ مارس ۲۰۱۷

پفش مستقیم در اینستاگرام Javanan.Komonist

Imo / Viber / Line / WhatsApp / Telegram: ۰۰۴۶۷۳۹۶۸۱۴۳۸

## ناسیونالیسم یک جنبش ارتجاعی است!



### پرسش از کاظم نیکخواه

**خلیل کیوان:** ناسیونالیسم چیست، زمینه های تاریخی، سیاسی آن چه بود و به چه صورت عروج کرد و همچنین نقش و عملکرد آن در زمینه های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در جامعه اکنون چه صورت است؟

**کاظم نیکخواه:** ناسیونالیسم یک جنبش سیاسی و ایدئولوژیک است که همزاد سرمایه داری است و در واقع تسمه نقاله انتقال سرمایه داری است. سرمایه بر دوش ناسیونالیسم و با اتکا به آنگسترش پیدا کرده، حرکت کرده، و در گوشه و کنار دنیا مستقر شده است. ناسیونالیسم اساسش روی

سرمایه داری توانست مارش جهانی خود را به پیش برد. کارگران و مردم زحمتکش به "هموطنان" حاکمین و استثمارگران خود تبدیل شدند و برای منافع و مصالح "ملی" (که بیان ایدئولوژیک و مردم پسند منافع سرمایه بود) در ارتشهای سرمایه بسیج شدند و برای کشتار کسانی مثل خود در آنسوی مرزهای ملی به حرکت درآمدند.

وقتی که تفکر و تقدس "ملت من" غالب شد، بخشی از مردم خودبخود از گردونه خارج میشوند و بخشی از مردم وارد میشوند. دوستان به دشمنان تبدیل میشوند و دشمنان به دوستان. سرمایه دار کشور خودی به "هم وطن" و "هم میهن" کارگران استثمار شده تبدیل میشود و در حلقه "خودی" ها قرار میگیرد، و کارگری که زاده کشوری دیگر است به بیگانه تبدیل میشود و از حلقه خودی ها حذف میشود.

این روندی که بطور خلاصه اشاره کردم بسادگی پیش رفت. تاریخ قرن نوزده و بیست پر است از جنگهای ملی، قلمروگشایی، الحاق اجباری، پاکسازیهای قومی، و کلا فجایع و کشاکشهای خونین ملی که اثرات و جای پای آن هیچگاه از چهره بشریت پاک نخواهد شد. در همین قرن هم

عبارت مبهمی بنام "ملت" است که ظاهراً معادل مردم میباشد، اما در واقع در مقابل مردم قرار دارد. جنبش ناسیونالیستی از اواخر قرن هیجده و نوزده با گامهای خونینی به صحنه سیاسی وارد شد. جنبش روشنگری، انقلاب صنعتی و انقلاب فرانسه کل سیستم اشرافی و فئودالی پوسیده و کهنه را زیر ضرب گرفته بود و مردم به صحنه آمده بودند و خدا و اشرافیت و اربابان و منشاء الهی حاکمیت آنها را زیر ضرب گرفته بودند. ناسیونالیسم معجزه ای که کرد ملت را خلق کرد و به جای خدا قرار داد. این بار به جای خدا و شاه، "ملت من" مقدس شد. ملت صاحب و اختیار دار همه چیز است. ملت باید دولت داشته باشد. و ملت باید دولت را تعیین کند. این پرچم سرمایه داری ای بود که با پرچم ملت و یا بهتر است بگویم با پرچم "ملت من" به حرکت در آمده بود. سرمایه داری با کمک ناسیونالیسم توانست خود را در چارچوبه های کشوری بعنوان یک سیستم سیاسی و اقتصادی و اجتماعی بطور همه جانبه ای مستقر کند و موانع عشیرتی و قومی و فئودالی را کنار بزند. در عین حال سرمایه داری به کمک ناسیونالیسم تضادهای طبقاتی را تحت الشعاع مصالح سرمایه قرار داد و از این طریق

## ناسیونالیسم یک جنبش ارتجاعی است! کاظم نیکخواه

ما هنوز شاهد تعصبات و کشتارهای فجیعی هستیم که اساس آن روی تعصبات ملی و قومی است.

اما نباید فکر کرد که عوارض ناسیونالیسم فقط مربوط به دامن زدن به تخصصات در خارج مرزهاست و ملی گرایی عوارض داخلی ندارد. برعکس جنبه داخلی آن میتوان گفت مهمتر و اساسی تر است. در چارچوبه های داخل کشوری هرروز وسیعا چماق ملت و "منافع و مصالح ملی" برای عقب راندن مردم و انسان گرایی و آزادیخواهی و ضدیت با استثمار و حقوق کارگران و مردم مورد استفاده قرار گرفته و میگیرد.

این را هم باید تاکید کنم که ناسیونالیسم و تهاجمات سرمایه داری در مقابل خود به جنبشهای ملی مردم تحت ستم نیز دامن زد. از قرن نوزده ما با پدیده هایی بنام "ستم ملی"، "مساله ملی"، "تبعیضات ملی" و امثال اینها روبرو میشویم و این نوع عبارات وسیعا وارد زبان و فرهنگ عمومی میشود. چونکه مردم زیادی در سطح جهان محکوم به الحاق اجباری به ملت‌های غالب و کشورهای پیروز شدند

و بعنوان "اقلیتهای ملی" زیر تبعیض و ستم و سرکوب و بی حقوقی قرار گرفتند. و از دل این شرایط در اواخر قرن نوزده و بویژه در اوایل قرن بیست جنبشهای ملی رهایی بخشی نیز شکل گرفت که بسیاری از آنها به پیروزی منجر شد و دولت-ملت‌های تازه ای را شکل داد. نکته مهم در این رابطه اینست که این جنبشها هم عملا فقط محمل گسترش سرمایه داری در قلمروهای مربوط به خود بودند و نه چیزی بیشتر.

**خلیل کیوان:** جریانات ناسیونالیستی در ایران، اعم از اینکه در حاکمیت باشند و یا اینکه در آپوزسیون قرار گرفته باشند، چه ستمگر باشند و یا تحت ستم، چه آنها که قوم پرست و یا فاشست اند و یا آنها که ناسیونالیسم ملایم تری را نمایندگی می کنند، چه تاثیراتی در جامعه دارند؟ این جریانات چه تاثیراتی بر مبارزات مردم و اتحاد آنها علیه جمهوری اسلامی و برای رسیدن به آزادی و رفاه دارند؟

**کاظم نیکخواه:** هیچوقت مثل این دوره ناسیونالیسم بی ربطی و دشمنی خود به حقوق انسانی را جلوی چشم نگذاشته است. درست در شرایطی که به یمن انقلاب عظیم ارتباطاتی و مدیای اجتماعی بشریت سراسر دنیا

وسیعا به هم پیوند برقرار کرده و مرتبط شده و همبستگی جهانی پیدا کرده است، ناسیونالیستها کارشان برجسته کردن مرزهای قومی و ملی و کشوری و جداییهای ملی است. جریانات ناسیونالیست ایرانی از این نظر کراهت خود را بیشتر از جاهای دیگر جلوی چشم میگذارند. چونکه جامعه ایران جامعه ای بسیار پویاست و مردم بسیار متحد و رزمنده و ضد حکومتند. بی ربطی ناسیونالیستها به مبارزات مردم این دوره بسیار آشکار است. اگر دقت کنید همه جریانات ناسیونالیست درست در اوج مبارزات مردم علیه جمهوری اسلامی، چشمشان به دهان بوش و ترامپ و رژیم چنج و سیاست دولت عربستان و دولتهای ارتجاعی است. این معنای ناسیونالیسم و تمامیت ارضی آنهاست. طیف سلطنت طلب و ناسیونالیسم عظمت طلب پروغرب در بحبوحه گسترش مبارزات گسترده اجتماعی که مردم به تمرکز روی حقوق رفاهی و آزادیهای سیاسی نیاز دارند، تمام تبلیغاتشان حول و حوش پرچم و خاک و تمامیت ارضی و نام خلیج فارسی و کوروش و رضا شاه دور میزند. و تلاش میکنند مردم را به جای مبارزه برای خواستههای اساسی انسانی

## ناسیونالیسم یک جنبش ارتجاعی است! کاظم نیکخواه

شان به این نوع تبلیغات و تفکرات عقب مانده و عقب برنده سوق دهند. قوم پرستان هم مدام هویت‌های قومی را باد میزنند و تقلا و تلاششان اینست که کارگران و مردم آذربایجان و کردستان و اهواز و بلوچستان را از بقیه مردم جدا کنند و به جای هویت‌های انسانی و اشتراکات طبقاتی، مردم را تابع هویت‌های قومی نمایند. این تلاشها بشدت ارتجاعی است و ذره ای به حقوق مردم این مناطق و تبعیضاتی که علیه آنها میشود ربط ندارد. بلکه تلاشی برای دور کردن مردم از یکدیگر است. عملاً گسترش مبارزات کارگران و معلمان و بازنشستگان و دانشجویان برای حقوق سراسری خود تقابلی با جریانات ناسیونالیست هم هست. جریانات ناسیونالیست هیچ ربط و جایگاهی در این مبارزات ندارند. هرچا هم که حضور و دخالتی داشته اند، عملاً نقشی مخرب داشته اند و شعارهای انحرافی ای را وارد مبارزات مردم کرده اند.

روشن است که بخشهایی از مردم به دلیل انتسابشان به قوم و ملت و مذاهب معین، تحت ستم و تبعیضات فرهنگی

و اقتصادی و سیاسی قرار دارند. و همین ها دستمایه جریانات قومی برای پیوند برقرار کردن با این مردم است. راه اصلی مقابله با این جریانات ارتجاعی نیز اساساً تاکید روی حقوق برابر همه مردم و منزلت و رفاه برابر برای همه مردم و هم سرنوشتی مردم مستقل از انتسابشان به این یا آن قوم و ملت است. به این مردم باید نشان داد که از دل ناسیونالیسم یک ذره رفاه و حقوق مردمی و آزادی مردمی حاصل نمیشود. حتی اینطور نیست که دموکراسی و حقوق صنفی و سیاسی معینی که مردم در برخی کشورهای سرمایه داری بدست آورده اند از برکت ناسیونالیسم یا سرمایه داری بوده است. برعکس کارگران و مردم با دولتهای ناسیونالیست و سرمایه داران حاکم جنگیده اند و مبارزه کرده اند و حقوقی را به آنها تحمیل کرده اند.

**خلیل کیوان:** و بالاخره نقد و مبارزه با ناسیونالیسم چرا لازم است؟

**کاظم نیکخواه:** با آنچه گفتم باید روشن باشد که ناسیونالیسم جریانی ضد آگاهی، ضد همبستگی مردم و ضد پیشروی و آزادی مردم است. درست در شرایطی که دنیا به هم پیوند خورده است ناسیونالیستها مردم را از هم

جدا میکنند. درست در شرایطی که علم و پیشرفت جای برجسته ای پیدا کرده است، ناسیونالیستها مشغول تعصب پراکنی و خاک پاشیدن به چشم مردم هستند. ناسیونالیسم و مذهب دست در دست هم کارشان تعصب پراکنی و دامن زدن به تفرقه و ضدیت با آگاهی و پیشروی مردم است. در ایران مذهب بشدت منفور و مطرود شده است و فکر میکنم با سرنگونی جمهوری اسلامی دیگر مذهب و اسلام نقشی قابل توجه در سیاست در ایران نخواهد داشت و جنبش گستره ضد مذهبی کار آنرا یکسره خواهد کرد. اما آگاهی عمومی در قبال مضرات و آسیبهای ناسیونالیسم و قوم گرایی هنوز کافی نیست و باید بسیار بیشتر در این رابطه کار کرد. به دلیل سلطه طولانی دولتها و جریانات ناسیونالیستی از نظر سیاسی، تفکر و سنتها و گرایش ناسیونالیستی در تفکرات بسیاری از مردم و حتی خیلی از جریانات سیاسی مدعی چپ رسوخ کرده و ماندگار شده است.

باید ضدیت ناسیونالیسم با علم، با آگاهی مردم و با پیشروی و حقوق انسانی را با اشاره به تجربیات تاریخی نشان داد. همین الان نگاه کنید ناسیونالیسم کرد در کردستان عراق چه منجلاپی را ایجاد



## ناسیونالیسم یک جنبش ارتجاعی است! کاظم نیکخواه

کرده است. یک عمر بخشهایی از مردم اسیر توهمات ناسیونالیستی بوده اند و آرزویشان این بوده است که احزاب ناسیونالیست خودی سرکار بیایند. الان که اینها میدان پیدا کرده اند کاری جز دزدی و ثروت اندوزی و سرکوب مردم انجام نداده اند. و این روزها شاهد تظاهرات عظیم مردم کردستان عراق علیه همه جریانات ناسیونالیست کرد هستیم و حکومت عراق و

با توجه به همه اینها برای اینکه مردم، همه مردم متحدانه از شر جمهوری اسلامی و تفرقه ها و جنگها و جدایی ها و تبعیضات خلاص شوند، باید ناسیونالیسم و قوم گرایی را فعالانه افشا و منزوی کرد و مردم را با حقوق پایه ای رفاهی و سیاسی و انسانی خود مجهز نمود. این پادزهر ناسیونالیسم است. هرچه مردم به منافع پایه ای خود و به مصالح طبقاتی خود آگاهتر باشند، ناسیونالیسم بیشتر به انزوا کشیده میشود.

شنبه، ۲ دی، ۱۳۹۶

جمهوری اسلامی هم از این فضا برای تعرضات بیشتر به مردم کردستان سوء استفاده میکنند. به تجربه جریانات ناسیونالیستی در خود ایران هم تا آنجا که نقشی در سیاست داشته اند نگاه کنید. یک ذره شاهد دفاع بی آزارترین ناسیونالیستها از حقوق مردم نیستیم. اینها نگاهشان به سیاستهای ارتجاعی ای مثل "رژیم چنج" و به فاشیستهای مرتجعی مثل بوش و ریگان و ترامپ است که به قدرت و نان و نوایی برسندشان.

## ائتلاف نامیمون قوم پرستان و ناسیونالیستها

کاظم نیکخواه

شنبه، ۱۱ آذر، ۱۳۹۶

"شورای دموکراسی خواهان ایران" نام جدیدی است که ظاهرا بی آزار بنظر میرسد. این ائتلاف یک هفته ای پیش به تاریخ ۱۸ نوامبر با انتشار بیانیه ای اعلام موجودیت کرد. اما هم ترکیب شرکت کنندگانش و هم زبان و ادبیاتی که بکار برده است کاملا از اهداف نامیمون این ائتلاف کذایی پرده بر میدارد. تاکیداتی که این جریان در مورد مسائل سیاسی بکار

دارند. حزب "تضامن دموکراتیک اهواز" علنا و صریحا مداح خانواده سعودی و ملک بن سلمان است و در میان این جمع نامش دیده میشود. بقیه هم کارنامه بهتری ندارند. کومه له عبدالله مهندی و "جبهه دموکراتیک" طبرزدی، حزب دموکرات کردستان و "کانون فرهنگی سیاسی آذربایجان" و "حزب مردم بلوچستان"، کانون فرهنگی سیاسی ترکمن، جبهه متحد بلوچستان، حزب اتحاد بختیاری و لورستان (نحوه نگارش از خودش است) هم نامهایی بعضا آشنا در میان جریانات قوم گرا و ناسیونالیست را نشان میدهد. اینها دور هم جمع شده اند و "شورای دموکراسی خواهان"

برده است از همین ابتدا این را برای هرکسی برملا میکند که این جماعت به رگه اپوزیسیون قوم گرا و راست و ناسیونالیست تعلق دارند که تلاش میکنند از آب گل آلود روی کار آمدن ترامپ در آمریکا و شکاف میان عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ماهی بگیرند و با سرهم بندی کردن این نوع ائتلاف تلاش کنند به بازیگر سیاست این دولتها تبدیل شوند.

در میان شرکت کنندگان در این شورای کذایی جریاناتی قرار دارند که علنا مداحی ملوک عربستان در سایتها و نوشته هایشان دیده میشود و تبلیغاتی آشکارا قوم گرایانه به نفع "خلق" عرب و کرد و بلوچ

## ائتلاف نامیمون قوم پرستان و ناسیونالیستها کاظم نیکخواه

را تشکیل داده اند. سوال اینست که آیا اینها واقعا شورایی ایجاد کرده اند یا واقعا کمپین و کارزاری برای ایجاد دموکراسی میخواهند در ایران پیش ببرند؟ هیچ بحث و نکته و نشانی از دموکراسی خواهی نیم بند نیز در بیانیه و وجناتشان دیده نمیشود. نه نشانی از ایجاد یک حزب و جبهه و تشکل مبارزاتی حتی راست دیده میشود، نه منشور و برنامه ای دارند و نه بیانیه و قرار و مداری برای تداوم تلاشهایشان دیده میشود. تاکید این جماعت بر عبارات "فدرالیسم" و "حفظ یکپارچگی ایران" کل جایگاه ناسیونالیستی و قومی شان را برملا میکند. "فدرالیسم" و "یکپارچگی ایران" در عین حال کنه نفاقها و جنگهای آتی این جریانات را هم برملا میکند. نانی به یکدیگر قرض داده اند تا فعلا در کنار هم باشند اما اگر روزی مهارشان در ایران رها شود معلوم نیست که چه جنگ و کشتار و سناریوی سیاهی را باید شاهد باشیم.

بیانیه اینها از ابتدا چنین اعلام میکند: "شرایط نابسامان و بحرانی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی خطیری که بعد از قریب ۴ دهه بر ایران توسط رژیم جمهوری اسلامی بر

کشور تحمیل شده، این امر توأم با سوء مدیریت در اداره کشور، چپاول و غارت اموال و ثروت ملی، و تزییع و پایمال نمودن حقوق حقه مردم، موجب ظهور جنبشهای اجتماعی گسترده‌ای در جامعه شده و رژیم را با خطر جدی سقوط روبرو کرده است."

مشکلشان "سوء مدیریت" و "خطر جدی سقوط رژیم" است. بخاطر این دور هم جمع شده اند. اما همچون همه کسانی که از مبارزات مردم هیچ خبری ندارند و اوضاع جامعه را نمیشناسند وقتی به مبارزاتی که حکومت را دارد "به سقوط میکشد" میرسند به زبان سیاسی الکن و مهجوری سخن میگویند که ربطی به مبارزه مردم ندارد. میگویند "مبارزات درون مرزی بدلیل نداشتن رهبری و انسجام و هم پیوستگی امکان دارد توسط رژیم ضد مردمی و ددمنش به خون کشیده شوند". یک درهم برهم گویی مضحک و تمام عیار و ادای سیاسی بودن و درگیر مبارزه بودن را در آوردن به شیوه عقب ماندگان سیاسی! معلوم نیست که مبارزه ای که نه

انسجام دارد و نه رهبری و نه بهم پیوستگی اولاً چگونه جمهوری اسلامی را با "خطر سقوط" نزدیک کرده است و ثانياً اگر جمهوری اسلامی آنقدر ضعیف و در حال سقوط

است چگونه قدرت بخون کشیدن مبارزات مردم را دارد. کسی که از اوضاع جامعه ذره ای خبر داشته باشد میفهمد که در این جامعه هرروز کارگران و معلمان و بازنشستگان و مالباختگان و دانشجویان و بخشهای مختلف مردم دارند برای گرفتن حقوق خود تجمع و راهپیمایی و اعتصاب و اعتراض و مبارزه میکنند. حکومت اسلامی در برابر این مبارزات صفوفش بهم ریخته است و در کل موضعی تدافعی دارد و فعلا بهیچوجه در موقعیتی نیست که بتواند مبارزات مردم را به خون بکشد.

اینها به شیوه همه راستها جمهوری اسلامی را "دیکتاتوری ولی فقیه" معرفی میکنند نه حکومت مذهبی و سرمایه داری. در عین حال برای اینکه "خطر سقوط" حکومت را تهدید میکند دور هم جمع شده اند که از "مبارزات درون مرزی به شیوه مسالمت آمیز" پشتیبانی کنند. این عبارت "مسالمت آمیز" هم در بیانیه این جماعت خواص ویژه خودرا دارد. مساله شان صرفا مخالفت با انقلاب آتی مردم نیست. روشن است که اینها ناسیونالیست و قوم پرستند و ضد هرگونه انقلابی هستند. اما اینجا اساسا میخواهند با همان "تروریسم" مرز بندی کنند و از این نظر به "ائتلاف ضد تروریسم" کذایعلیه جمهوری

## ائتلاف نامیمون قوم پرستان و ناسیونالیستها کاظم نیکخواه

ریشه ای خود متحدانه تر علیه حکومت مبارزه میکنند، جریانات راست و ناسیونالیست و قوم گرا بیشتر احساس خطر میکنند و از مردم دور میشوند. در این فضا این جریانات بیشتر به اصل خود نزدیک میشوند. به عبارت دیگر بیشتر به تقلای تبدیل شدن به بازیگر سیاست دولتهای ارتجاعی و بند و بست های سیاسی و پرسه زدن در دالانهای دیپلماسی و انتظار کشیدن برای رژیم چنج و امثال اینها می افتند.

در این روند نیز واقعیت نشان داده است که هرروز دچار تشتت و اختلافات بیشتر میشوند، پراکنده تر و بی افق تر میشوند و بیشتر از یکدیگر فاصله میگیرند.

سرنوشت شورای ملی رضا پهلوی یک نمونه از این نوع ائتلافهاست که به امید جلب توجه دولتها تشکیل شد اما بعد از یک سال نتیجه اش دامن زدن موجی از فحاشی های بسیار نازل سلطنت طلبان علیه یکدیگر شده است. ائتلاف کذایی "شورای دموکراسی خواهان" نیز بعید است که نتیجه و سرنوشت بهتری داشته باشد و به سرنوشت ائتلافهایی نظیر "شورای ملی" رضا پهلوی، یا "مجمع ها" و "شوراهای" قوم گرا و ناسیونالیست دیگر دچار نشود. ■

میدانند و دیده اند و جنایات جمهوری اسلامی بهیچوجه باعث خصومت مردم منطقه نسبت به مردم ایران نشده است. ثانيا کسی که بطور جدی میخواهد از رنج و مشقات مردم سوریه و عراق و یمن سخن بگوید نمیتواند جنایات غیر قابل انکار جمهوری اسلامی را ببیند اما جنایات ایضا غیر قابل انکار و تروریستی و ارتجاعی دولتهای عربستان و ترکیه و آمریکا را نبیند. این جماعت حسابگرانه و عامدانه یک ذره به این دولتها اشاره ای نمیکند. حتما بهانه شان هم اینست که داریم بیانیه ای در مورد جمهوری اسلامی و ایران مینویسیم. اما این بهانه ای بیش نیست.

حتی وقتی از جمهوری اسلامی سخن میگویند نیز تمام تاکیداتشان بر سیاستهای منطقه ای جمهوری اسلامی است. کل جهت گیری اینها نشان میدهد که مساله همان سرهم بندی کردن یک ائتلاف راست و روی کاغذ برای جلب الطاف ملک سلمان و ترامپ و امثالهم است.

کلا هرچه فضای جامعه علیه جمهوری اسلامی رزمنده تر میشود و مردم ایران بیشتر نسبت به حقوق پایه ای خود آگاه میشوند و برای خواستههای پیشرو و حقوق انسانی و

اسلامی سیگنال بدهند و هم آواز شوند. این کنه تجمع این جماعت است. و همین جنبه است که این تجمع را به تجمعی دست ساز و هدایت شده توسط دولتها تبدیل میکند.

در همین راستاست که ما با عباراتی از این دست که گویا مردم کشورهای منطقه به دلیل سیاستهای جمهوری اسلامی با هرگونه ایران و ایرانی دشمن شده اند روبرو میشویم. " نظام ارتجاعی ولایت فقیه علاوه بر سرکوب مردمان و ملیت های ساکن ایران، با انگیزه بسط و گسترش حوزه نفوذ خود در کشتار و قتل عام دیگر ملت های بی گناه کشورهای منطقه، از جمله سوریه، لبنان، عراق، یمن و لبنان و سرانجام اقلیم کردستان عراق، دشمنی این ملل با ایران و ایرانی را موجب شده است"

این واقعیتی است که جمهوری اسلامی سیاستهای کثیف و جنایتکارانه ای را در عراق و سوریه و یمن و کشورهای بیگر علیه مردم این کشورها به پیش میبرد. اما همه مردم دنیا تفاوت اساسی میان مردم ایران و جمهوری اسلامی را

## تجمع اعتراضی کارگران کارخانه ماشین آلات صنعتی تراکتور سازی تبریز

در تاریخ یکشنبه 26 آذر، خبرهای درج شده در رسانه ها، حاکی از تجمع اعتراضی کارگران کارخانه ماشین آلات صنعتی تراکتور سازی تبریز است. این خبر در ادامه خبر پلمب کارخانه و بلا تکلیفی 220 کارگر این کارخانه رسانه ای شده است. شورای اسلامی در رابطه با این تعرض آشکار به معیشت 220 کارگر و زندگی بیش از هزار و دویست انسان در جهنم بی حقوقی اقتصادی، عملاً در خدمت کارفرما و دولت قرار دارد.

چنین اخباری در مورد کارخانجات در ایران و آذربایجان

کارگران است. اعتراض متحدانه برای احقاق حقوق از دست رفته، راهی است که در برابر ما کارگران در ایران و آذربایجان قرار گرفته است. با اعتراض متحدانه و بویژه به همراه خانواده هایمان و در برابر دفتر کارخانه، اداره صنایع، استانداری و فرمانداری تبریز و اشکال دیگر اعتراضی باید برای دفاع از زندگی خود و خانواده هایمان اقدام کنیم. راه مقابله با این وضعیت ادامه اعتراض متحدانه در اشکال متنوع است.

### کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران

26 آذر ماه 1396 برابر با 17  
دسامبر 2017

در طول 10 سال گذشته بیش از پیش شنیده میشود. رژیم جمهوری اسلامی در بن بست اقتصادی و سیاسی قرار دارد. در متن این بن بست اقلیتی مفتخور پول پارو میکنند اما آثار و عواقب سنگینش را فقط کارگران و مردم محروم جامعه تحمل میکنند. پلمب کردن کارخانه و بلا تکلیف کردن کارگران یکی از راههایی که رژیم اسلامی انتخاب کرده است تا به قیمت خانه خراب کردن کارگران آنها را از اعتراض بحقشان محروم کنند.

### کارگران کارخانه ماشین آلات صنعتی تراکتور سازی!

کار مناسب با دستمزدی بسیار بالاتر از خط فقر، بیمه بیکاری مکفی و داشتن یک زندگی انسانی حق مسلم همه



زنده باد انقلاب انسانی برای جامعه انسانی

اساس سوسیالیسم انسان است

## اذیت و آزار شهروندان به "جرم" بهایی بودن ممنوع!

عوامل جمهوری اسلامی اخیراً باز هم شروع به اذیت و آزار شهروندانی در تبریز به "جرم" باور به بهائیت کرده اند. در تبریز محل کسب و کار ۹ شهروند به این "جرم" طی هفته های اخیر از سوی ماموران اداره اماکن عمومی استان آذربایجان شرقی پلمب شده است. اسامی شهروندانی که محل کسب و کارشان از طرف ماموران جمهوری اسلامی پلمب شده است عبارتند از: بهمن معجزاتی، خیرالله بخشی، پرهام صابری، تورج میثاقی، انیس حکمران، شهریار خداپناه، کامبیز میثاقی، نادر نورمحمدی، پیام ظفریاب.

این رفتار عوامل جمهوری

اسلامی با این بخش از شهروندان چیزی جز تجاوز آشکار به حقوق شهروندان و آزادی عقیده و توهین به کل جامعه نیست. این فاشیسم اسلامی است، فاشیسمی که روزی به بهانه اعتقاد به بهائیت یا باور به دین زرتشتی، و روزهای دیگر مردمی را که به هیچ دینی باور ندارند مورد اذیت و آزار قرار میدهد و آنها را از ابتدایی ترین حقوق شهروندی محروم میکند. اسم حکومتی را که احکام و قوانین اش را از باورهای ۱۴۰۰ سال پیش استخراج میکند و میخواهد آنها را بزور بر مردم تحمیل کند جز فاشیست مذهبی چیز دیگری نمیتوان گذاشت.

امروز بار دیگر بپا خواهد خواست و جامعه ایران را از چنگ حکومت اسلامی نجات خواهد داد.

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران از همه مردم شهر تبریز و هم شهروندان آزادیخواه میخواهد که ضمن نشان دادن احساس همدردی با شهروندانی که به "جرم" بهائیت مورد آزار قرار میگیرند، به رفتار ضد انسانی مسئولین اداره اماکن استان اعتراض کنند و در دفاع از متساوی الحقوق بودن همه شهروندان، خواهان برداشته شدن پلمب از محل کسب و کار این شهروندان شوند.

**کمیته آذربایجان حزب  
کمونیست کارگری ایران**

۲۶ آذر ۱۳۹۶، ۱۷ دسامبر  
۲۰۱۷

ولی علیرغم تمام تلاشهای جمهوری اسلامی، جامعه ایران اسلامی بشو نیست. زوزه های مرگ این هیولا از هر طرف بگوش میرسد. نسل

**آزادی مذهب و بی مذهبی و جدایی کامل مذهب از دولت  
حذف کلیه مضامین و ارجاعات مذهبی و متاثر از مذهب از قوانین  
کشور**

**تبدیل مذهب به امر خصوصی افراد**

**لغو مقوله مذهب رسمی**

**لغو هر نوع ارجاع به مذهب افراد در قوانین و در اوراق هویتی و اداری  
مربوط به آنها**

**ممنوعیت انتساب افراد، فردی یا جمعی، به هر نوع تعلق قومی و  
مذهبی در اسناد رسمی، رسانه ها و غیره!**

کمونیست کارگری ایران ضمن حمایت از مبارزه شما کارگران راه آهن از کارگران بخشهای مختلف، از مردم تبریز دعوت میکند که به هر شکل ممکن حمایت و همبستگی خود را با مبارزه حق طلبانه شما اعلام کنند.

**زنده باد مبارزه بحق کارگران راه آهن  
تبریز!**

**زنده باد همبستگی طبقه کارگر علیه  
سرمایه داران حاکم!**

**کمیته اذربایجان حزب کمونیست  
کارگری ایران**

27 آذرماه 1396 -- 18 دسامبر 2017

## تجمع اعتراضی کارگران راه آهن تبریز و جلوگیری از حرکت قطار تبریز - مشهد!

روز یکشنبه 26 آذرماه 1396، تجمع کارگران راه آهن تبریز در اعتراض به عدم پرداخت حقوقهایشان منجر به جلوگیری این کارگران از حرکت قطار مسافری تبریز به مشهد گردید.

کارگران دستنوشته‌هایی در دست داشتند که روی آنها نوشته است: "امنیت شغلی نداریم"، "حقوق و مزایا نگرفته‌ایم"، "بیمه‌هایمان پرداخت نشده" و "حقوق‌هایمان را میخواهیم!"

عدم دریافت حقوق و مطالبات کارگری یکی از مهمترین و سراسری ترین موضوعات اعتراض کارگران است. در حالیکه در بودجه سال آینده حکومت سرمایه داران، میلیاردها دلار برای فربه کردن دستگاه سرکوب و خرافه پراکنی در نظر گرفته شده است، کارگران حقوق زیر خطر فقر خود را هم دریافت نمیکنند.

### کارگران راه آهن تبریز!

شما کارگران قادرید که با اعتراضات مداوم و متحدانه و بویژه با همراهی خانواده هایتان تعرض به حق و حقوقتان را با تعرض متقابل پاسخ دهید و حقتان را از حلقوم دولت اسلامی سرمایه داران بیرون بکشید.

کمیته اذربایجان حزب



کارگران و مردم می‌خواهد که از مبارزه و اعتراض کارگران فولاد ارومیه و کمباین سازی تبریز حمایت کنند. در تجمعات اعتراضی شان در مقابل ادارات دولتی و کارخانه ها در کنار این کارگران شرکت کرده و اعتراض کنید. امروز دفاع از این کارگران دفاع از زندگی همه مردم است.

حقوق و مطالبات کارگران فولاد ارومیه و کمباین سازی تبریز باید فوراً پرداخت گردد. همه کارگران اخراجی باید از بیمه بیکاری مکفی برای یک زندگی انسانی برخوردار شوند. برای رسیدن به این خواستها باید به مبارزه ادامه داد.

### کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران

۷ دیماه ماه ۱۳۹۶ برابر با ۲۸ دسامبر ۲۰۱۷

و راهی کوچه و بازار کرد». کارگران گروه فولاد ارومیه و کمباین سازی تبریز!

همانطور که در طول ماههای گذشته تجربه کرده اید، قول و وعده و وعید های مسئولین دولتی و کارفرما پوچ و بی پایه است. باید به اعتصاب و اعتراض خیابانی پیگیرانه ادامه داد. با همراهی خانواده هایتان و همراهی سایر مردم و کارگران در این اعتراض، میتوانید دولت و مسئولین را وادار به عقب نشینی کرده و حقوقتان را از حلقوم سرمایه دار و دولت اش بیرون بکشید. نفس اعتراض امروز شما از زندگی برمیاید. برای کارفرما و دولت حامی سرمایه دار زندگی شما و خانواده تان اهمیتی ندارد. باید به مبارزه تان با قدرت ادامه دهید.

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن حمایت از مبارزات شما، از همه

## تجمع اعتراضی کارگران گروه فولاد ارومیه و کمباین سازی تبریز

بنا به خبر درج شده در رسانه ها، در تاریخ ۶ دیماه کارگران کارخانجات گروه فولاد ارومیه و کارگران کمباین سازی تبریز در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مطالبات معوقه شان، دست به تجمع اعتراضی در مقابل استانداری ارومیه و درب کارخانه کمباین سازی زدند. این کارگران به رسانه ها اعلام کرده ند که :

"دیگر از سر دادن وعده های پوچ و توخالی مسئولان خسته شده ایم"

"هیچ می دانند زمانی که کودکانمان گرسنه می خوابند حالمان چگونه است؟"

«سازمان (توقیف) اوقاف کارخانه کمباین سازی را توقیف و کارگران مظلوم آن را در به در



پلمپ کارخانه کمباین سازی تبریز توسط سازمان اوقاف و بیکار شدن کارگران

## کالبد شناسی یک زلزله!

### تقابل دو جنبش، انسانیت در برابر توحش اسلامی!

فراز آزادی

27 دسامبر 2017

زلزله ای مهیب شامگاه روز یکشنبه 21 آبان ماه 96 منطقه غرب کشور را درنوردید. به موهبت اینترنت و مردمی که از این وسیله در جهت ایجاد ارتباط باهمدیگر و تشکیل خبرنگار مردمی خارج از اختیارات دولتی از آن استفاده میکنند، تنها دقایقی پس از وقوع زلزله، مردم در سطحی گسترده باخبر شده و حمایت های وسیعی را از زلزله زدگان صورت گرفت. در این نوشته کوتاه به جنبه های مختلفی از این زلزله میپردازم و در نظر دارم بنوعی یک کالبد شکافی جامعه شناسانه از این اتفاق ارائه دهم. امید که بتوانم حق مطلب را آنطور که باید ادا کنم.

### • سرعت باخبر شدن مردم از زلزله

این زلزله از نظر خبر رسانی در نوع خود بینظیر بود. تنها دقایقی از وقوع زلزله نگذشته بود که همه مردم ایران و دنیا از وقوع آن باخبر شدند. سابق بر این مردم گوش و چشمشان به رسانه های رادیوتلوویزیونی

بقدری چشمگیر بود که رژیم آچمز شده و قادر به مقابله با آن نگردید. رژیم بشدت خود را در برابر این جنبش انسانی تنها دید و مردم در این زمینه سنگ تمام گذاشتند.

### • ارتباط سریع فعالین سازمانها و احزاب از خارج و داخل برای همکاری در کمکسانی و جلب حمایت از مردم

با استفاده از امکانات مدیای اجتماعی، فعالین سازمانها و احزاب سیاسی و مدافع حقوق انسانی نیز در امر خبررسانی به دنیا و جلب حمایت ایرانیان مقیم خارج و سایر مردم دنیا سریع عمل کردند و نقش زیادی در بیان واقعیات جامعه ایران و تقابل بین مردم و رژیم داشتند و نشان دادند که رژیم به امر کمک رسانی و سرنوشت مردم زلزله زده اهمیتی نمیدهد و تنها بدنبال حفظ آبروی از دست رفته اش است.

### • عکس العمل اعتراضی مردم از روز اول حادثه به مسئولین و دولت و برجسته بودن ان نسبت به زلزله های قبلی

از همان ساعات اولیه، مردم مناطق زلزله زده، در برابر دوربین های خبرنگاران مردمی که تلفن های همراهشان قادر به انعکاس تصویر و صدای مردم آسیب دیده بود، تمام قد

دوخته میشد و حداکثر به ارتباطات تلفنی بین مردم منطقه بسنده میکردند. ولی اینبار مردم در استفاده از مدیای اجتماعی انقلابی را رقم زدند. این نوع سبک کار بکارگرفته شده از طرف فعالین جنبشهای اجتماعی درگیر در جامعه ایران، نوید آینده ای بس درخشان در کاربست مدیای اجتماعی در هدایت اعتراضات اجتماعی را میدهد. استفاده از رسانه هائی مانند فیس بوک ، تلگرام ، واتساپ و اینستاگرام برای و خبر رسانی و ارسال فیلم مناطق زلزله زده و اقدامات برای کمک رسانی و وضعیت مردم منطقه و شهرهای درگیر جمع اوری کمک بیسابقه بوده و نشان از تحولی چشمگیر در جامعه ایران از این منظر میباشد.

### • دست بکاری شدن فعالین تشکلهای جنبش های اعتراضی نظیر جنبش معلمان و کارگران و جوانان

اولین خبر رسانی ها را فعالین جنبش معلمان آغاز کردند. با چند ساعت فاصله فعالین جنبش های کارگری، جوانان و زنان میداندار این عرصه از فعالیت اجتماعی برای جلب کمک رسانی و خبر رسانی از وضعیت مردم، امار خانه های تخریب شده و مردم آسیب دیده و غیره شدند. این تحرک

## کالبد شناسی یک زلزله فراز آزادی

منازل تخریب شده و خسارات جانی و مالی ناشی از آن نشان میداد که اگر مردم در خانه های غیر استاندارد زندگی میکنند، علت اش وجود رژیم سرپا دزد و غارتگر و حامی سرمایه دار است. چه آنجا که منازل گاه گلی و روستائی و حاشیه شهرها و چه آنجا که ساختمانهای ساخته شده توسط دولت یعنی ساختمانهای مهر، نشان از جاپای رژیمی است که کوچکترین توجهی به سرنوشت زندگی و مسکن مردم نداشته و ندارند. بدرستی در ابعاد صدها هزاران نفره رژیم مسئول جان و مال مردم قلمداد شد.

### • تقابل جنبش انسانی حمایتها و کمکهای مردمی از سرتاسر ایران و زیر سوال رفتن بیش از پیش رژیم در افکار عمومی

از فردای زلزله سیل کمکهای مردمی به مناطق زلزله زده

تلاش میکردند که کمکها را مستقیم بدست مردم آسیب دیده از زلزله برسانند. تنها کمکهای برخی شهرها که کمکهایشان از طریق حلال احمر جمع شده بود، از طریق حلال احمر به منطقه و بدست مردم رسید. رژیم عملا در تقابل نظامی برای جلوگیری از بی آبرویی بیشتر در برابر جنبش انسانی جمع آوری و کمکرسانی به زلزله زدگان عرصه را به مردم باخت.

### • زلزله به مثابه اتفاقی طبیعی ولی خسارات جانی و مالی غیر طبیعی

همه جا از زلزله به مثابه اتفاقی طبیعی صحبت میشود، ولی تبعات آن، خسارات جانی و مالی را همگان غیر طبیعی ارزیابی کرده و باعث و بانی آنرا بدرستی متوجه رژیم میدانستند. عکسهای پخش شده در رسانه ها و بویژه در فضای مجازی که دیگر باید، فضای واقعی دانست، واقعیات نهفته در آنرا نشان بیرون داد.

ایستاده و صدایشان را رو به مردم ایران و جهان رسانند. با صدای بلند اعلام کردند که کو مسئولین دولتی؟ کو حلال احمر و ادارات ذیربط و کو مامورین ستاد بحران؟ همان روز اول از دولت و مسئولین اش آبرویی نماند و بیش از پیش بیآبروتر شدند. رژیم تنها راه را در دخالت نظامی در مناطق زلزله زده دید و بلافاصله منطقه بمانند مناطق جنگی به محاصره در آمد. مردم کوچکترین محلی به این لشکر کشی بیشرمانه نگذاشته و کار خودشان را انجام دادند. مناطقی که رژیم با قرار دادن ایستگاه های کنترل و بازرسی جلوی سرازیر شدن کمکهای مردمی به زلزله زدگان را میگرفت، مردم باشکال مختلف این ایستگاهها را دور زده و



## کالبد شناسی یک زلزله فراز آزادی

آغاز گردید. در این میان یک نکته برجسته بود. مردمی که به کمک هموعان خود شتافته بودند، تلاش داشتند که کمکها مستقیم بدست مردم زلزله زده برسد. این مهم نه تنها از زبان مردم عادی، بلکه از زبان هنرمندان، ورزشکاران و حتی خودیهایشان نیز شنیده میشد. جایی که ورزشکار و گزارشگری که تا دیروز برای رئیس جمهور رای جمع میکرد و از مردم میخواست به یکی از رقبای مضحکه انتخابات رای دهند، در مقابل دوربین به این نکته تاکید میکرد که مردم، من به شما قول میدهم که کمکهایتان را مستقیماً بدست مردم زلزله زده خواهم رساند، حاکی از یک بی اعتمادی تمام عیار به رژیم جمهوری اسلامی بود. عملاً رژیم خود را در محاصره یک جنبش انسانی میدید. مردمی که از همان لحظات اول باخبر شدن، به همت فعالین جنبشهای مختلف اجتماعی، اعم از معلمین، کارگری، حقوق کودک و زنان و جوانان و افراد مستقل خیرخواه و انساندوست دست بکار شدند تا جنبش عظیم انسانی جامعه ایران را بنمایش گذاشتند. این جنبش در طول هفته ها بعد از

زلزله فعال بود و این انچنان خاری را بچشم رژیم وارد کرد که در برخی جاها اقدام به دستگیری فعالین کمک رسانی به زلزله زدگان کرد و بیش از پیش ماهیت ضدانسانی خود را نشان داد.

### • برخورد ناسیونالیستهای ترک و کرد به زلزله و زیر سوال بردن تحرک فوقالعاده جنبش انساندوستانه مردم از زاویه ناسیونالیستی!

ناسیونالیستهای ترک و کرد نیز تلاش کردند که از این فاجعه برای خود نمدی بدوزند. اینان که سیاستهایشان را در سایه نفرت و تقابل قومی و ملی تعریف و بازتعریف میکنند، عملاً بمانند رژیم تیرشان به سنگ خورد. جنبش انسانی کمک رسانی آنچنان قوی و کوبنده پیش رفت که اثری از تبلیغات سو اینها باقی نگذاشت. مردم از شهرهای مختلف آذربایجان کمک رسانی کردند و صحنه های پرشور جنبشی انسانی را نمایندگی کردند، در حالیکه ناسیونالیستهای ترک بر طبل عدم کمک رسانی مردم کردستان از زلزله زدگان ورزقان یاد میکردند. به چشم خود دیدند که برای مردم نفرت قومی و ملی معنایی ندارد و تنها انسانیت برایشان مهم است.

نکاتی که در بالا ذکر شد، تقابل جامعه ایران با روبنای سیاسی اش، با حکومت جنایتکاران اسلامی سرمایه داری را نشان میدهد. در تاریخ سیاسی ایران چنین تقابلی در نوع خود بینظیر است. جامعه ای که 37 سال است تحت سیاستهای قرون وسطائی حاکمان اسلامی قرار گرفته و عملاً مردم در یک جهنم اقتصادی و سیاسی گذران میکنند، یک زلزله چگونه پایه هایش را میلرزاند، چگونه عده ای مردم زلزله زده که همه دار و ندارشان و جان عزیزان شان از دست رفته است، به مثابه دشمن غدار در برابر رژیم سرکوبگر قد علم میکنند و با حمایت میلیونها مردم آنچنان لرزه به اندام دشمن طبقاتی شان میاندازند که فقط برای کاهش فشار اجتماعی آن رژیم وادار به لشکرکشی میشود. مردم با دستان خالی، ولی با دلی آکنده از انسانیت به جنگ رژیم میروند و سربلند از آن بیرون میآیند. فعالینی که در این نبرد، حماسه آفریدند و مردم مناطق زلزله زده با گل و شیرینی باستقبالشان رفتند، فرماندهان این نبرد حماسی بودند. آینده از آن مردمی است که میروند در نبرد واقعی شان در خیابانها کار رژیم را یکسره کنند و امروز دور نیست! ■

## کمک رسانی مردم آذربایجان به زلزله زدگان کرمانشاه

مصاحبه نشریه سهند با  
بابک شفق

**فراز آزادی:** شما از نزدیک شاهد کمک رسانی مردم تبریز به مردم زلزله زده منطقه کرمانشاه بودید، ابتدا برای ما توضیح دهید که این کمکهای مردمی و انساندوستانه در تبریز و شهرهای آذربایجان چگونه بود؟

**بابک شفق:** در ابتدا میخواهم این ضایعه را به مردم مناطق زلزله زده که عزیزانشان و خانه اند و به مردم سرتاسر ایران تسلیت بگویم و اعلام کنم که مردم تبریز و آذربایجان با کمکرسانی هایشان به مردم آن منطقه، نشان دادند که در کنار مردم آسیب دیده هستند و خودشان را در غم آنها شریک میدانند.

و اما در جواب سوال تان باید بگویم که کمک به زلزله زدگان کرمانشاه در شهرهای آذربایجان خصوصا در تبریز واقعا حیرت انگیز بود. این سطح از انساندوستی و احساس مسوولیت در قبال هممنوع واقعا برای من و خیلی ها غیر منتظره بود. وقتی به مراکز هلال احمر تبریز سری زدیم، از نزدیک این حمایت گسترده و انساندوستانه را به عینه دیدم. به نظر من واکنش مردم در چنین رویداد ها یی نشانگر اتحاد و همدلی و وجود جنبشی انسانی در جامعه ایران است .

**فراز آزادی :** جمع آوری کمکها و ارسال آنها به مناطق زلزله زده ، یک جریان خودش جوش مردمی بوده ، چگونه این جنبش شکل گرفت و عمل کرد و فضای عمومی جامعه به چه شکل بود؟

**بابک شفق:** سوال شما حاوی دو نکته است که من خلاصه وار اشاره میکنم. نکته اول اینکه اشاره شما درسته ، جنبش کمک رسانی مردم یک جریان کاملا خودجوش بود ، کارگران کارخانه ها و تولیدی ها و کارگاه های کوچک تبریز ، اصناف پاساژهای خدماتی تبریز ، تراشکاران ، ریخته گران و خیلی های دیگر، فعالانه در این کمک رسانی های بی دریغ شرکت کردند .

و نکته دوم اینکه اکثریت مردم سعی می کردند خودشان کمک ها را به زلزله زده گان برسانند. کسانی که این امکان را نداشتند، و بالاچاره به حلال احمر میدادند، با شک و تردید کمک هایشان را به هلال احمر می دادند . برای همین مدام از کارکنان حلال احمر سوال می کردند و میخواستند دقیق بدانند که کمک هایشان حتما بدست مردم منطقه خواهد رسید یا نه؟

**فراز آزادی :** در رسانه های مختلف و حتی رسانه های خود رژیم و از زبان خودی هایشان نیز خطاب به مردم کمک کننده گفته میشد که مطمئن باشید ما کمکها را مستقیما بدست مردم منطقه خواهیم داد. به نظر شما چرا چنین بود و آیا ما شاهد یک بی اعتمادی بالای مردم نسبت به

رژیم هستیم؟

**بابک شفق :** بی اعتمادی به حکومت درکمک رسانی به زلزله زده گان کاملا محسوس و بروشنی قابل مشاهده بود. اکثریت مردم چنین ذهنیتی داشتند، حتی بعضی ها رودر روی ماموران به این بی اعتمادی اشاره میکردند. بخاطر همین، رژیم در رسانه هایش به التماس افتاده بود که ما کمک ها را مستقیما می رسانیم تا اعتماد از دست رفته را بازگردانند. خصوصا این بی اعتمادی زمانی شدت پیدا کرد که رژیم خودش کمکی نکرد و فقط از مردم کمک ها را گرفت و به نام خودش به دست زلزله زده گان رساند. این نکته در فیلمهایی که از مردم منطقه در مدیای اجتماعی پخش شده ، کاملا مشهود و عیان است.

**فراز آزادی :** رسانه های جریانات ناسیونالیستی ترک، با شانتاز ضد کردی و تبلیغ منفی در خصوص لزوم کمکرسانی به مردم زلزله زده، با این ضایعه برخورد کردند. نظر شما در این مورد چیست و فکر میکنید چرا بدین شکل عمل کردند؟

**بابک شفق :** این برخورد های رسانه ای نشان داد که فاشیسم ترک، ریشه و پایگاه اجتماعی در میان مردم آذربایجان ندارد. آنها یک فرقه ضد انسانی هستند که با انسانیت در تضاد و تعارض است. جریانات فاشیستی ناسیونالیسم ترک ، کمک رسانی را محکوم کردند. آنها عنوان که نباید به کردها کمک کرد، چون کرد ها در زلزله

ورزقان کمک نکردند. در صورتیکه این دروغ وقیحانه، از اساس و پایه نادرست است. اتفاقاً کرد ها در زلزله ورزقان سنگ تمام گذاشتند و در گزارشات زلزله ورزقان درج شده است. مردم زلزله زده منطقه اهر و ورزقان شاهدان زنده این کمک ها هستند. ولی حتی اگر فرض کنیم این حرف درست باشد، باز بازداشتن انسانهایی که در حد توان شان کمکسانی کردند را کسی نمی تواند تصدیق کند و از تفاوت زبانی بهانه ای برای تبلیغ به کمک نکردن بتراشد. این نگرش و تفکرات و ضد انسانی، تنها از ذهن معیوب یک فاشیست تراوش میکند که برای عمل فوق ارتجاعی اش توجیه تهوع آور ارائه دهد. جریانات ناسیونال فاشیستی در آذربایجان در برخورد به زلزله کرمانشاه در برابر افکار عمومی جامعه، مفتضانه شکست خوردند و ماهیت فرقه ای و حاشیه ای خود را بیشتر نشان دادند.

**فراز آزادی:** در مدیای اجتماعی ما شاهد اعتراض مردم مناطق زلزله زده به مقامات و مسئولین رژیم بودیم، در اعتراض مردم به روحانی و سایر مقامات ریز و درشت عیان بود، از طرف دیگر همه جا صحبت از این بود که فقط کمکهای مردمی به یاری منطقه شتافته و عملاً دولت هیچکاری انجام نداد، به نظر شما مردم منطقه چگونه میتوانند به رژیم فشار بیاورند که مناطق آسیب دیده را بازسازی کند؟ و یا بهتر بگوئیم حششان را از حلقوم رژیم دریاورند؟

**فراز آزادی:** بازتاب زلزله کرمانشاه در سایت ها و رسانه های ناسیونالیستی در آذربایجان چگونه بود؟

**بابک شفق:** جریانات ناسیونالیستی آذربایجان زلزله کرمانشاه را بایکوت خبری کردند حتی پا را فراتر نهادند و غیر مستقیم و مستقیم این کمک رسانی ها را زیر سوال بردند. گویی کودکی که در منطقه کرمانشاه به خاک افتاده، چون ملیت اش ترک نیست، پس ارزش پرداختن به آن نیز وجود ندارد. چنین ذهنیت فاشیستی از طرف ناسیونالیستها را ما در آذربایجان شاهد بودیم، اما مردم با واکنش انساندوستانه پوزه این نفرت پراکنی ضد انسانی را به خاک مالیدند و نشان دادند انسانیت مرز نمی شناسد و هویت انسانی اساس است و تقسیم بندی انسانها در قالب قومی، مذهبی و نژادی نه تنها ضد انسانی است بلکه محکوم و مردود است.

31 ابان ماه 1396 برابر با 21 نوامبر 2017

**بابک شفق:** دولت در برخورد به این زلزله، نقش اش بیشتر و بطور واقعی، حمل نقل کمک های ارسالی و کنترل نظامی و پلیسی منطقه بوده است و به نوعی کوشش میکرد مناطق زلزله زده را از دسترس مردم دور نگه دارد تا اطلاع رسانی ها را غیرممکن سازد. به نظر من مردم منطقه مدام باید شرایط و موقعیت زندگی شان را از طریق میدیای اجتماعی از جمله تلگرام، اینستاگرام، فیسبوک اطلاع رسانی کنند تا بایکوت خبری رژیم را بشکنند و اخبار جعلی را افشا کنند. در کنار آن می توانند آسیب دیده گانی که در چادر ها اسکان یافتند را متحد کنند و بصورت جمعی اعتراض کنند و مطالبات خود را به گوش مسوولان برسانند. مطالبات مردم آسیب دیده را در میدیای اجتماعی بصورت گسترده پخش کنند. حتی در مناطق زلزله زده می توانند سه یا چهار نماینده از طرف خودشان انتخاب کنند که با رسانه های خارجی مصاحبه کنند. خلاصه از هر امکانی باید برای تحت فشار گذاشتن رژیم استفاده کرد، تا تحت فشار افکار عمومی وادار به هزینه کردن و بازسازی منطقه بکند.



## جنبش علیه خشونت بر زنان دایمی است!



شلا خباززاده

کبودی های صورت و دستها و زخمهایی بر نقاط مختلف بدن، تصاویری وحشتناک از خشونت بر زنان که به مناسبت ۲۵ نوامبر در رسانه ها انتشار یافت. اما بجز این زخم ها زخمهای بزرگتری از بسیاری دیده ها پنهان ماند. زخمی که بر ذهن و روان میلیونها زن بوجود آمده بدون آنکه به چشم دیده شود. زخم قوانین ضد زن، تحقیرها، تبعیض ها، زخم زبان ها. میلیونها زنی که بطور مدام شکنجه حجاب اجباری را تحمل می کنند؛ دختران محروم از تحصیل، محروم از بازی و ورزش و شادی؛ زنانی که مجبور به یک ازدواج ناخواسته شده و زناشویی برایشان چیزی جز تجاوز جنسی نیست؛ زنانی که تحت کنترل و جاسوسی شوهر و خویشاوندانشان هستند، تا مبدا نامحرمی را ملاقات کنند؛ زنانی که در محیط کار و حتی در خانواده مورد تعرض جنسی قرار میگیرند؛ زنانی که حق

نگهداری و حتی حق ملاقات فرزندانیشان از آنها سلب شده است، این نمونه هایی از جراحات های التیام نیافتنی بر پیکر صدها میلیون زنانی است که قانونا و رسما با آنها بعنوان نیمه انسان و حتی شیء قابل تملک رفتار میشود.

تحقیر زنان را در ادبیات و در فرهنگ روزمره و رایج به فراوانی می توان دید. در این فرهنگ زن به عنوان یک موجود ناچیز تلقی میشود. با غرور و تبختر اعلام می کنند که از "زن کمترم اگر فلان کار را انجام ندهم" و یا "مردانه قول می دهم که کاری را انجام دهم". در کتابهای درسی زن موجودی ضعیف است که مهمترین وظیفه اش بدنیا آوردن بچه و انجام کارهای خانگی است و مرد لطف می کند و غذا و پوشاک و سرپناه او را تامین می کند.

خشونت بر زنان سابقه ای بسیار طولانی دارد؛ زن ستیزی همواره یک امر بدیهی و پذیرفته شده در ادیان قدرتمند نظیر یهودیت و مسیحیت و اسلام بوده است. از اینرو ریشه ای عمیق در جوامع مختلف دنیا دارد. نه فقط در کشورهایی که حکومت های مذهبی دارند بلکه حتی در کشورهای مدرن که سکولاریسم پایه های قوی در آنها دارد، زن ستیزی امری رایج است. جنبشی که در ماه اکتبر تحت نام "من

نیز" و "خوکت را افشا کن" (در فرانسه) در بسیاری از کشورهای جهان به راه افتاد، افشاگر تعرض جنسی به زنان در سطحی بسیار گسترده بود، تابوها شکسته شد، هزاران زن و بسیاری چهره های سرشناس در رسانه ها اعلام کردند، که در محل کار، در خانواده و در محل تحصیل مورد تعرض جنسی قرار گرفته اند. گزارش های متعدد از هالیوود، احزاب سیاسی، دولت ها، شرکت های معتبر خبرگزاری های اسم و رسم دار منتشر گردید. و چندین چهره سرشناس مرد بخاطر افشاگری ها ناچار به استعفا شدند. جنبش علیه خشونت بر زنان امسال قدمی به جلو برداشت.

در ایران نیز ۲۵ نوامبر امسال جنب و جوش بسیار بیشتری داشت. برگزاری سخنرانی ها و جلسات مختلف رسمی و غیر رسمی، برگزاری نمایشگاه عکس برگزار شد و موجی عظیم علیه خشونت بر زنان در رسانه های اجتماعی برآه



افتاد. زنان بسیاری از تجربه های تلخ خود در زندگی صحبت کردند و از مشاهدات خود درباره خشونت علیه خود و نزدیکانشان گفتند. زنان خواستار پایان دادن به نظام سیاسی شدند که پشتیبان خشونت بر زنان است. زنان ایران اعلام می کنند که یک شرط مهم پایان یافتن خشونت بر زنان، سرنگونی جمهوری اسلامی است. حکومتی که در آن بر مبنای قوانین اسلامی کتک زدن زن مجاز است و تاکنون قانونی که ذره ای خشونت علیه زنان را محدود کند، در آن به تصویب نرسیده است. بر مبنای این قوانین زنی که مورد تعرض جنسی و یا ضرب و شتم قرار گرفته خود مجرم است که باعث تحریک مردان شده و یا موجب ناراحتی ولینعمت خود شده است. در این حکومت زنان قانوناً نصف انسان به حساب می آیند و از حقوق کمتری برخوردارند. و در بسیاری از موارد نظیر حق ازدواج و یا انتخاب همسر از کمترین حقی برخوردار نیستند.

در افغانستان هم جنبش علیه خشونت بر زنان گسترده تر از سالهای قبل بود. زهرا خاوری دختر جوانی که ماههای آخر دوران تحصیل خود را در دانشگاه کابل میگذراند، دست به خودکشی زد. دلیل

خودکشی او سختگیری های بی دلیل استاد راهنما به این دانشجوی دختر اعلام شد. بدنبال این واقعه موارد مختلف فساد و سوء استفاده جنسی از دانشجویان دختر و تحت فشار قرار دادن آنها توسط برخی استادان و مدیران دانشگاه افشا گردید. کسانی که حتی بعد از اثبات جرمشان در پست خود باقی مانده و یا از نهادی به نهاد دیگر منتقل شده اند. در اعتراض به وضعیتی که موجب خودکشی زهرا خاوری شد، تعداد زیادی از دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه کابل دست به اعتصاب غذا زده و خواستار برکناری رئیس این دانشکده و لغو قوانین تبعیض آمیز شدند. دانشجویان پس از ۸ روز توانستند مقامات حکومت را وادار به عقب نشینی کرده و به خواسته های خود برسند.

خشونت علیه زنان در بیشتر نقاط جهان در اعماق جامعه بعنوان امری پذیرفته شده و طبیعی تلقی میشود. در جوامع اسلامزده نظیر ایران این امر حمایت حکومت را بدنبال خود دارد. مبارزه علیه خشونت بر زنان در درجه اول امری سیاسی است. باید حکومت های اسلامی نظیر جمهوری اسلامی را برانداخت و دست مذهب را از دخالت در امور جامعه قطع کرد. خشونت علیه

زنان به هر شکل که باشد باید افشا گردد. هر گونه زن ستیزی باید با طوفانی از ابراز انزجار و تنفر روبرو شود. با ادبیاتی ضد زن باید وسیعاً مبارزه کرد و آموزش برابری زن و مرد را از اولین سالهای زندگی کودکان آغاز نمود. فقط مردان نیستند که فرهنگ ضد زن دارند و باید آموزش ببینند. این فرهنگ برای بسیاری از زنان نیز پذیرفته است و چیزی جز آن نمیشناسند. مانند برده هایی که چیزی جز نظام برده داری نمی توانند تصور کنند. صحنه کتک خوردن دختران خردسال توسط مادر خود بخاطر بیحجابی و یا صحبت با پسر غریبه و یا برای مجبور کردن آنها به ازدواج با خواستگار "مناسب" (!) هیچوقت از ذهن من پاک نمی شود و برای اکثریت کسانی که در ایران زندگی کرده اند، صحنه ای آشنا است. فرهنگ مردسالار جامعه را باید از بیخ و بن زیر و رو کرد.

جنبش علیه خشونت بر زنان نباید به ۲۵ نوامبر محدود شود، این مبارزه ای است که باید همه روزه در دستور کار ما قرار گیرد. جنبش علیه خشونت بر زنان بخشی از جنبش برابری زن و مرد است. برای تقویت آن باید گامهای بلند تری برداشت.

11 دسامبر 2017

**حزب کمونیست کارگری برای برابری کامل و بدون قید و شرط زن و مرد در**

**کلیه شئون مبارزه میکند. رئوس قوانین و اقداماتی که باید هم اکنون**

**بفوریت برای شروع رفع تبعیض بر زنان به اجرا درآید را در برنامه یک دنیای**

**بهرتر مطالعه کنید. <http://www.wpiran.org>**

## خشونت علیه زنان و روز جهانی رفع خشونت

### طه حسینی

روز جهانی علیه خشونت تاریخی دارد. هدف از این نوشته بازگو کردن این تاریخ نیست ولی در چند سطر آنرا برای خوانندگان این مطلب مینویسم.

از ۲۵ نوامبر سال ۱۹۸۱ هر سال (برابر با ۴ یا ۵ آذر) به عنوان روز جهانی رفع خشونت علیه زنان نامگذاری شده است. این روز برای مبارزه با خشونت علیه زنان یاد آور مبارزه ای همگانی است. در ۱۷ اکتبر سال ۱۹۹۹ شورای عمومی سازمان ملل این روز را بعنوان روز جهانی تصویب کرده است. این تاریخ بمناسبت قتل وحشیانه سه خواهر میرابال فعالین سیاسی اهل کشور دومینیکن انتخاب شده است.

متأسفانه در ایران خشونت علیه زنان بخشا عادی و روزانه می‌باشد. سنتهای مردسالار و ضد زن یکی از عقب افتاده ترین سنتهایی است که وجود دارد. وقتی که حرف از خشونت به میان میاید، بلافاصله همیشه خشونت نسبت به زنان در اذهان تداعی میشود. کتک، زورگویی و بدنهای کبود زنان. ولی بطور واقعی اینها تنها یک بخش از ستم و خشونت است که روا میشود که یکی از بدترین نوع خشونت‌هایی است که جمهوری اسلامی تلاش کرده آنرا علیه زنان بکار گیرد و با به حساب نیاوردن زن در جامعه و در

اسلام هم نداشته باشد. تجاوز به زنان از جانب همسر در جامعه ما امری روزمره است و خیلی عادی جلوه میکند. حتی از جانب خود زنان بارها شنیده ایم که گفته شده: "خوب من زنش هستم او بر من حق دارد". یا اینکه خوب چکار کنم و... طبق این سنت زن حق ندارد به همسرش نه بگوید. مرد هر وقت میل کند و دوست داشته باشد میتواند و خود را محق میداند که با همسرش هم خوابی کند و یا هر تصمیمی را در رابطه با او و بدون تمایل زن به اجرا در بیاورد. جدا از اینکه این حق برای زن موجود نیست. در مقابل هر نه گفتن، یا کتک و یا بر خوردهای تحقیر آمیز و نامناسب دیگر را به همراه خواهد داشت.

نوع دیگر از خشونت که خیلی هم رواج دارد دخالت و حق بجانب بودن مرد خانه در کوچکترین مسائل زندگی شخصی زنان است. بارها دیده ایم که از جانب پدر برادر و یا حتی همجنس یعنی زنان دیگر در نوع پوشش، در نوع ابراز وجود و یا برای انتخاب رفیق و شوهر و دوست مرد این اجازه به خود داده شده است که زنان مورد امر ونهی قرار گرفته اند. این مرد قیافه اش اینطور است. فلانی که باهانش ارتباط دارید در شان ما نیست. فلانی حرف مفت زیاد میگوید یا اینکه کجا بودید کجا رفتید و با چه کسی تلفن حرف میزنید؟ باید بگید که فلانی کیست و .... و از برخوردهای شخصی در مورد شکل و شمایل شخص مورد نظر تا بعضا ربط دادنش به مسائل

خانواده آنرا نهادینه کند. زن در جامعه ایران به لحاظ قانونی هیچکاره است. حتی برای رفع احتیاجات شخصی هم باید از مرد خانه اجازه بگیرد. این مرد خانه ممکن است شوهر باشد، پدر و یا برادر و بدین معنی که فقط باید نرینه باشد. در این مورد حتی سن و سال نرینه هم مهم نیست، مهم جایگاه جنسی آن انسان بعنوان نرینه مطرح است که آموزش داده می شود، که در زندگی حق تصمیم گیری با اوست.

بارها اتفاق افتاده است و قطعا هر کدام از ما خواسته یا نخواستته در محیط زندگی خود به این مسئله برخورد داشته ایم و یا حتی ممکن است خودمان آنرا انجام داده ایم که زن را در خانه مورد تحکم و از سر اجبار وادار به انجام کاری قرار داده و یا در مقابل زور گفتن به زنان سکوت اختیار کرده ایم.

این جبر و فشار ممکن است یک نگاه تحقیر آمیز و یا یک طنز بد و یا اینکه صدا بلند کردن در مقابل زنان باشد. آب بیار، چای براریم بریز، چرا غذا درست نکرده اید و چراهای دیگر. بر خوردهایی که در نگاه اول عادی بنظر میرسند ولی بطور واقعی نشان از سنتهای ارتجاعی است که برای ما به ارمغان جا مانده است.

یک نوع دیگر از خشونت تجاوز مشروع به زنان از جانب همسران می‌باشد. این هم یک سنت عقب افتاده اسلامی جدا از مردسالارانه بودنش که ممکن است اصلا ربطی به

اسلامی حقیر و پست است، جمهوری اسلامی و این قوانینش از جانب زنان مورد تنفر و غیر قبل تحمل است.

مردم برابری طلب در ایران روزانه در حال مبارزه و اعتراض در مقابل قوانین ارتجاعی اسلامی از حجاب گرفته تا جداسازیهای جنسیتی، علیه نیروهای نهی از منکر و امر به معروف که موجودیتشان بیشتر در تقابل با زنان میباشد هستند. جدال هر روزه زنان و مردان برابری طلب در تقابل با جمهوری اسلامی و ارتجاع، یکی از سنگرهای روزانه مبارزه با وضع موجود است که خود حاکی از وجود عینی یک جنبش زنانه و برابری طلب قوی در سطح جامعه است که برای محو این تناقضات و رفع نابرابری های اجتماعی در سطح جامعه در حال پیشروی است.

حقیقت آن است که با توجه به اعتراضات وسیع زنان در ایران انقلاب آتی یک انقلاب زنانه خواهد بود. ■

توهین و بی احترامی میکنند و با تمام وقاحت و بیشرمی آشکارا زن را انسان حساب نمیکنند.

آپارتاید جنسی ویژه حکومت اسلامی ایران است. اگر در کشورهای فاشیست مثل آفریقای جنوبی و فاشیسم آلمان رنگ پوست و محل تولد انسانها مبنای فاشیسمشان بود زیر سیطره اسلام در ایران، جنسیت نوع فاشیسم اسلامی است. فاشیسم اسلامی یعنی برتری جنس مرد بر زن و نه فقط این بلکه حساب نکردن زن بعنوان نیمی از جامعه بشری و بعنوان انسان میباشد. اگر فاشیسم نژادی امروز در سطح دنیا منفور است باید کاری کرد که فاشیسم جنسیتی هم تبدیل به یک اسطوره غیر انسانی و منفور در سطح جهان شود سرنگونی جمهوری اسلامی بزرگترین قدم در این راه است و آزادی زن و زندگی برابر میان زنان و مردان بدون سرنگونی این رژیم در ایران ممکن نیست. وقتی که زن بودن ممنوع است، وقتی که زنانگی زیر سیطره اسلام و قوانین

سیاسی در خانواده های که سیاسی هستند.

جدا از این موارد و دهها و صدها نمونه دیگر که اگر بخواهیم در موردش بنویسیم میتوان دهها صفحه را پر کرد. نقش دولت و قانون در هر کشوری جایگاه برجسته ای دارد. جدا از سنتها و افکار ارتجاعی اسلامی و مردسالار در جامعه، حکومت اسلامی همه این فرهنگ عقب مانده علیه زنان را بصورت قانون در آورده است.

در قانون جمهوری اسلامی زن برده مرد است. زن نصف مرد است، زن وسیله ای است همانند هر ابزار دیگری در خدمت مرد. طبق همین قوانین هر نوع خشونت را نسبت به زنان مجاز دانسته و حتی در خیلی از این موارد رعایت نکردنش از جانب زنان تنبیه قانونی دارد و گناه و قصور تلقی میشود. طبق قانون اگر زن با مردی به اصطلاح نامحرم معاشرت داشته باشد جدا از اینکه از طرف خانواده و طبق سنتهای ارتجاعی مورد تهمت و اذیت و آزار قرار میگیرد و از جانب قانون حکم زندان و شلاق و در حد سنگسار را با خود دارد.

در سنت اسلامی و سنتهای مردسالارانه زن ناموس و شرف مرد حساب میشود. و این شرافت و ناموس پرستی صرفا به نیم تنه پایین زنان ربط داده میشود. در واقع جمهوری اسلامی زن بودن را ممنوع کرده است. حتی احساس زنانگی ممنوع است. روزانه آخوندها دارند اراجیف میافند و به نصف جمعیت انسانی



## بیکاری و حاشیه نشینی در آذربایجان

بابک شفق

۹۶/۱۰/۴

امروزه حاشیه نشینی در شهرهای بزرگ به یک پدیده رایج بدل شده است و آذربایجان نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ در واقع حاشیه نشینی، نتیجه سیاست های حاکمیت اسلامی بوده است که بعد از انقلاب بخاطر عدم حمایت از کشاورزان سیر صعودی داشته و موجب مهاجرت های گسترده روستاییان به شهرها گردیده است.

خصوصاً مهاجرت ها به کلان شهر تبریز از سالهای ۶۰ تا ۷۰ روند بسیار گسترده ای داشته است، طوریکه روستاها عملاً از سکنه خالی شدند و تنها ۲۰ درصد در روستاها باقی مانده اند. بقیه به شهرها مهاجرت و در حاشیه شهرها ساکن شدند.

### ۱- ترکیب جمعیتی حاشیه نشین های آذربایجان

ترکیب جمعیتی حاشیه نشین ها در آذربایجان مختلف است. بخشی از آن را کارگران فصلی تشکیل می دهند که در فصل زمستان به شهرها می آیند و کار می کنند و زمان برداشت

محصول به روستا هایشان بر می گردند و بخشی دیگر نیز شغل های موقت و کاذب دارند، از قبیل دستفروشی و باربری در بازار، که در حاشیه شهر مسکنی اجاره میکنند. بخش بسیار ناچیزی از جمعیت حاشیه نشین را نیز مردمان بسیار فقیر شهری تشکیل می دهد که بنابه شرایط اجتماعی حاشیه نشین شده اند.

اما اکثریت حاشیه نشینها را روستاییان مهاجر تشکیل می دهند که بخاطر دست یابی به رفاه و آسایش به شهرها کوچ کرده اند.

### ۲- شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی حاشیه نشینان آذربایجان و بیکاری

#### الف - اجتماعی

در حاشیه شهرهای آذربایجان خانواده ها بصورت گسترده و هسته ای ( باهم زندگی کردن خانواده ها پدر و پسرانش ) زندگی می کنند و اکثراً فرزندان زیادی دارند که در خانه های کوچک بسر می برند و سطح زندگی شان بسیار نازل بوده و تغذیه کافی ندارند و زندگی شان در حد بقاست. این خانواده ها اکثریت شان برای تامین نان بخورنمیرشان بصورت خانواده گی قالی بافی می کنند، حتی دار قالی نیز متعلق به خودشان نیست. یک سرمایه دار یا حاجی بازاری،

یک دار قالی و مواداولیه اش را در اختیار خانواده قرار می دهد و بر اساس پیشرفت کار دستمزد هفتگی پرداخت می کند و بخشی از دستمزد را نگه می دارد و زمانیکه بافت قالی تمام می شود تسویه میکند. البته میزان دستمزد در این نوع اشتثمار، از اجرت های مرسوم در بازار کمتر است. مثلاً یک خانواده چهارنفره، روزانه با هشت ساعت کار که گاهی زمان اش هم بیشتر می شود پنجاه الی شصت هزار تومان روزانه کار می کنند که دویست هزار تومان آن هفتگی پرداخت می شود بقیه زمان که قالی تمام شد تسویه می گردد. موقع تسویه اکثراً بهانه تراشی میکنند و قیمت دستمزد را پایین می آورند.

بیکاری در بین حاشیه نشین ها بسیار فراگیر و گسترده است، طوریکه جوانان سر کوچه ها ازدحام می کنند و بعضی ها نیز در این میان به خرید فروش مواد مخدر روی می آورند و گاهی خودشان نیز مصرف می کنند. و فور موادمخدر در حاشیه شهرهای یک چیز طبیعی و نرمال است و بخاطر این در مدت پنج دقیقه یا کمتر از آن می توان به مواد مخدر دسترسی پیدا کرد. اعتیاد در بین کودکان و نوجوانان نیز رایج است، طوریکه

## بیکاری و حاشیه نشینی در آذربایجان بابک شفق

برای پخش مواد مخدر از آنها سو استفاده می کنند و بعد از مدتی که این قربانیان معتاد میشوند بخشا مورد تعرض جنسی هم قرار می گیرند .

این شرایط محیطی بشدت آلوده، باعث افزایش ترک تحصیل در میان نوجوانان و کودکان حاشیه نشین گردیده است. حتی بعضی ها فرزندانیشان را به مدرسه نمی فرستند. این مساله در مورد دختران بیشتر صادق است که به تحصیل دختران اهمیتی نمی دهند که تمام اینها عملا باعث می شود بزهکاری و انواع خلاف ها در حاشیه نشین ها سیر صعودی داشته باشد.

در کنار اینها تن فروشی بصورت علنی و غیر علنی وجود دارد، که ریشه ان در فقریست که با ان دست بگریبان اند. بیماری های مقاربتی در بین زنان تن فروش نیز شایع است .

وضعیت بهداشتی در محله ای حاشیه نشین ها هم بسیار نامناسب است. جوب های خیابان ها و کوچه ها پراز موش است. گاهی اشغالها چندین روز در کوچه ها تلنبار می شوند و شهرداری اشغاله را تخلیه نمی کند. برخی از

می مانند که فرجامش بخشا بعد از ناامید شدن، شغل های کاذب را انتخاب می کنند و از این طریق امرار معاش میکنند. و یا بخش دیگری از جوانان به شهرهای دیگر خصوصا تهران مهاجرت می کنند تا شغلی دست پا کنند. بنا به آمارهای دولتی تعطیلی ۵۰ هزار واحد تولیدی در آذربایجان، یکی از دلایل مهاجرت نیروی کار بوده است. همین آمارهای دولتی بیکاری در استان آذربایجان در سال (۹۶) را بیشرمانه ۱۰ درصد اعلام کردند. در صورتیکه امارها خیلی بالاتر از این حرفهاست.

بیکاری در آذربایجان غربی را ۱۱/۲ درصد (۹۶)

آذربایجان شرقی ۱۰/۳ درصد (۹۶)

میان ۱۳ درصد بالاترین نرخ بیکاری (۹۶) (خبرگزاری تسنیم و باشگاه خبرنگاران )

طبق آمارهای رسمی دولتی هر فردی که در طول هفته تنها یک ساعت کار کند شاغل محسوب میشود .

این تعریف من درآوردی از شاغل، جز سخره گرفتن مردم و جامعه هیچ معنای دیگری ندارد. کدام کارگر با یک ساعت کار قادر به تامین حداقلی از زندگی انسانی و کارگری میباشد. فعالیتهای مختلفی برای امرار معاش

کوچه و پس کوچه ها هستند که امکان جمع اوری آشغال در انها وجود ندارد. این خود منشا بیماری های مختلف است. خانه های پلکانی ۵۰ یا ۷۰ متری با کوچه های تنگ و دیوارهای نازک و غیر استاندارد که با کوچکترین زلزله ای آسیب پذیر است . در فصل زمستان و یخبندان، در کوچه های شبیب دار، عبور و مرور و زندگی برای سالمندان و کودکان مشکل میشود. بخاطر این حاشیه نشینی از هر جنبه ای بنگریم، یک شرایط غیر انسانی تحمیل شده به مردم است.

### ب - بیکاری

بیکاری یکی از معضلات ریشه ای سرمایه داری است که در کشورهای مختلف به اشکال گوناگون نمود عینی می یابد.

بحران سرمایه داری موجود در ایران و خصوصی سازيها و در کنار آن رکود بازار باعث تشدید بیکاری در آذربایجان است.

در آذربایجان بیکاری گسترده و وسیع است. جمهوری

اسلامی نتوانسته است حتی ده درصد جوانانی که از مراکز عالی فارغ تحصیل میشوند را جذب بازار کار کند. بخاطر همین، جوانان در آذربایجان به کارهای موقت مانند خرید و فروش و دستفروشی روی می آورند و یا در صف انتظار استخدام ارگان های دولتی

## بیکاری و حاشیه نشینی در آذربایجان بابک شفق

وجود دارد(مثلا دستفروشی ،دلالی ، ) که شغل‌های کاذب بحساب می‌آیند. چون ثبات و امنیت و درآمد کافی ندارند و هیچ مزایایی هم از طرف تامین اجتماعی آنها را پوشش نمی‌دهد. اگر با این معیارها، به سراغ جامعه آذربایجان برویم ، بی شک ۱۱ درصد آمار اعلام شده حکومتی پوچ و بیمعنی است. بیکاری واقعی چندین برابر آمارهای اعلام شده حکومتی است .

سیطره سپاه بر تمام عرصه های صنعتی و اقتصادی، یک مافیا بوجود آورده است که فقط و فقط خودی هایشان را در موسسات تابعه جذب میکنند.

در بخش کارگری شان وضعیت بسیار غیر انسانی است. با دستمزد های نازل و قرارداد های موقت کارگران را بکار می گیرند و کوچکترین اعتراض کارگر با اخراج جواب میگیرد.

سپاه حدود سه چهار سال است در بخش صنعت، تولید گسترده و وسیع درکارخانه های تابعه را از بین برده است و تولیدات صنعتی خود را در کارگاه های کوچک، بصورت قطعه کاری و پراکنده تولید میکند. تنها کاری که خودش

را تشدید می کند. در کنار این اقتصاد ورشکسته و دلالی، ورود کالاهای خارجی به آذربایجان نیز عملا بخش تولید را فلج نموده است و این خود عامل دیگری بر افزایش بیکاری میباشد.

### ب- فرهنگی

در حاشیه نشین های آذربایجان، عمدتا فرهنگ روستایی حاکم است. پیوندهای خانوادگی عموما فامیلی است و رسم رسومات کهنه ارزشمند محسوب می شود. همین پیوندهای محکم فامیلی بعضی وقت ها به نزاع های دسته جمعی می انجامد که خود قربانی میگیرد. فقر فرهنگی و عقب مانده گی عملا بستری برای رشد و گسترش مذهب فراهم نموده است، طوریکه مراسم مذهبی همیشه بر پاست. دستجات حسینی هر محله برای خودش در ماه محرم دسته های شاه حسین گویان راه می اندازند پول جمع میکنند و طبل ، چراغ ها مهتابی سیار و چماق برای شاه حسین تهیه می کنند و با هم دیگر رقابت میکنند و گاهی این رقابت ها به دعوا ختم میشود. در روز عاشورا، به دور از چشم ماموران بر سرشان قمه می زند تا صواب بیشتری نصیب خود کنند اگر چه این قمه زنی به نسبت سالها گذشته کاهش داشته،

انجام می دهد مونتاژ این قطعه هاست. در واقع سپاه با این کار هزینه مدیریت و سایر هزینه های جانبی از جمله حق بیمه ، مالیات و دارایی را حذف میکند. از طرفی هم با این روش مانع اتحاد کارگران برای مطالبات معین می شود. چون تمام قطعات صنعتی اش را در کارگاههای کوچک تولید می کند و حتی دستمزد کارگران این کارگاه ها را به موقع پرداخت نمی کند. به همین دلیل ، کیفیت افت پیدا میکند. در بطن این حرکت بیکاری افزایش می یابد، چون اکثر صاحبان کارگاه های کوچک خودشان کار می کنند. بعضی از این کارگاههای کوچک تک نفره حتی روزانه شانزده ساعت کار میکنند و دیگر کارگر استخدام نمی کنند، اگر هم احیانا کارگری هم پیش شان کار کند، بصورت موقت است .

اما عامل دیگری که در آذربایجان بر تشدید بیکاری تاثیر می گذارد، سود بالای سپرده گذاری بانکهاست که موجب میشود سرمایه ها و نقدینگی ها در بانک ها تمرکز پیدا کند و سپرده گذاران به راحتی ماهانه سود خود را دریافت کنند، و بانک ها این سپرده ها با درصد بالا به مردم واگذار میکنند چون ثباتی در بازار نیست در نتیجه سرمایه گذاری به حداقل می رسد و بیکاری

## بیکاری و حاشیه نشینی در آذربایجان بابک شفق

اما در حاشیه نشین های آذربایجان، این نذر ها نه تنها با ارزش هستند، بلکه برای رهایی از مشکلات تجویز میشوند. گویا نذر و نیاز چاره کار است .

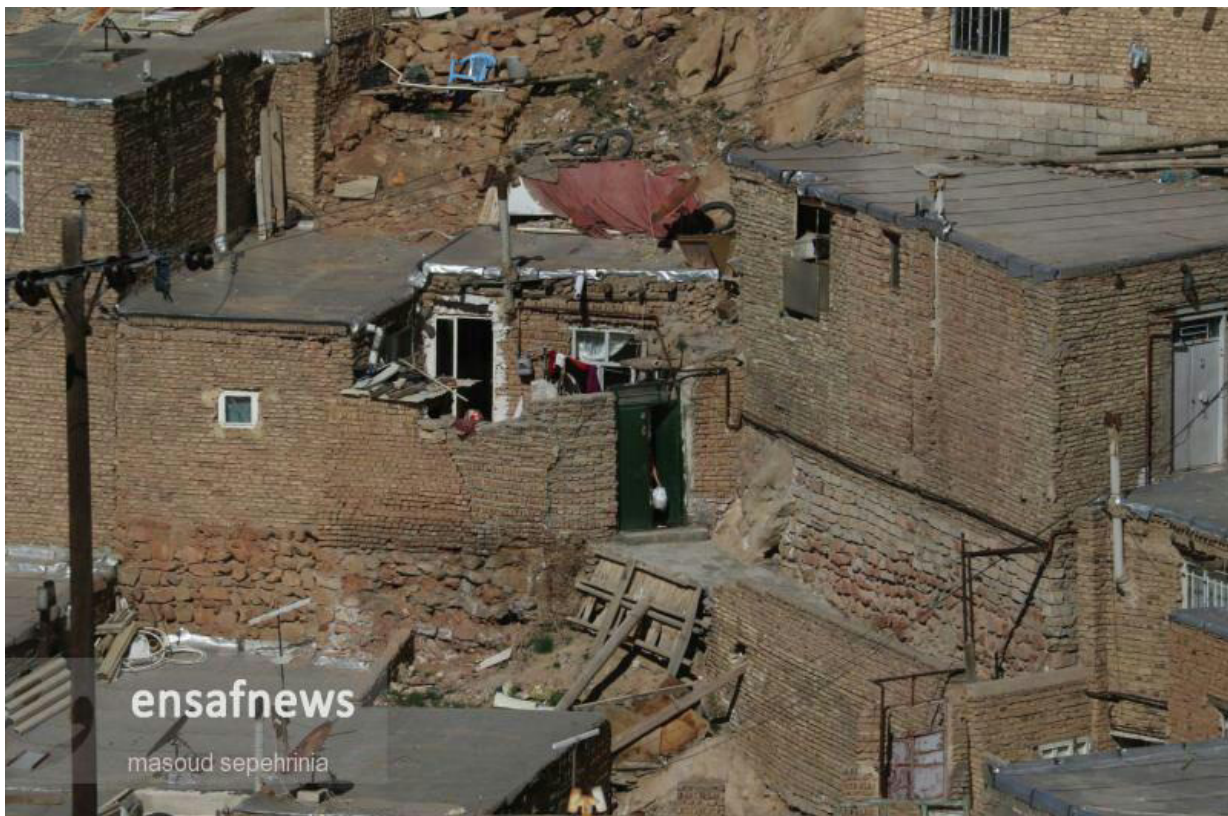
### ج- سیاسی

رژیم در میان حاشیه نشینان پایگاه های بسیج ایجاد می کند که با شستشوی مغزی و وارونه کردن حقایق، جوانان را بسوی خود جلب کند، اما عملاً نتوانسته است موفق شود. اکثراً جوانان از بسیج و رژیم متنفر هستند، اما از طرف دیگر جریانات قوم پرست و

ناسیونالیست آذربایجانی از فضای بسته بهره می برند و تمام مشکلات و نابرابری موجود را به گردن ملت فارس می اندازند و تا آنجا پیش می روند که نفرت پراکنی علیه قومیت های دیگر، خصوصاً فارس ها و کردها را ترویج می دهند. اینان با تبلیغات فاشیستی خودشان به چشم مردم خاک میپاشند و ریشه نابرابری های جامعه را کتمان میکنند. اما حقایق سرسخت تر از آن هستند که بشود به راحتی انکار اش کرد .

حاشیه نشین های آذربایجان، گوشه ای از تبعات نظام طبقاتی سرمایه داری را به نمایش می گذارند، نظامی که پایه هایش برای روی نابرابری و

تبعیض بنا نهاده شده است و پایه توجیه اش مذهب و داده های پیش داورانه خرافی است . نظامی که انسانها را وجه معامله قرار می دهد و یک زندگی غیر انسانی را به اتکای خرافات مذهبی و سموم قوم پرستی و ناسیونالیستی تحمیل میکند. در واقع مسبب همه این مصائب و شرایط بشدت غیر انسانی نتیجه حاکمیت سرمایه و سیاست کلان خصوصی سازی حکومت تا مغز استخوان فاسد جمهوری اسلامی است. باید با تمام قدرت آنرا به زیر کشید و بر ویرانه هایش جامعه ای انسانی، آزاد و برابر بر پا کرد .



ensafnews

masoud sepehrinia

## اخبار اعتراضات کارگری آذربایجان 1396

شهلا خباززاده

### ۱۷ شهریور

اعتراضات کارگران کارخانه ذوب آهن اردبیل به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی، علیرغم وعده ها و شعارهای مسئولان طراز اول استان، ادامه داشت. از ۲۱۳ کارگر این کارخانه ۸۸ نفر آنها اخراج شدند و کارگران در اعتراض به سر میبردند. برخی کارگران تا ۱۷ ماه حقوق طلب داشتند و تنها یک سوم مطالبات کارگران به صورت چک پرداخت شده بود. به گفته مدیر کل اداره کار استان، کارگران اخراجی برای دریافت "بیمه بیکاری" که حتی از همان دستمزد چند بار زیر خط فقر نیز کمتر است، معرفی شده اند. کارگران به این اخراج ها و تعطیلی کار و عدم پرداخت طلبهایشان اعتراض داشتند.

### ۲۷ شهریور

کارگران شرکتی و استیجاری اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده ای استان آذربایجان شرقی در اعتراض به پرداخت نشدن ۶ ماه حقوق دست از کار کشیده و مقابل استانداری تجمع کرده بودند. به گفته کارگران حقوق پایه آنها در سال جاری حدود یک میلیون تومان می باشد که تاکنون هیچ مبلغی به آنها داده نشده و کارگران حدود ۱۵ میلیون تومان دریافتی معوقه دارند. کارگران همچنین به بلاتکلیفی شغلی خود اعتراض داشتند. از جمله

بدنبال تجمع اعتراضی کارگران و برگزاری جلسه ای در همین رابطه در استانداری آذربایجان غربی، وعده پرداخت بخشی از مطالبات این کارگران از طرف جعفر صادق اسکندری، رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت آذربایجان غربی، داده شد.

### ۲۵ مهر

اعتراض جمعی کارگران گسترش توسعه صنعت آذربایجان که از ۲۴ مهرماه در واکنش و پرداخت نشدن مطالبات مزدی آغاز شده بود، این روز نیز ادامه داشت.

بنا به گفته های کارگران، مشکلات کارخانه گسترش توسعه صنعت آذربایجان زمانی آغاز شد که این واحد صنعتی به بخش خصوصی واگذار شد و از آن زمان تا کنون با مشکلات فراوانی روبروست. و طی این مدت به دلیل بی توجهی مسئولان نه تنها وعده ها هنوز بی عمل مانده است که هر روز بر فشار مشکلات افزوده می شود. همچنین پرداخت حق بیمه کارگران این واحد صنعتی به تامین اجتماعی نیز چندین ماه به تاخیر افتاده به طوری که در حال حاضر تمدید دفترچه بیمه اعضای خانواده های آنها با مشکل روبرو شده است.

### ۱۵ آبان

کارگران کمپرسورسازی تبریز تا این تاریخ، ۴ ماه است دستمزد نگرفته اند.

### ۲۱ آبان

یکی از کارگران خدماتی منطقه پل قاری با یک خودرو برخورد

کارگری با ۲۰ سال سابقه کار هنوز شرکتی است و تکلیف مشخصی ندارد و مدیران جدید نیز آنها را به عنوان کارکن راهداری نمی شناسند.

### ۶ مهر

جمعی از اهالی شهرک باهنر زرنند مسیر تردد خودروهای عبوری از کمربندی شرق زرنند را مسدود کرده بودند تا اعتراض خود نسبت به وضعیت نامناسب این جاده را به نمایش بگذارند.

### ۷ مهر

یک کارگر برقکار ۳۰ ساله، که در بالای کابین آسانسور مشغول کار بوده، با برخورد وزنه تعادل آسانسور به سرش جان خود را از دست داد.

### ۱۱ مهر

\* تعدادی از کارگران کارخانه بلبرینگ سازی تبریز در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات معوقه، دور جدید اعتراضات خود را آغاز کرده اند. از قرار معلوم علت برپایی این اعتراض، پرداخت نشدن دست کم شش ماه معوقات مزدی بوده است. گفته می شود در کارخانه بلبرینگ سازی تبریز حدود ۲۲۰ نفر کارگر رسمی و قراردادی فعالیت دارند که ۷۵ درصد از دستمزد اسفند ماه ۹۵ و دستمزد کامل شش ماه نخست سال جاری را از کارفرما طلبکارند.

\* کارگران کارخانه فولاد ارومیه در اعتراض به عدم پرداخت حقوق دست به تجمع مقابل اداره کار این شهرستان زدند.

## اخبار اعتراضات کارگری در آذربایجان شهلا خباززاده

کرده و بر اثر شدت جراحات وارده جان خود را از دست داد.

### ۲۷ آبان

بر اثر سقوط تابلو تبلیغاتی در تبریز یک کارگر کشته و سه کارگر دیگر مصدوم شدند. این اتفاق ناگوار در فلکه بازار ولیعصر تبریز رخ داد که در اثر آن یکی از کارگران جان باخت و سه نفر نیز مصدوم شدند که با سه دستگاه آمبولانس اورژانس به بیمارستان امام رضا انتقال یافتند.

### ۵ آبان

یکی از کارگران نیروگاه سیکل ترکیبی سبلان در اردبیل بر اثر سقوط از ارتفاع جان خود را از دست داد. این کارگر پیمانکاری در روز بیست و هفتم مهرماه به عنوان کمک داربست‌زن بر روی استراکچر مشغول کار بود. هویت کارگر متوفی لطفی و ۲۴ ساله اعلام شده است.

### ۲۹ آبان

## اعتراض کارگران کمباین سازی تبریز یک ماهه شد

بیش از یک ماه است که ۴۴ کارگر کارخانه کمباین سازی تبریز که از ۲۴ مهر ماه آغاز شده است، در اعتصاب بسر می‌برند. این اعتصاب در اعتراض به ۲۰ ماه مطالبات معوقه این کارگران صورت گرفت. این شرکت در سال ۹۰ حدود ۵۰۰ کارگر داشت اما اکنون تعداد آنها به ۴۴ نفر رسیده است. کمباین سازی تبریز (شرکت توسعه صنعت آذربایجان) در زمینه تولید کمباین‌های کشاورزی، ساندویچ‌های پانل و انواع کانکس در جاده تبریز به آذر شهر (جاده پتروشیمی) فعالیت دارد.

### ۲۰ آبان

اعتراض کارگران کارخانه کمباین سازی تبریز نسبت به ۲۰ ماهه مزد معوقه، وارد سی و ششمین روز خود شد. یکی از کارگران معترض گفت: ۲۰ ماه معوقات مزدی تاثیر نامطلوبی بر شرایط معیشتی

کارگران این واحد صنعتی و اعضای خانواده‌های آنها گذاشته است.

این کارگر همچنین در خصوص معوقات بیمه‌ای کارگران کمباین سازی توضیح داد که با وجود اینکه کارفرما ماهانه ۷ درصد از کل حقوق کارگران بابت پرداخت بیمه تامین اجتماعی کسر می‌کند اما پرداخت حق بیمه آنها به تامین اجتماعی در چندین ماه گذشته با تاخیر همراه بوده به طوری که در حال حاضر تمدید دفترچه بیمه اعضای خانواده‌های آنها با مشکل روبرو شده است.

\* جمعی از دانشجویان دانشگاه خوارزمی در اعتراض به عدم احداث ایستگاه مترو در جوار دانشگاه دست به تجمع اعتراض آمیز زدند.

### ۵ آذر

در پی ادامه بحران مالی در کارخانه دستکش حریر ایران در شهرستان ارومیه، این واحد صنعتی موقتا تعطیل شد و حدود ۵۰۰ کارگر قرار دادی بلامتکلیف شدند. (روز ۲۷ آبان



## اخبار اعتراضات کارگری در آذربایجان شهلا خباززاده

ماه کارفرما از ورود کارگران به کارخانه جلو گیری کرده و گفته است تا مشخص شدن وضعیت کارخانه بجز تعداد کمی که مسئولیت نگهداری ماشین آلات کارخانه را بر عهده دارند، نیازی به سایر کارگران نیست.

### ۱۲ آذر

\* مطالبات مزدی سال جاری جمعی از کارگران کارخانه آذرشهد شهرستان ارومیه تولید کننده آب نبات و بیسکویت پرداخت نشده است.

\* ۱۳۰ کارگر دانشگاه ارومیه که به عنوان نیروی قراردادی در حال همکاری هستند، از ۷ ماه قبل سنوات و سایر مبالغ خود را از این دانشگاه دریافت نکرده‌اند.

\* یک کولبر در مرزهای ارومیه در پی شلیک مستقیم نیروهای مرزی دچار جراحت شد. همزمان در نقاط مرزی شهرستان ماکو هم در حادثه‌ای مشابه، یک کولبر در اثر شلیک نیروهای مرزبانی مجروح گردید.

### ۱۴ آذر

\* کارگران و پیمانکاران و پرسنل پروژه آيسان تبریز در اعتراض به پرداخت نشدن ۵ ماه حقوق و مطالبات عقب افتاده خود در محل این شرکت دست به تجمع زدند.

\* جمعی از دانشجویان

کارگران که تعداد آنها نزدیک به ۴۴ نفر است در دو سال گذشته ۲۰ ماه مزد معوقه طلبکارند.

### ۲۵ آذر

تجمع کارگران پروفیل ارومیه برای معوقات مزدی کارگران کارخانه پروفیل ارومیه در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات مزدی خود در مقابل ساختمان استانداری آذربایجان غربی تجمع کردند. شمار معترضان نزدیک به ۵۰ نفر می‌شود که در یازده ماه گذشته با مشکل پرداخت معوقات مزدی مواجه بوده‌اند. به گفته این کارگران، فعالیت تولیدی محل کارشان از یک ماه قبل متوقف شده و در نتیجه آن بلا تکلیف شده‌اند. همچنین به نقل از این کارگران گفته شد که در پرداخت حق بیمه آنها نیز وقفه‌هایی ایجاد شده بود به طوری که در برخی از ماه‌های سال تمديد دفترچه بیمه اعضای خانواده‌های آنها با مشکل روبرو بوده‌است.

\* کارخانه ماشین آلات صنعتی تراکتورسازی تبریز که دست کم ۴۰ سال از آغاز فعالیتش می‌گذرد از روز 23 آذرماه پلمب و فعالیتش متوقف شد و در نتیجه 220 کارگر بیکار شدند. به همین دلیل جمعی از کارگران در اعتراض به این موضوع، در مقابل درب ورودی ساختمان کارخانه تجمع کرده و از مسئولان دولتی در خواست رسیدگی کردند.

### ۲۶ آذر

\* تجمع کارگران راه آهن تبریز در اعتراض به تعویق پرداخت

دانشگاه هنر تبریز در اعتراض به نامناسب بودن خدمات دانشگاهی، علی‌الخصوص کیفیت غذا و به مناسبت بزرگداشت روز دانشجو اقدام به تحصن کردند. آنها با چیدن ظروف غذای سلف سرویس و نشستن در محوطه‌ی دانشگاه خواهان پیگیری مطالبات دانشجویی خود شدند. دانشجویان خواستار لغو آموزش پولی و فضای امنیتی دانشگاهی شدند. آنها همچنین در اعتراض به طرح موسوم به کارورزی بیانیه خود را قرائت نمودند.

\* کارگران آذرشهد ارومیه در محوطه اداره کار و امور اجتماعی استان تجمع کرده و به اخراجهای اخیر اعتراض کردند. کارگران خواهان بازگشت به کار فوری همه کارگران آذرشهد شدند. برخی از کارگران اخراجی بیش از ده سال در این کارخانه کار کرده اند. کارگران این کارخانه قبلا نیز در روز ۱۸ دیماه در اعتراض به اخراجها تجمعی اعتراضی بر پا داشته بودند.

### 20 آذر

**پرداخت بخشی از طلب کارگران کمباین سازی تبریز از محل فروش ضایعات اعلام شد.**

کارگران کارخانه کمباین سازی تبریز که بابت مطالبات خود از پنجاه و شش روز پیش در اعتراض به سر می‌بردند، در حال حاضر حدود یک ماه است که از طریق فروش ضایعات پلاستیکی و آهنی این واحد صنعتی، بخشی از مطالبات خود را وصول می‌کنند. این

## اخبار اعتراضات کارگری در آذربایجان شهلا خباززاده

سه ماه دستمزد و عدم ایمنی شغلی خود جلوی حرکت قطار تبریز به مشهد را گرفتند. کارگران خط آهن آذربایجان در اعتراض به عدم دریافت پایان کار ۷ ساله و ۳ ماه بی حقوقی و خطر از دست دادن شغلشان دست به اعتراض زدند. هر کدام از کارگران نزدیک به ده میلیون طلبکارند و بخاطر آن قبلاً نیز اعتصاب داشتند. در این حرکت اعتراضی کارگران دستنوشته‌هایی در دست داشتند که روی آن‌ها نوشته شده بود: «امنیت شغلی نداریم»، «حقوق و مزایا نگرفته‌ایم»، «بیمه‌هایمان پرداخت نشده»، «حقوق‌هایمان را می‌خواهیم» و «تبعیض تا کی»

\* کارگران پیمانکاری راه‌آهن زنجان به تهران، با تجمع در مقابل ساختمان استانداری پیگیر مطالبات معوقه خود شدند. این کارگران دست کم سه تا ۶ ماه مزد طلب دارند. همچنین در سال جاری کارفرما هنوز قراردادی با آنها امضا نکرده است. این کارگران می‌گویند در صورتی که حقوقشان همچنان پرداخت نشود از این پس جلوی حرکت قطارها را می‌گیرند.

### 27 آذر

کارگران کارخانه ماشین آلات صنعتی تراکتورسازی ایران در تبریز در سومین روز از اعتراض

خواستار رفع مشکلاتشان شدند. این کارگران که تعدادشان ۲۲۰ نفر است در ادامه تجمع اعتراضی خود در مقابل درب ورودی کارخانه ماشین آلات صنعتی تراکتورسازی ایران تجمع کردند.

### 28 آذر

#### اعتراض کارگران ماشین آلات تراکتور سازی وارد روز چهارم شد

شماری از کارگران ماشین آلات صنعتی تراکتور سازی تبریز که از ابتدای این هفته پشت درب‌های محل کارشان مانده‌اند، گفته‌اند که برای امضای وکالتنامه‌ای که مفاد آن به واگذاری این واحد صنعتی کارخانه مربوط می‌شود؛ تحت فشار قرار گرفته‌اند. به گفته این کارگران مفاد این وکالت نامه در ارتباط با وضعیت مطالبات آنهاست و از آنجا که متن این وکالت نامه تضمین کننده خواسته‌های آنها نیست آنها حاضر به امضا آن نیستند.

به گفته کارگران معترض خریدار جدید حاضر نیست تا زیر بار تعهدات مالی وسایر مطالبات کارگران کارخانه برود و این درحالی است که ارزش مجموع مطالبات آنها حدود ۱۸ میلیارد تومان برآورد می‌شود.

### 2 دی

روز دوم دیمه اعتراض ۲۰۰ کارگر ماشین آلات صنعتی تراکتورسازی تبریز (ایران) وارد هشتمین روز خود شد. مدیرکل اداره کار آذربایجان شرقی می‌گوید: تاکنون هر متقاضی که به دنبال خرید شرکت ماشین آلات صنعتی تراکتورسازی بوده از پذیرش

کارگران و مطالباتشان خودداری کرده‌است. و این چنین است که کارگران و کارخانه را با هم به حراج گذاشته‌اند و کارگران در برابر این بردگی کاری ایستاده‌اند.

کارخانه ماشین آلات تراکتور سازی تعطیل و درب آن پلمب شده است. کارگران این کارخانه هفت ماه است که دستمزدی نگرفته و کارشان را نیز از دست داده‌اند. کارگران خواستار پرداخت فوری طلب‌هایشان و بازگشت خود به کار هستند.

کارخانه ماشین آلات صنعتی تراکتورسازی زیر نظر سرمایه‌گذار بخش خصوصی اداره می‌شد و بعد از آنکه اداره تسویه و امور ورشکستگی دادگستری شهرستان تبریز در مقام متولی به دلیل خاتمه قرارداد بخش خصوصی، درب‌های این واحد صنعتی را پلمپ کرد، اعتراضات کارگران آغاز شد.

#### کارگران ماشین آلات تراکتورسازی مقابل اداره تصفیه تجمع کردند

\* کارگران معترض ماشین آلات صنعتی تراکتورسازی ایران بیستمین روز اعتراض خود را مقابل ساختمان اداره تصفیه و امور ورشکستگی شهرستان تبریز آغاز کردند.

کارگران معترض ماشین آلات صنعتی تراکتورسازی که تعداد آن‌ها به ۲۲۰ نفر می‌رسد مدعی‌اند از زمان اعلام ورشکستگی این واحد صنعتی در حدود ۱۰ ماه قبل، بابت معوقات حقوقی طلبکارند. به گفته این کارگران بعد از این اتفاق، مسئولیت اداره این

## اخبار اعتراضات کارگری در آذربایجان شهلا خباززاده

اصل پول ملاک قرار گرفته است و برای همین حالا که صحبت از تقسیم گرمایی اموال شده؛ از کارگران خواسته شده تا از دریافت هزینه بازنشستگی سخت و زیان آور خود (۴ درصد حق بیمه بیشتر) چشم پوشی کنند.

معترضان با ناعادلانه خواندن این شیوه تقسیم اموال از مسئولان استانی می‌خواهند تا مانع از تزییع حقوق آنها بشوند.

**کارگران نباید بعنوان طلبکاران عادی به حساب آیند. پرداخت دستمزدهای پرداخت نشده کارگران و تمام حقوقی که به آنها تعلق می‌گیرد به اضافه خسارت‌های دیرکرد آن باید در اولویت بوده و قبل از همه پرداخت شود. کارگران تولید کنندگان ثروت و در حقیقت مالکین اصلی کارخانه هستند.**

**۶ دی  
اعتراض پرسنل مجتمع  
سلامت در تبریز**

حدوداً ۱۸ میلیارد تومانی کارگران را برعهده بگیرد. براین اساس ظاهراً اداره تصویبه و امور ورشکستگی دادگستری شهرستان تبریز که در حال حاضر مسئولیت نگهداری از این واحد صنعتی را برعهده دارد از کارگران خواسته است تا وکالت نامه‌ای را که مفاد آن در تضاد با وضعیت مطالبات آنهاست امضا کنند.

کارگران ماشین آلات صنعتی تراکتور سازی در توضیح این مشکل خود می‌گویند: مطابق قوانین مربوط به ورشکستگی، اموال شخص ورشکسته به صورت گرمایی میان طلبکاران تقسیم می‌شود (تقسیم کردن مال بدهکار ورشکسته به نسبت طلب بین طلبکاران) اما در این واحد صنعتی وضعیت همه طلبکاران یکسان نیست. به گفته آنها در حالی که مجموع ارزش مطالبات بانکها با در نظر گرفتن اصل، سود و دیرکرد محاسبه شده است، در محاسبه طلب کارگران تنها

واحد صنعتی در قالب یک اجاره نامه به سرمایه گذار خصوصی واگذار می‌شود اما با پایان یافتن موعد این قرارداد در روز ۲۴ آذر در ب های این واحد صنعتی پلمپ شده و کارگران از رفتن به محل کار خود باز می‌مانند.

کارگران معترض که مدعی هستند این سرگردانی دست‌کم تا مشخص شدن وضعیت مدیریت و مالکیت کارخانه ادامه دارد؛ افزودند: در این فاصله زمانی اقدامات حقوقی برای واگذاری این واحد صنعتی به کارخانه تراکتور سازی تبریز صورت گرفته است و در همین رابطه آنها نیز برای پذیرفتن برخی شرایط جدید تحت فشار قرار گرفته‌اند چرا که خریدار جدید حاضر نیست مسئولیت پرداخت مطالبات



## اخبار اعتراضات کارگری در آذربایجان شهلا خباززاده

پرسنل مجتمع های سلامت تبریز نسبت به عدم پرداخت سه ماه از حقوقشان تجمع کرده اند. مسئولین به کارکنان گفته اند: تا عید از حقوق خبری نیست، هرکس نمی‌خواهد کار کند برود! همچنین بخشی از کارکنان بیمارستان رازی تبریز هم که، طرف قرارداد با شرکتی برگزیده دانشگاه علوم پزشکی تبریز هستند، نزدیک چهار ماه است هیچ حقوقی دریافت نکرده اند و با وجود دشواری شرایط کار هیچکس پاسخگوی آنان نبوده است.

### تجمع و اعتراض کارکنان گروه فولاد ارومیه

\*تجمع و اعتراض کارکنان گروه فولاد ارومیه در جلوی استانداری به دلیل عدم دریافت حق و حقوق و مطالبات سال ۹۵-۹۶ و تعطیلی کارخانجات فولاد.

### \*پیام یکی از کارگران ارومیه در اعتراض به تعاونی مسکن مهر، ارسال به کانال اتحادیه آزاد کارگران ایران

باسلام، وخسته نباشید، و آرزوی موفقیت، شهرام هستم از ارومیه ۴۸ ساله عرض کنم ازده سال پیش هی از گلوی زن و بچه ام بریدم ریختم گلوی تعاونی مسکن مهر نامهر کارگران الان نیمه کاره تبدیل به خرابه شده

خودم هم الان شش ماهه بی کارم

بیست میلیون و پانصد هزار گرفتن و بیست و پنج میلیون هم دوباره می‌خوان از کجا بیارم؟

تمام وسایل خونه و زیور آلات خونه را فروختم

خدا دیگه خسته شدم

یعنی دولت نمی‌دونه؟!؟!!

باید داد بزنم و آبروریزی بشه؟!?!?!!

حتی انصراف بدم اصل پولم رو نمیدن که برم دنبال بد بختیم

هی تو رسانه‌ها داد می‌زنی خسته‌های بحق مردم،

پس اینا که میدونید چرا قبل اعتراض اقدامی نمی‌کنید؟

خدا بدادمون برسه

یه عده سیرن و از گرسنه خبر ندارن

یه عده از گرسنگی، فریاد می‌زنن

### 7 دی

### کارخانه کمباین‌سازی تبریز پلمب شد

بلا تکلیفی ۴۴ کارگر کارخانه کمباین‌سازی تبریز «توسعه صنعت آذربایجان» که ۳۰ سال از آغاز فعالیتش می‌گذرد پس از شکایت اداره اوقاف و امور خیریه به دلیل به پرداخت نشدن بدهی با حکم قضایی پلمپ شد.

منابع کارگری در این واحد تولیدی می‌گویند: این پلمب

بابت طلب ۲۰۰ میلیون تومانی اداره اوقاف و امور خیریه

آذربایجان شرقی برای اجاره مساحت اندکی از

زمین‌هایی است که طبق توافق با شرکت کمباین‌سازی، این

شرکت فعالیت خود را در املاک اوقاف توسعه داده است.

به گفته آنها، از روز دوشنبه (۴ دی ماه) این واحد تولیدکننده

انواع کمباین با حکم مراجع

قضایی موقتا پلمب شده و کسی هم پاسخگوی مشکلات کارخانه و به تبع آن کارگران نیست. به همین دلیل جمعی از کارگران در اعتراض به این موضوع، از روز دوشنبه با حضور در مقابل کارخانه، از مسئولان دولتی درخواست رسیدگی دارند. با وضعیت پیش آمده مجموع ۴۴ کارگر این کارخانه که به صورت میانگین ۱۸ سال سابقه کاری دارند، نگران از دست دادن شغلشان هستند.

کارگران این کارخانه معتقدند؛ کاهش حجم فروش، افزایش هزینه‌های مالی بابت جرایم

دیگرکرد بازپرداخت تسهیلات بانکی و افزایش هزینه‌های

متفرقه و سایر اقلام مصرفی، بخشی از مشکلاتی است که

این واحد را دچار بحران مالی کرده و در حال حاضر این واحد

دست‌کم ۲۰ ماه از مطالبات کارگران این کارخانه را پرداخته

است.

### 9 دی

### کمباین‌سازی تبریز هنوز بسته‌است/ اعتراض کارگران به اداره اوقاف

فعالیت کارخانه کمباین‌سازی تبریز (توسعه صنعت آذربایجان)

از حدود یک هفته پیش تاکنون با شکایت اداره اوقاف و امور

خیریه استان آذربایجان شرقی متوقف و درب‌های آن همچنان

به روی کارگران بسته است. در اعتراض به این وضعیت، صبح

روز ۹ دی ماه شماری از کارگران این کارخانه مقابل درب‌های

پلمپ شده محل کارشان تجمع کردند.

این کارخانه از روز (۴ دی ماه) تعطیل شده است؛ به گفته

کارگران علت این تعطیلی به



## اخبار اعتراضات کارگری در آذربایجان شهلا خباززاده

شکایتی بازمی‌گردد که توسط اداره اوقاف و امور خیریه مطرح شده است.

اداره اوقاف مدعی است که قسمتی از تاسیسات این کارخانه در زمین‌های موقوفه واقع شده است و برای همین کارفرمای این واحد صنعتی نزدیک به ۲۰۰ میلیون تومان به اداره اوقاف بدهکار است.

به گفته کارگران که شمار آنها ۴۴ نفر است؛ به دلیل این بدهی، اداره اوقاف با حکم قضایی درب ورودی کارخانه را پلمپ کرده است و این اتفاق در حالی افتاده است که خود کارگران دست کم ۲۰ ماه مزد دریافت نشده، طلبکارند. به گفته معترضان، در آخرین پیگیری‌هایی که با مسئولان استانی انجام داده‌اند، هیچ پاسخ قانع‌کننده‌ای نگرفته‌اند و به همین دلیل ناچار شده‌اند تا در اعتراض به وضع موجود تجمع اعتراضی امروز را برپا کنند.

**دعوی با اداره اوقاف بهانه ای شده است تا حقوق کارگران پرداخت نشود. این دعوا ربطی به کارگران ندارد و آنها باید تمام حقوق های معوقه خود را به اضافه هزینه دیرکرد آن دریافت نمایند.**

**شانزده روز از اعتراض کارگران ماشین آلات تراکتور سازی گذشت**

\* جمعی از کارگران کارخانه «ماشین آلات تراکتورسازی ایران» در شانزدهمین روز از

است و در راستای واگذاری این واحد صنعتی برخی از خریداران از کارگران در خواست امضاء وکالت نامه‌ای رسمی را دارند که از مطالبات خود چشم پوشی کنند.

### 11 دی

**پلمپ کمباین‌سازی تبریز برداشته شد. اعتراض کارگران بابت معوقات مزدی**

کارگران کارخانه کمباین‌سازی تبریز که پیش از این، محل کارشان از سوی اداره اوقاف و امور خیریه پلمپ شده بود می‌گویند که این مشکل از روز گذشته برطرف شده و همه آنها در محل کارشان حضور دارند.

در کارخانه کمباین‌سازی تبریز ۴۴ کارگر مشغول کارند و به دلیل آنچه که بدهی کارفرما به سازمان اوقاف و امور خیریه عنوان می‌شود؛ پلمپ این واحد صنعتی از روز پنجشنبه (هفتم دی ماه) با حکم قضایی آغاز شده بود.

به نقل از کارگران گفته می‌شود که در حال حاضر مهم‌ترین مشکل آنها، معوقات مزدی و بیمه‌ای است و برای همین علت کارگران در اعتراض به مشکلات معیشتی کاری انجام نمی‌دهند.

مطالبات معوقه این کارگران تا بیست ماه می‌رسد.

### 12 دی

**کارگران راه آهن آذربایجان شرقی طلبکار باقی‌ماندند**

تعداد ۶۵۰ کارگر امور نگهداری خط و ابنیه فنی خط آهن آذربایجان شرقی بابت معوقات مزدی خود از پیمانکار پیشین

اعتراض خود در نامه‌ای خطاب به اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی شهرستان تبریز خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند.

این نامه امضای تمامی ۲۲۰ کارگر شرکت ماشین آلات تراکتورسازی ایران را در پای خود دارد و همزمان با شانزدهمین روز از اعتراض کارگران این واحد صنعتی منتشر شده است.

کارگران خواهان این هستند که با تغییر مالکیت کارخانه خریدار بایستی ملزم به پرداخت حقوق های معوقه آنها باشد. آنها هنوز بابت معوقات سال ۹۴ و نیز ۸ ماه مطالبات مزدی دیگر طلبکارند و خواهان ادامه کار کارگران رسمی و تمدید قرارداد مربوط به کارگران قراردادی هستند.

در این نامه همچنین در اعتراض به نحوه پلمپ کارخانه ماشین آلات تراکتورسازی ایران که از روز ۲۳ آذرماه سالجاری صورت گرفته، آمده است: این اقدام بدون اطلاع قبلی کارگران توسط اداره تصفیه و امور ورشکستگی تبریز در حالی صورت گرفته است که قرارداد ۳۰ روزه کاری کارگران با کارفرما هنوز به اتمام نرسیده بود.

کارگران ماشین آلات صنعتی تراکتورسازی در ادامه با بیان اینکه با بسته شدن دربهای کارخانه هم اکنون آنها شانزده روز است که بلا تکلیف و بی‌کار مانده اند در پایان نامه خود آورده اند: در حال حاضر مسئولیت نگهداری از این واحد صنعتی برعهده اداره تصفیه امور در ورشکستگی دادگستری شهرستان تبریز

تک آن‌ها ضرب العجل دو روزه مشخص کرده و گفته کارگرانی که تا پایان وقت اداری فردا پنجشنبه وکالت نامه را امضاء نکنند برای دریافت مقرری بیمه بیکاری به اداره کار معرفی می‌شوند.

به گفته این کارگران مفاد این وکالت‌نامه در ارتباط با وضعیت مطالبات آنهاست و از آنجا که متن این وکالت نامه تضمین کننده خواسته‌های آن‌ها نیست آن‌ها حاضر به امضا آن نیستند. از جانب مسئولان استانی، پاسخ مشخصی به خواسته‌های کارگران داده نشده است. ■

صنعتی تراکتورسازی تبریز؛ روز چهارشنبه ۲۰ دی ماه؛ بیست و هفتمین روز اعتراض خود را ادامه دادند.

کارگران از ۲۳ آذر ماه به دلیل پلمب کارخانه و تبعاً نگرانی از آینده شغلی‌شان تاکنون هر روز تجمع کرده‌اند.

به گفته کارگران ماشین آلات صنعتی تراکتورسازی تبریز، از زمان اعلام ورشکستگی این واحد صنعتی در حدود ۱۰ ماه قبل، بابت معوقات حقوقی طلبکاریم. در عین حال مطالبات دیگری همانند حق بیمه، سختی کار و... داریم. آنها می‌گویند: جدا از مشخص شدن وضعیت پرداخت مطالبات معوقه، به دنبال تامین امنیت شغلی خود هستیم.

در حال حاضر مسئولیت نگهداری از این واحد صنعتی برعهده اداره تسویه و امور ورشکستگی دادگستری شهرستان تبریز است و در راستای واگذاری این واحد صنعتی، اداره تسویه روز چهارشنبه ۲۰ دی را برای تک

این مجموعه طلبکارند. این کارگران که تا پایان آذر ماه سال جاری برای مدت هشت سال در استخدام شرکت پیمانکاری تراورس، بوده‌اند؛ می‌گویند: سنوات پایان خدمت هشت سال گذشته و دستمزد آبان و آذر سال جاری را نگرفته‌اند و علاوه براین از دی ماه سال گذشته نیز حق بیمه‌های آنها به درستی پرداخت نشده است.

به گفته کارگران، مدیران راه‌آهن آذربایجان شرقی بدون رعایت تشریفات قانونی و اطلاع از وضعیت مطالبات کارگران با پیمانکار قبلی بخش نگهداری خط تسویه کرده‌اند و در حال حاضر زیر پیمانکاری جدید نیز در این رابطه مسئولیتی را برعهده نمی‌گیرد.

## 20 دی

### ادامه تجمع کارگران ماشین آلات تراکتورسازی تبریز

بیش از ۱۲۰ نفر از کارگران و کارکنان شرکت ماشین آلات



**کمونیسم کارگری جنبش پرولتاریا است، طبقه ای که خود محصول عروج سرمایه داری و تولید مدرن صنعتی است. طبقه ای که از فروش نیروی کار خویش زندگی میکند و جز نیروی کار خویش وسیله ای برای تامین معاش خویش ندارد.**

**پرولتاریا برده نیست، رعیت نیست، استادکار و صنعتگر نیست، نه تحت تملک و انقیاد کسی است و نه خود مالک وسائل کار خویش است. هم آزاد و هم ناگزیر است تا نیروی کار خویش را در بازار به سرمایه بفروشد. پرولتاریا، محصول سرمایه داری و صنعت مدرن و طبقه استثمار شونده اصلی در این نظام است.**

سرکوب تظاهرات ها از یک طرف و خاتمه دادن به اعتصابات را نداشت و در چنین شرایطی بار دیگر و بسرعت تظاهرات ها جان تازه ای گرفت و نهایتاً با اعتصاب سراسری کارگران حکومت شاه در هم شکست.

همه جا دست به اعتصاب بزنید و نقش تاریخی خود را ایفا کنید. اعتصابات شما همگام با تظاهرات هایی که هرروز تندتر و گسترده تر میشود، ماشین سرکوب حکومت را فلج میکند. نباید به حکومت فرصت داد تا خودش را جمع و جور کند و با سرکوب اعتراضات بتواند مردم را در خیابان عقب براند. دست به اعتصاب بزنید و تجمعات خود را برگزار کنید. شما این قدرت را دارید که کمر حکومت اسلامی سرمایه داران را که ۳۹ سال فقر و محرومیت و بیحقوقی را به شما تحمیل کرده است بشکنید.

**سرنگون باد حکومت ضد زن، ضد کارگر،  
ضد آزادی و ضد بشر اسلامی  
زنده باد جامعه ای انسانی، مرفه و آزاد و  
برابر**

**حزب کمونیست کارگری ایران**  
۱۱ دیماه ۱۳۹۶، ۱ ژانویه ۲۰۱۷

## **کارگران، معلمان، دانشجویان، کارمندان اعتصابات را شروع کنید و ماشین سرکوب را فلج کنید!**

اعتصابات و تجمعات قدرتمند و مستمر شما که در شکل گیری تظاهرات روزهای گذشته نقش مهمی ایفا کرده است، اکنون میتواند نقش تعیین کننده ای در فضای سیاسی امروز ایفا کند. تظاهرات توده ای و وسیعی که در سراسر کشور شروع شده است، وضعیت جمهوری اسلامی را بسرعت بحرانی تر کرده و هر روز ابعاد بن بست و بحران حکومت را تشدید میکند. در پرتو این خیزش وسیع که در سراسر کشور جریان دارد، توازن قوا هرچه بیشتر به زیان حکومت و به نفع مردم تغییر کرده است. در چنین شرایطی اعتصابات شما خون تازه ای به تظاهرات ها میدهد، مانع سرکوب و کشتار مردم میشود و بحران حکومت را وارد فاز نهایی میکند.

تجربه سال ۵۷ مقابل همه ما قرار دارد. زمانی که حکومت شاه در برابر تظاهرات ها دست به حکومت نظامی در تهران و ده شهر دیگر زد، کارگران با اعتصاباتشان به میدان آمدند و ناتوانی حکومت را ده چندان کردند. حکومت توان

### **یوتل ست**

**فرکانس: 10721**

**پولاریزاسیون افقی**

**سیمبل ریت: 22000**

**اف ای سی 3/4**

### **هات برد**

**فرکانس: 11471**

**پولاریزاسیون عمودی**

**سیمبل ریت: 27500**

**اف ای سی 5/6**

### **پاه ست**

**فرکانس: 12594**

**پلاریزاسیون عمودی**

**سیمبل ریت: 27500**

**اف ای سی 2/3**

**کانال جدید را ببینید**

**KANAL JADID**

تلویزیون کانال جدید را به دوستان و  
آشنایان خود معرفی کنید

کانال جدید صدای انسانیت، آزادی خواهی و  
برابری طلبی است

کانال جدید صدای جنبش های اعتراضی  
عدالت خواهانه در ایران است

**ایمیل ها و تلفن تماس با کمیته آذربایجان:**

[www.sahand-azadi.com](http://www.sahand-azadi.com)

آدرس سایت:

[www.facebook.com/sahandazadiwpi](http://www.facebook.com/sahandazadiwpi)

فیس بوک:

[ebrahimi1917@gmail.com](mailto:ebrahimi1917@gmail.com)

دبیر کمیته:

[farazazadi54@gmail.com](mailto:farazazadi54@gmail.com)

ایمیل سردبیر:

[e.owji49@gmail.com](mailto:e.owji49@gmail.com)

همکار فنی، اسماعیل اوجی:

تماس تلفنی با نشریه و کمیته:

00491785598886

شهلا خباز زاده:

<https://t.me/KSahand>

آدرس تلگرام سهند:

**سرنگون باد جمهوری اسلامی - زنده باد سوسیالیسم**